

اللَّهُمَّ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ

تدین و دنیا

جلد سوم

سید محمد حسین راجی



تبیین با نور قرآن جلد سوم

- نویسنده: سید محمد حسین راجی
- تهیه و تنظیم: عبدالرسول کشمیری و محسن فوجی • صفحه‌آرا: محمد صادق صالحی
- ویراستار: واحد خواهران اندیشکده راهبردی سعادت
- طرح جلد: سید امیرحسین میرحسینی • خط روی جلد: استاد حسین قائمی
- ناشر: ویراستاران (با حمایت و همکاری سازمان تبلیغات اسلامی)
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۱ • شمارگان: ۵۰۰۰
- شابک جلد سوم: ۹۷۸۶۲۲۹۴۶۳۵۲۹ • شابک دوره: ۹۷۸۶۲۲۹۴۶۳۵۰۵



شماره ۱۰، تهران، ولایت، آبان

شماره تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۵۶۳۵۰۷۲۳

<http://soada.ir>

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۹ ... توضیح ضروری جلد سوم

بخش سوم

موضوعات نیازمند تبیین

ب) واقعیت‌های میدان

...

۱۳ ... ظرفیت‌ها (جوانان)

۱۷ ... بعثت پیامبران در جوانی

۱۸ ... جوان‌گرایی در سیره پیامبر ﷺ

۱۸ ... الف: نخستین نماینده پیامبر ﷺ

۲۰ ... ب: نخستین فرماندار مکه

۲۱ ... ج: جوانی هجده‌ساله فرمانده نبرد با رومیان

۲۲ ... فرماندهان جوان در دوران دفاع مقدس

۲۳ ... جوان‌گرایی در عصر حاضر

...

۲۵ ... چالش‌ها ۱ (تحریف)

... ۲۸	تحریف؛ اسلحه دشمن
... ۲۸	نمونه‌هایی از تحریفات دشمن
... ۲۸	(الف) نمونه‌ای از تحریف در صدر اسلام
... ۲۹	نفرین پیامبر ﷺ؛ فضیلت معاویه
... ۳۰	(ب) نمونه‌ای از تحریف در دوران حاضر
... ۳۰	تطهیر پهلوی

...

۳۷ ... چالش‌ها ۲ (نفاق و عوام‌فریبی)

... ۴۱	معنای نفاق
... ۴۳	یهودیان منافقانی سازمان یافته
... ۴۴	نفاق سیاسی؛ خطرناک‌ترین شکل نفاق
... ۴۵	نفاق کوفیان
... ۴۵	نفاقی چندلایه
... ۴۹	عوام‌فریبی
... ۵۰	نمونه‌هایی از عوام‌فریبی در مقابل ائمه علیهم‌السلام
... ۵۰	عوام‌فریبی معاویه
... ۵۱	عوام‌فریبی عمرو بن عاص در مسیر مصر
... ۵۲	عوام‌فریبی خوارج
... ۵۴	حاکمان عباسی و اوج عوام‌فریبی
... ۵۵	نمونه‌هایی از عوام‌فریبی در دوران معاصر
... ۶۰	عوام‌فریبی یزیدیان



تیسین با نور قرآن (جلد سوم)

بخش سوم

موضوعات نیازمند تبیین

ج) نقاط امیدبخش

فصل اول

۶۵ ... نصرت الهی

- ۶۹ ... روایاتی درباره انقلاب اسلامی
۷۲ ... داستان‌هایی از امدادهای غیبی

فصل دوم

۷۹ ... دستاوردها

- ۸۳ ... چهار دهه مقاومت چهار دهه پیشرفت
۸۴ ... صعود ۴۰ ساله
۸۹ نمونه‌هایی از توان داخلی قدرتمند
۹۳ حمله آمریکا به ایران
۹۶ گوشمالی عین الاسد

فصل سوم

۹۹ ... عبور از بحران‌ها

- ۱۰۳ ... ایستادگی در برابر بحران‌ها؛ دستاورد نظام جمهوری اسلامی
۱۰۴ برخی توطئه‌های تجزیه‌طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی:
۱۰۴ برخی توطئه‌های چهل ساله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۵ برخی توطئه‌های چهل ساله فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۶ برخی توطئه‌های چهل ساله تفرقه‌افکنانه مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۶ برخی توطئه‌های چهل ساله اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۷ برخی توطئه‌های چهل ساله امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۹ برخی توطئه‌های چهل ساله سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران:
۱۰۹ برخی توطئه‌های چهل ساله بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران:



فصل چهارم

۱۱۳ ... تاثیرگذاری انقلاب بر تحولات بین المللی

- ۱۱۶ ... حادثه انقلاب اسلامی در دنیا
۱۲۲ الف) دلگرم شدن ملت‌های زیر ستم
۱۲۳ ب) عقب‌نشینی غرب با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی
۱۲۳ عقب‌نشینی‌های غرب بعد از مواضع رهبر معظم انقلاب

فصل پنجم

۱۳۵ ... افول دشمن

- ۱۳۸ الف) انگلیس
۱۴۲ ب) شوروی
۱۴۴ ج) آمریکا
۱۴۹ د) رژیم غاصب صهیونیستی
۱۵۱ ه) راهبرد تبدیل دشمنان دیروز به هم‌پیمانان امروز

فهرست منابع

- ۱۵۵ ... منابع
۱۵۹ منابع اینترنتی





توضیح ضروری جلد سوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در جلد اول کتاب، به مباحث مختلفی -از جمله، اهمیت و لوازم جهاد تبیین- اشاره و در جلد دوم نیز به یکی از سرفصل‌های نیازمند تبیین یعنی «الف) تبیین اصول و امهات تبیین» پرداخته شد.

اما ۲ سرفصل دیگر این بخش یعنی «موضوعات نیازمند تبیین» باقی مانده است که آن دو عبارت‌اند از:

ب) تبیین واقعیت‌های میدان

اول: ظرفیت‌ها که به یک موضوع یعنی «نقش جوان» اشاره می‌شود.

دوم: چالش‌ها که به دو موضوع «تحریف» و «نفاق» خواهد پرداخت.

ج) تبیین نقاط امیدبخش نظام

که در این قسمت نیز به ۵ موضوع اشاره خواهد شد. ان شاء الله

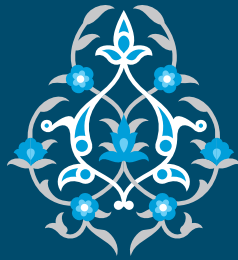
بخش سوم

موضوعات نیازمند تبیین

الف) اصول و امهات تبیین رجوع شود به جلد دوم

ب) واقعیت‌های میدان ◀

ج) نقاط امیدبخش



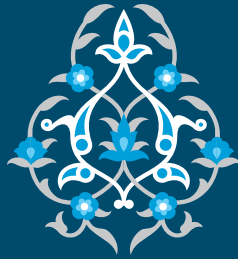
ظرفیت‌ها

إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

...

جوانان^۱

۱. این فصل از کتاب «جهاد امید آفرین» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است.





یکی از فرصت‌های بی‌نظیر در زندگی انسان که خدا فقط یک بار آن را به انسان هدیه می‌دهد، فرصت جوانی است. جوانی، فینال زندگی انسان است. جوانی یک قطعه کوچکی از تجربه بهشتی زندگی کردن است. چون آدم‌ها در بهشت همه جوان هستند.

اگرچه در نگاه اکثر جامعه ما، جوانی معادل بیکاری و بی‌مسئولیتی است اما خداوند متعال بزرگ‌ترین مسئولیت جهان را بر دوش جوانان قرار داده است یعنی نجات عالم بشریت.^۱ ضروری است که نگاه همه جامعه ما، اعم از خانواده‌ها و والدین و همچنین مسئولین کشور به فواید حضور نسل جوان ارتقا پیدا کند. این مسئله نیازمند تبیین جدی است. از لزوم اعتماد خانواده‌ها به جوانان و تربیت آنان برای برداشتن بارهای مهم جامعه و همچنین استفاده از نشاط جوانان در مأموریت‌های کشور از ضروریات این موضوع است.

اگر اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف اکثراً جوان هستند، این جوانان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند که خدا این مسئولیت بزرگ را بر دوش آن‌ها قرار داده است؟ یکی از احتمالاتی که درباره آیه ۵۴ سوره مائده بیان شده است، احتمال تطبیق با یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ خداوند متعال در این آیه شش ویژگی جوانان انقلابی پای رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را این‌گونه بیان می‌کند، می‌فرماید:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ سَبَاتٌ لَا كَهْوَلَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْحُلِيِّ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمَلِجِ فِي الرَّيْدِ وَأَقْلُ الرَّيْدِ الْمَلِجُ؛ یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف جوان‌اند و پیری در آن‌ها نیست، مگر به اندازه سرمه چشم یا به اندازه نمک در غذا و کمترین چیز در غذا، نمک است.» (غیبت نعمانی، ص ۳۱۶)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي
اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى
الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ
ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند)؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.

زمانی که آیه به اینجا می‌رسد مسلمانان از پیامبر ﷺ سؤال می‌کنند که آنان چه قومی هستند فَضْرَبَ بَيَدَهُ عَلَيَّ سَلْمَانَ، فَقَالَ: هَذَا وَذُوهُ،^۲

دست روی شانه سلمان گذاشتند و فرمودند: سلمان و هم‌وطنان او مصداق این آیه هستند.

آری اگر این آیه برای آخرالزمان است، باید به یکی از ویژگی‌های آنان دقت ویژه‌ای شود و آن جوان بودن آن‌هاست. یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى همه جوان‌اند و تعداد یاران سالمند او بسیار اندک است. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در اشاره به این نکته فرموده است:

«یاران حضرت قائم همگی جوان هستند و سالخورده‌ای در میانشان نیست؛ مگر به سان سرمه در چشم یا نمک در غذا و کمترین توشه همراه انسان نمک است (کنایه از مقدار بسیار اندک پیران)».^۳

اینکه چرا بیشتر یاران آن حضرت جوانان هستند شاید علل گوناگونی داشته

۱. مانده، ۵۴.

۲. مجمع البیان: رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ عَنْ هَذِهِ آيَةِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» فَضْرَبَ بَيَدَهُ عَلَيَّ سَلْمَانَ، فَقَالَ: هَذَا وَذُوهُ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ الرَّبِيُّ مُعَلَّفًا بِالرَّبِّيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۵، ب ۲۱، ح ۱۰؛ فیض کاشانی، نوادر الاخبار، ص ۲۷۰.

باشد. ممکن است یکی از این دلایلش روحیه پاک و بی‌آلایش جوان باشد که با صراحت حق را مطالبه می‌کند و در راه رسیدن به حق پاک‌باز است. جوان با شورونشاط به دنبال انجام مسئولیت خویش و شیفته فضایل و سیرت زیبای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

جوان محبوب خداوند است و خدا رابطه خوبی با جوان‌ها دارد. امام صادق عجل الله تعالی فرمود:

«إِنَّ أَحَبَّ الْحَلَاتِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى شَابٌّ حَدَّثَ السِّنِّ فِي صُورَةٍ
حَسَنَةٍ، جَعَلَ سَبَابَهُ وَجَمَالَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى، ذَاكَ الَّذِي
يِبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ، فَيَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا».

به‌راستی که دوست‌داشتنی‌ترین آفریدگان نزد خداوند، جوان کم‌سال و خوش‌سیمایی است که جوانی و زیبایی‌اش را در راه فرمان‌بری از خداوند بزرگ، قرار داده است. آن که خداوند بزرگ به وی نزد فرشتگان افتخار می‌کند و می‌فرماید: «این، بنده حقیقی من است».^۱

پیامبران نیز در سن جوانی به پیامبری مبعوث شدند.

بعثت پیامبران در جوانی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا شَابًّا»^۲;

خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی مبعوث نکرد.

حضرت ابراهیم عجل الله تعالی فرجه نمونه‌ای از پیامبران جوان بود.

۱. اعلام‌الدین، ص ۱۲۰.

۲. حکمت‌نامه جوان، محمد محمدی ری‌شهری رحمته الله علیه، ص ۶۰، به نقل از کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۷۵، ح



خداوند در قرآن در این باره می فرماید:

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾^۱

(گروهی) گفتند: «شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت ها سخن می گفت که او را ابراهیم می گفتند.»

همچنین خداوند درباره حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

و هنگامی که به مرحله بلوغ و قوت رسید ما حکم و علم به او دادیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام ذیل این آیه قرآن می فرماید:

«﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى﴾ قَالَ أَشُدُّهُ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَاسْتَوَى

التَّحْيِ»^۳

«اشدّه» یعنی به رشد رسیده بود و هجده ساله بود و «استوی» یعنی ریش درآورده بود.

جوان گرایی در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الف: نخستین نماینده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

پس از دیدار دوازده نفر از اهالی مدینه با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در عقبه نخست که منجر به پذیرش اسلام و بیعت آنان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شد، این گروه به مدینه بازگشتند؛ تا اینکه با تبلیغات آنان، اسلام در خانه های انصار آشکار شد. انصار

۱. انبیاء، ۶۰.

۲. یوسف، ۲۲.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۱.





مردی را با نامه‌ای به حضور رسول خدا ﷺ فرستادند و تقاضا کردند که فردی را نزد ما بفرست تا احکام دین و قرآن به ما بیاموزد.^۱

این نخستین باری بود که پیشوای بزرگ اسلام تصمیم می‌گرفت به خارج از مکه نماینده رسمی بفرستد. بدیهی است فردی که انتخاب می‌شد باید از هر جهت شایستگی‌های لازم را برای این مأموریت حساس می‌داشت.

پیامبر خدا ﷺ از میان همه مسلمانان آن روز مصعب بن عمیر را به نمایندگی خود برگزید. پیامبر خدا ﷺ مصعب بن عمیر را به مدینه گسیل داشت که جوانی کم‌سن و سال و از حافظان و قاریان قرآن بود و بسیاری از قرآن را آموخته بود.

مصعب در خانه اسعد بن زراره فرود آمد. او هر روز از خانه بیرون می‌رفت و به خانه‌ها و قبایل انصار مراجعه می‌کرد و ایشان را به پذیرش اسلام دعوت می‌کرد و برای آنان قرآن می‌خواند. مردم یکی یکی یا دوتا دوتا مسلمان می‌شدند؛ آن چنان که اسلام در تمام خانه‌های انصار آشکار شد و قسمت‌های بالای مدینه هم به جز چند خانواده از قبیله اوس، که خطمه و وائل و واقف بودند، مسلمان شدند. مصعب برای آنان قرآن می‌خواند و احکام دین را به ایشان آموزش می‌داد. این جوان باایمان و پُرشور و باتدبیر مأموریت خود را به خوبی انجام داد. طولی نکشید که همه اقشار مدینه، به خصوص نسل جوان، دعوت او را پذیرفتند و مسلمان شدند. او نخستین کسی است که به امامت او نماز جمعه در مدینه اقامه شد.

سال بعد مصعب بن عمیر به همراه هفتاد نفر از مسلمانان اوس و خزرج جهت به جا آوردن مراسم حج و نیز دیدار با رسول خدا ﷺ از مدینه بیرون آمد. او پس از ورود به مکه مخفیانه به حضور پیامبر ﷺ رسید و خبر اسلام آوردن مردم مدینه را به اطلاع حضرت ﷺ رساند. این خبر شادی رسول خدا ﷺ را در پی داشت.^۲

۱. الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۳، ص ۸۸؛ المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۳، ص ۸۷ و ۸۸.

ب: نخستین فرماندار مکه

اندکی بعد از فتح مکه جنگ حنین پیش آمد و به ناچار پیامبر خدا ﷺ و سربازانش باید از مکه خارج می شدند و به سوی جبهه جنگ می رفتند. چون مکه به تازگی از دست مشرکان خارج شده بود باید فرماندار لایق و باتدبیری برای اداره آن تعیین می شد که به امور شهر مکه رسیدگی کند که مرکز جزیره العرب و مورد توجه عموم قبایل و اقشار مختلف مردم بود. علاوه بر این جلوی بی نظمی هایی را بگیرد که ممکن بود دشمنان در غیاب پیامبر ﷺ به وجود آورند.

پیامبر خدا ﷺ از میان همه یاران، جوان ۲۱ ساله ای را به نام «عتاب بن اسید» برای این مسئولیت بزرگ برگزید^۱ و درباره اهمیت این مسئولیت خطاب به او فرمود: «ای عتاب! می دانی تو را بر چه کسانی گماشتم؟ تو را بر مردمان [شهر] خدای عزوجل گماشتم و اگر برای آنان بهتر از تو سراغ داشتم او را بر ایشان می گماشتم.»^۲

بدیهی است که انتصاب جوانی ۲۱ ساله به فرمانداری مکه، موجب رنجش خاطر و آزردهی بزرگان مکه می شد. پیامبر خدا ﷺ برای پیشگیری از اعتراض آنان در پایان نامه مفصلی خطاب به مردم مکه نوشت:

«کسی در نافرمانی از او به کمی ستم استدلال نکند؛ زیرا بزرگ تر شایسته تر نیست؛ بلکه شایسته تر بزرگ تر است.»^۳

عتاب بن اسید تا آخر عمر پیامبر ﷺ فرماندار مکه بود و در طول دوران مأموریت خود به خوبی از عهده این مسئولیت بزرگ برآمد.^۴



۱. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۳۶۵.

۲. اسد الغابه فی معرفة الصحابة، ابن اثیر؛ ج ۳، ص ۴۵۲.

۳. تفسیر الامام حسن العسکری علیه السلام، ص ۵۵۵ - ۵۵۶.

۴. الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۶، ص ۵.

ج: جوانی هجده ساله فرمانده نبرد بارومیان

پیامبر خدا ﷺ در واپسین روزهای عمر شریفشان فرمان آماده شدن مردم برای جنگ با روم را صادر فرمود و دستور داد که مسلمانان به سرعت جهت این امر آماده شوند.

آن حضرت ﷺ اسامه پسر زید را به فرماندهی این لشکر برگزید و به او دستور داد که لشکر را تا مرز بلقاء و ارزروم در فلسطین ببرد و با دشمنان خدا بجنگد. تمام افسران ارشد فرماندهان سپاه اسلام و بزرگان مهاجران و انصار از جمله ابوبکر و عمر و ابو عبیده جراح و سعد بن ابی وقاص و ابوالاعور همراه گروهی دیگر از مهاجران و انصار مانند قتاده بن نعمان و سلمه بن اسم در این لشکر عظیم گردآمده بودند. برای فرماندهی چنین سپاهی بی تردید باید لایق ترین افسران انتخاب می شد. پیامبر اسلام ﷺ اسامه بن زید را - که جوانی هجده ساله بود - طلبد و فرماندهی لشکر را به او واگذار کرد.

این اقدام پیامبر ﷺ برای بسیاری از اصحاب بزرگ او، خصوصاً در شرایط سیاسی آن روزها قابل قبول نبود. در نتیجه زبان به اعتراض گشودند که پیامبر ﷺ جوانی کم سن و سال را بر مهاجران سابقه دار می گمارد.

پیامبر خدا ﷺ در حالی که از این سخن به خشم آمده بود بر فراز منبر رفت و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «همانا مردم به فرماندهی اسامه زخم زبان زدند. آنان پیش از این نیز نسبت به فرماندهی پدر اسامه چنین کرده بودند؛ در حالی که آن دو شایسته فرماندهی بودند و اسامه از دوست داشتنی ترین خاندان ها در نزد من است. شمارا نسبت به اسامه به نیکی سفارش می کنم.»^۱

توجه پیامبر ﷺ به جوانان در نوع خود بی نظیر است.



فرماندهان جوان در دوران دفاع مقدس

در دوران معاصر نیز حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به جوانان اعتماد بسیاری داشتند. اکثر فرماندهان جنگ جوان بودند.

- شهید کاوه فرمانده تیپ ویژه شهدا ۲۱ ساله بود.

- حاج یونس زنگی آبادی فرمانده تیپ امام حسین علیه السلام که از سوی حاج قاسم سلیمانی منصوب شد ۲۱ سال بیشتر نداشت.

- مهدی زین الدین در ۲۱ سالگی مسئول واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران در دزفول و سوسنگرد شد و چندی بعد به فرماندهی لشکر علی بن ابی طالب علیه السلام منصوب شد.

- شهید علیرضا موحد دانش، حاج احمد کاظمی، حاج حسین علم الهدی، محمدابراهیم همت فرمانده لشکر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، حمید باکری جانشین لشکر ۳۱ عاشورا، حسن باقری قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه، محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی، مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، سید محسن صفوی فرمانده قرارگاه صراط المستقیم، محمد بروجردی فرمانده سپاه کردستان، و محمد جهان آرا که شکست حصر آبادان مرهون تلاش و مجاهدات او و یارانش بود و بسیاری از فرماندهان همگی در ابتدای جنگ تحمیلی ۲۵ تا ۲۶ ساله بودند و نشان دادند از پس این مسئولیت بسیار مهم برمی آیند. اغلب شهدای دفاع مقدس نیز در سنین جوانی بودند، ۴۴ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال سن داشتند، ۳۰ درصد بین ۲۱ تا ۲۶ سال و ۸ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال. یعنی ۸۲ درصد از شهدای جوان بودند اکنون نیز باید همان گونه باشد و به جوانان بیش از گذشته اعتماد شود و آنان مسئولیت ها را به عهده گیرند.

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می فرمایند:

«از نیروهای مخلص و باکفایت غفلت نکنید. در سرتاسر کشور، نیروهایی هستند که ای بسا برای مرکز نشینان که ماها باشیم، شناخته شده نیستند، اما

کفایت و اخلاص لازم را دارند. این‌ها را در چرخه کارها قرار دهید و از نیرویشان استفاده کنید.»^۱

جوان‌گرایی در عصر حاضر

نمونه‌ای از خلق شاهکار به واسطه استفاده از جوانان کشور، ساخت ناو جماران است.

سید جعفر رحیمی، مدیر پروژه ساخت ناوشکن جماران روایت می‌کند:

پروژه موج شکل گرفت. هدف، ساخت ناو جماران بود. بیشتر تأکید روی ایمنی کار بود؛ چون اگر رعایت نمی‌شد، سوانحی اتفاق می‌افتاد که کل پروژه را زیر سؤال می‌برد. به هر حال ما مجوزهای لازم را گرفتیم و برای تسلیحات و تجهیزات قرارداد بستیم. از جمله با شرکت پیل استیک فرانسه برای موتور، جعبه‌دنده، شافت، پروانه و سیستم کنترل موتور. در آخر، فرانسه زد زیر قرارداد و کار را چند سال عقب انداخت. در نهایت مجبور بودیم این قطعات را خودمان بسازیم.

همه ایران شده بود کارخانه و آزمایشگاه ما. از دانشگاه‌ها و صالیان^۲ کمک گرفتیم. باید از همه ظرفیت‌های داخل، استان به استان استفاده می‌کردیم و بالاخره ساختیم. ما توانستیم ناوی بسازیم که دارای سامانه‌های پردازش راداری، رادارهای تاکتیکی سطحی، زیرسطحی و هوایی بود. قدرت زیادی برای کنترل آتش داشت، مجهز به انواع سامانه‌های اژدرافکن و توپ‌های دریایی پیشرفته بود.

در کنار همه این‌ها بالگرد هم می‌توانست روی عرشه‌اش برخاست و فرود داشته باشد. ناو ما را رهبر انقلاب افتتاح کردند. آقا در روز افتتاح ناوشکن جماران فرمودند: «امروز برای من روز شیرین و دل‌پسندی بود؛ نه فقط به



۱. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3331>

۲. صنایع الکترونیک ایران.

خاطر اینکه یک فروند رزم‌ناو به ناوگان دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران افزوده شد که این البته دستاورد باارزش و مهمی است؛ بلکه بیشتر از این جهت که کارکنان جوان و هوشمند و دانشمند ما در این بخش از نیروهای مسلح، نتیجه امید، اعتماد و توکل خودشان را به چشم دیدند و این آن‌ها را بر برداشتن گام‌های بلند دیگر مصمم خواهد کرد. اساس کار این است، اساس کار این است که نیروی انسانی ما خود را و توانایی‌های خود را قدر بداند و آن‌ها را بشناسد.^۱

اقدامات جوانان ایرانی در بخش‌های مختلف، گاه شگفتی ناظران بین‌المللی را به همراه داشته است. دکتر غلام‌رضا آقازاده، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی خاطره زیبایی در این زمینه تعریف می‌کند:

همراه البرادعی آمده بود نطنز برای بازدید؛ پیرمردی که ادواردو نام داشت و متخصص سانتریفیوژ بود. نمایشگاهی داشتیم که قطعات سانتریفیوژ را با روش‌های ساختشان در ایران نمایش می‌داد. ادواردو با تعجب نگاه می‌کرد. پر بود از پرسش و مدام سؤال می‌پرسید. این قطعه‌ها به اسکوپ که رسید، حاج‌وواج ماند. اسکوپ قطعاً حساسی بود و ساخته شدنش در ایران برای ادواردو تصور شدنی نبود. پرسید: «این را چطور ساخته‌اید؟» جوان‌های بیست و چند ساله ما پاسخ ادواردو را می‌دادند. پیرمرد دفترچه‌اش را درآورده بود و نشان بچه‌ها می‌داد. الگوی اسکوپ را ادواردو در اروپا کشیده بود و به نتیجه رسانده بود. رسیدن به محاسبات و فرمول‌های ساخت اسکوپ در ایران، برایش شگفت‌آور بود. روز بعد، البرادعی تهران بود برای دیدار با مسئولین، البرادعی گفته بود: «آنچه ما در نطنز دیدیم، مرحله‌ای از دانش است که بیشتر از هفت هشت کشور دنیا ندارند.»^۲

۱. امواج اراده‌ها، گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت، گردآوری و تدوین میلاد

حبیبی و پژمان عرب، ص ۹۲.

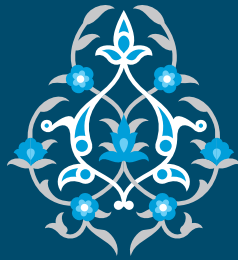
۲. همان، ص ۱۳۰.

﴿۷۴﴾ أَفَنظَمُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ
 يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا

...

تحریف^۱

۱. این فصل از کتاب «راه‌های نفوذ دشمن» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است.





همه ما با عکس‌هایی که انسان را دچار خطای چشم کند مواجه شده‌ایم. همان‌طور که چشم انسان خطاهایی دارد، ذهن انسان هم گاهی دچار خطا می‌شود. یعنی عکس ذهنی من از واقعیت، با واقعیت یکی نیست. خطای ذهنی یعنی بین آنچه در واقعیت و حقیقت وجود دارد با آنچه که من از واقعیت دریافت و درک کردم مطابقت نداشته باشد و من از درک واقعیت منحرف شده باشم.

در طول تاریخ همیشه جریانی وجود داشته که نمی‌خواستند انسان‌ها حقیقت را درک کنند. چون درک حقیقت به ضرر آنها تمام می‌شده عکس ذهنی آدم‌ها را از واقعیت تغییر داده، یا زیبایی‌ها را سیاه‌نمایی کرده؛ یا زشتی‌ها را سفیدنمایی کرده است. به این فاصله افتادن بین حقیقت و ما «تحریف و انحراف» گفته می‌شود.

قرآن کریم دست این جریان را رو می‌کند و می‌فرماید:

﴿قَدْ كَانَ قَرِيبًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ
مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، درحالی‌که علم و اطلاع داشتند!^۱



اثر تحریف همانند سمی است که ذهن مخاطبین را آلوده می‌کند و به وسیله روایت نادرست حقایق، نظام فکری فرد را به صورت ناصحیح پایه‌گذاری می‌کند. در این صورت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که چنین فردی بتواند تحلیل درست و سپس حرکت درستی در جامعه داشته باشد. در واقع تحریف، برای خلع سلاح جریان عمومی جامعه استفاده می‌شود. از قدم‌های اصلی در جهاد تبیین، مبارزه با جریان تحریف با تلاش برای انتشار حقیقت است.

تحریف؛ اسلحه دشمن

آیه‌ای که بیان شد درباره دشمنی یهود، با پیامبر ﷺ است. آن‌ها که منتظر آمدن پیامبر ﷺ بودند، چطور تبدیل به دشمن‌ترین دشمنان شدند. خیلی باید ذهن خودمان را مراقبت کنیم، شبیه مراقبت از جیب خودمان که مبادا کسی دست در ذهن ما بیندازد و انحرافی از واقعیت برای ما ایجاد کند.

نمونه‌هایی از تحریفات دشمن

الف) نمونه‌ای از تحریف در صدر اسلام

اولین کاری که معاویه انجام داد، دست به تحریف روایات زد. بعضی از روایات را تحریف کرد، مردم هم باور کردند. مثلاً روایتی بود که: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلَى مَنبَرٍ فَاقْتُلُوهُ» (اگر روزی معاویه را بر منبر من دیدید، او را بکشید).^۱ معاویه این را عوض کرد؛ فاقتلوه را فاقبلوه کرد: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلَى مَنبَرٍ فَاقْبَلُوهُ» (اگر روزی معاویه را بر منبر من دیدید، او را قبول کنید)^۲ چقدر هم راحت مردم این جریان را قبول کردند و برایشان حل شده بود! از بعضی از این تحریف‌ها آدم تعجب می‌کند.

۱. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۶۳۷؛ وقعة صفین، ص ۲۲۱ و ۲۱۶.

۲. علامه امینی، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۷. علامه سید مرتضی عسکری برخی از این روایات را آورده است: عبدالله بن سبأ و اساطیر آخری، چاپ پنجم، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۶۴.

نفرین پیامبر ﷺ؛ فضیلت معاویه

این تحریف‌ها امروزه نیز ادامه دارد؛ مثل روایتی که همه می‌دانند در مذمت معاویه است که روزی پیامبر اکرم ﷺ ابن عباس را به دنبال معاویه فرستادند تا بیاید و برایشان بنویسد. ابن عباس او را یافت که غذا می‌خورد. بازگشت و به پیامبر ﷺ خبر داد. حضرت دوباره او را فرستادند، بازهم ابن عباس دید که او مشغول خوردن است. تا سه مرتبه این رفت‌وآمد رخ داد. بالاخره پیامبر ﷺ فرمودند: «لَا أَسْبَحَ اللَّهُ بَطْنَهُ» (خدا هرگز شکمش را سیر نکند)¹ از این نفرین پیامبر ﷺ معاویه هیچ‌وقت سیر نمی‌شد. این واضح بود.

اما زمانی که جریان تحریف راه بیفتد می‌تواند نفرین را به یک فضیلتی بزرگ تغییر دهد:



ابن کثیر این روایت را در قسمت فضائل معاویه می‌آورد و می‌گوید: معاویه با این دعا در دنیا و آخرت بهره‌مند شد. وقتی در شام امیر شد، در روز هفت مرتبه غذا می‌خورد و برایش کاسه‌ای بزرگ که در آن گوشت فراوان و پیاز بود، می‌آوردند و از آن می‌خورد و در روز هفت بار غذای گوشتی و شیرینی و میوه به مقدار فراوان می‌خورد و می‌گفت: «به خدا سوگند سیر نمی‌شوم، تنها خسته می‌شوم و این نعمت و معده‌ای است که همه پادشاهان راغب آن هستند.»²

این تحریف‌ها که اتفاق افتاد، بعد از ۵۰ سال می‌بینید که مردم اسلام حقیقی و واقعی حسین بن علی علیه السلام را فراموش و اسلام تحریف‌شده اموی را باور می‌کنند. امروز هم همین‌طور است، کار دشمن همین تحریف است.

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰ و ۲۰، کتاب البز والصلوة والاداب، باب ۲۵، ح ۹۶ و ۹۷.

۲. علامه امینی، الغدير في الكتاب والسنة والادب، ج ۱۱، ص ۱۱۶.

ب) نمونه‌ای از تحریف در دوران حاضر

در زمان حاضر نیز می‌بینیم که رهبر فقید انقلاب رحمته‌الله علیه را تحریف می‌کنند. طوری ایشان را برای ما تعریف می‌کنند که گویا ایشان اصلاً دشمن آمریکا نبود و با آمریکا مشکلی نداشت! با این‌گونه حرف‌ها و سؤالات، مبانی ایشان را تحریف می‌کنند. چه کسی گفته امام این حرف را زده است؟ چه کسی گفته امام گفته‌اند فلانی بد است؟ چه کسی گفته امام چنین کاری را انجام داده‌اند؟

امروز اصول قطعی خمینی بت‌شکن را تحریف می‌کنند. شعار ایشان که «مرگ بر آمریکا» بود را تحریف می‌کنند. می‌گویند چه کسی گفته ایشان مرگ بر آمریکا را قبول داشت؟! اخیراً گفته‌اند دو سال آخر عمر، ایشان اصلاً نامه ننوشته‌اند! و تمام نامه‌های آن دو سال آخر عمر، توسط اطرافیان نوشته شده است! می‌گویند چه کسی گفته آقای منتظری را عزل کردند؟! چه کسی گفته حکم ارتداد سلمان رشدی را داده‌اند؟! رهبر فقید انقلاب را طوری تعریف می‌کنند که به کسی برنخورد. همان‌طور که امروز امام حسین علیه‌السلام را برای ما طوری تعریف می‌کنند که امامی سازش‌کار بود. فقط در همین حد که امام حسین علیه‌السلام رفت جنگید و خداوند رحمتش کند و برایش گریه کنید؛ همین! این‌ها امام ماضی را عَلم می‌کنند تا امام مُضارع در غیبت بماند! چون امام ماضی را انسان هر طور دلش بخواهد می‌تواند تعریف و تحریف کند؛ اما امامی که خود حضور داشته باشد را کسی نمی‌تواند تحریف کند. مانند اینکه امروزه مقام رهبری رحمته‌الله علیه را که نمی‌تواند تحریف کنند، اما رهبری فقید را تحریف می‌کنند!

تطهیر پهلوی

یکی دیگر از مهم‌ترین نمونه‌های تطهیر در عصر حاضر، بزک حکومت سرتاپا فساد و فسادپرور پهلوی است. این تحریف و تطهیر به جایی رسیده است که برخی رضاشاه را منجی ایران می‌دانند که در اینجا به نمونه‌هایی از نظر اندیشمندان غربی پیرامون رضاشاه خواهیم پرداخت.



دکتر آرتور میلسپو^۱، مشاور تجاری وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در ایران، می‌نویسد:

«در سال ۱۹۲۱ میلادی رضاخان پهلوی، فرزند یک دهقان مازندرانی و سرهنگ گارد قزاق که روس‌های تزاری تأسیس کرده بودند، از قزوین به سوی تهران رفت، نخست‌وزیر جدیدی را بر سرکار گذاشت و خودش را فرمانده کل قوا و وزیر جنگ نامید. او به زودی این مشاغل را به طور دائمی در دست گرفت و به علت قدرت نظامی و ویژگی‌های شخصی‌اش، تبدیل به دیکتاتور بالقوه ایران شد. ... در مجموع، او در سال‌های پادشاهی خود، کشور را کاملاً دوشید، دهقانان، قبایل و کارگران را خرد کرد و طبقه جدید سرمایه‌دارها، تجار، انحصارگران، پیمانکاران و سیاستمداران وابسته را ثروتمندتر کرد.»^۲

فوت، نماینده مجلس انگلیس بعد از بازگشت از ایران می‌گوید:

«... رضاشاه دزدان و راهزنان را از سر راه‌های ایران برداشت و به افراد ملت خود فهماند که من بعد در سرتاسر ایران فقط یک راهزن بزرگ باید وجود داشته باشد.»^۳

رضاشاه نه فقط نسبت به مردم بلکه حتی نسبت به حیوانات نیز کوچک‌ترین ترحمی نداشت.

جان گونتر، خبرنگار و نویسنده آمریکایی در خاطراتش می‌نویسد:

«رضاشاه در سفرهایش، در هر روستایی که شب را می‌خوابید؛ دستور می‌داد سگ‌ها را بکشند. چون با صدای سگ‌ها از خواب می‌پرید...»^۴

ثمره حکومت رضاشاه برای مردم جز فلاکت و بیچارگی چیزی به همراه نداشت.



1. Arthur Chester Millsbaugh

۲. کتاب آمریکاییها در ایران / دکتر آرتور میلسپو ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی / ص ۳۳ و ۳۴.

۳. تاریخ ۲۰ ساله ایران، حسین مکی (نماینده مجلس دوران رضاشاه) ج ۶، ص ۱۴۳.

۴. کتاب Inside Asia، نوشته john gunther، صفحه ۵۳۲.



دکتر جان فوران^۱، استاد دانشگاه کالیفرنیا و جامعه‌شناس آمریکایی، می‌نویسد:

«در نیمه سال ۱۳۲۳ ش قند و شکر جیره‌بندی شد؛ کیلوگرمی ۸ ریال (۰.۲۵ دلار) بود اما در بازار سیاه کیلویی ۱۳۳ ریال (۴.۱۲ دلار) خرید و فروش می‌شد. جای رسماً کیلویی ۴۰ ریال (۱.۲۴ دلار) و در بازار سیاه ۴۰۰ ریال (۱۲.۴۰ دلار) بود. لاستیک اتومبیل گران‌بهارترین قلم کالا در تهران سال ۱۳۲۱ شمسی بود یعنی هر حلقه لاستیک دو هزار دلار^۲ قیمت داشت. آسپرین در بازار رسمی یافت نمی‌شد اما در بازار سیاه فراوان بود»^۳

او در جای دیگری از کتابش می‌نویسد:

«سازمان ملل متحد در دهه ۱۳۳۰ ش برآوردی در این زمینه به عمل آورد و متوجه شد در ایران هر بزرگ‌سال روزانه کمتر از ۱۸۰۰ کالری دریافت می‌کند که از تمامی مناطق فقیرنشین خاورمیانه کمتر و پایین‌تر بود. شرایط بهداشتی نیز بسیار نامطبوع و نامطلوب بود، در اواخر دهه ۱۳۲۰ ش به‌موجب یک بررسی معلوم شد نرخ مرگ‌ومیر کودکان ۵۰ درصد و امید زندگی در روستا ۲۷ سال است، اغلب مردم با بیماری دست‌به‌گریبان‌اند و اغلب روستاها فاقد امکانات بهداشتی‌اند با این وضع مریض شدن یک مشکل عمده و جدی بود.»^۴

بزرگ پهلوی فقط به دوران رضاشاه خلاصه نمی‌شود بلکه دوران محمدرضا را نیز در برمی‌گیرد که لازم است به آن نیز اشاره شود.

فریدون هویدا، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در زمان پهلوی، درباره فساد مالی خانواده شاه چنین می‌نویسد:

«فسادی که درون دربار شاه وجود داشت، حقیقتاً ابعاد وحشتناک به خود

1. John Foran

۲. هزینه چهار حلقه لاستیک برای یک خودرو، با احتساب قیمت دلار امروزی (حدوداً ۲۵ هزار تومان) مبلغی بالغ بر ۲۰۰,۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود.

۳. مقاومت شکننده / جان فوران / ترجمه احمد تدین / ص ۴۰۰.

۴. مقاومت شکننده / جان فوران / ترجمه احمد تدین / ص ۳۴۹.

گرفته بود، برادران و خواهران شاه به خاطر واسطه‌گری برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت‌هایی که گاه خودشان نیز جزو سهام‌داران عمده آن‌ها بوده، حق‌العمل‌های کلانی به چنگ می‌آوردند؛ ولی گرفتاری اصلی در این مسئله فقط رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنت نبود؛ بلکه اقدامات آن‌ها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به صورت منبعی درآمدی بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند»^۱

حسین فردوست، رئیس دفتر ویژه اطلاعات محمدرضا شاه پهلوی، درباره فساد گسترده در حکومت پهلوی می‌گوید:

«فساد در حداکثر متصور بود؛ به نحوی که من به عنوان رئیس بازرسی، دیدم اگر که قرار باشد به تمام چپاولگری‌ها رسیدگی بکنم، باید اقل ده هزار پرسنل داشته باشم که این‌ها هم دائماً فعال باشند. آمدیم یه رقمی گذاشتیم؛ گفتیم اگر از صد میلیون تومان (پانزده میلیون دلار) به بالا کسی چپاول کرده، این را رسیدگی بکنیم. تازه همین، سه هزار و هفتصد و پنجاه مورد تا پیروزی انقلاب در بازرسی شاهنشاهی موجود بود.»^۲

او در خاطراتش می‌نویسد:

«در دوران مسئولیتم در بازرسی متوجه شدم که اصولاً موارد سوءاستفاده و حیف‌ومیل نهایت ندارد. در دوران ۱۳ ساله نخست‌وزیری هویدا، همه می‌چاپیدند و هویدا کاملاً نسبت به این وضع بی‌تفاوت بود؛ در صورتی که یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس دولت، جلوگیری از فساد و حیف‌ومیل اموال دولتی است. در هیچ زمانی، به اندازه دوران هویدا، فساد گسترده نبود و او چون جلب رضایت محمدرضا را می‌طلبید، نمی‌خواست کسی را از خود ناراضی کند و به همین دلیل نیز صدارت او طولانی شد. من هر دو ماه یک‌بار، از طرف افسر دفتر ویژه که مسئول پیگیری پرونده‌ها بود، پیشرفت کار را سؤال می‌کردم.

۱. سقوط شاه، فریدون هویدا، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۸۹.

۲. فیلم این مصاحبه در آدرس ذیل موجود است.





اصلاً پیشرفتی وجود نداشت و صفر بود. همه پرونده‌ها طبق دستور شفاهی نخست‌وزیر به وزیر دادگستری، بایگانی نمی‌شد و محمدرضا نیز اهمیتی به این امر نمی‌داد و از نظر او بی‌ایراد بود.^۱

مناسب است به نمونه‌هایی از نظر اندیشمندان غرب پیرامون رفاه مردم در دوران محمدرضا نیز اشاره کنیم.

فرانس فیتزجرالد^۲، نویسنده سرشناس آمریکایی، مشاهداتش در ایران را در سال ۱۳۵۳ در مقاله‌ای به نام «به شاه هرچه می‌خواهد، بدهید» در مجله آمریکایی هارپری می‌نویسد:

«وضعیت ایران، به طور کلی، به مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد؛ به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است [...] ثروت کشور بیشتر به سوی خودروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و نه آموزگاران سرازیر شده است.»^۳

آبراهامیان^۴، تاریخ‌شناس مشهور مقیم آمریکا، در کتاب *تاریخ ایران مدرن* درباره توزیع درآمد حاصل از فروش نفت در اواخر حکومت پهلوی می‌نویسد:

«ثروت، همانند یخ در آب گرم، در فرایند دست‌به‌دست شدن ذوب می‌شد و نتیجه آن نیز چندان تعجب‌آور نبود. در دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰ ش) ایران یکی از مشکل‌دارترین کشورهای جهان سوم به لحاظ توزیع نابرابر درآمدها بود؛ اما بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی کار در دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰ ش)، به یکی از بدترین کشورهای جهان تبدیل شد.»^۵

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، حسین فردوست، صص ۲۷۳، ۲۷۴ و ۲۷۵.

۲. Frances FitzGerald.

۳. Frances FitzGerald, Giving the Shah everything he wants, 1974, November, p. 70.

۴. Ervand Abrahamian

۵. بیرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، صص ۲۵۲.

جان فوران، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه کالیفرنیا، در کتاب مقاومت شکننده دربارهٔ هزینه‌های زندگی مردم در اواخر حکومت پهلوی می‌گوید:

«در سال ۱۳۵۱، ۴۳٫۶ درصد درآمد میانگین شهرنشین [...] به مصرف مواد غذایی رسیده. اجاره‌ها در ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۴، ۱۵ برابر شده است. در فاصلهٔ ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ این هزینه‌ها ۲۰۰ درصد و در سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۵، ۱۰۰ درصد افزایش داشته است. تعداد خانواده‌های شهرنشین که تنها در یک اتاق زندگی می‌کردند، از ۳۶ درصد در سال ۱۳۴۶ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت.»^۱

تحریف کار را بدان جا می‌رساند که حکومت پهلوی، حکومتی مردمی و دلسوز قلمداد می‌شود.



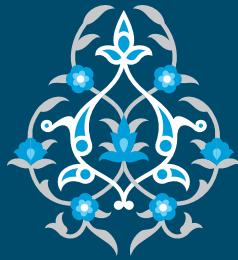
۱. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمهٔ تدین، ص ۳۴۹.

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ
 ءَامَنُوا انظُرُوا نَفْسِنَا تَقْبَلْنَ مِنَّا نَدْعُوكُمْ قَبْلَ اَرْجِعُوا وَّرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُوْرًا
 فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ سُوْرًا لَّهُمْ بِاٰطْنِهِ فِیْهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ
 الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ یٰۤاُدُوْهُمْ اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوْا بَلٰی وَّلٰكِنَّا كُنَّا فَنَّاۤتَمُرُ

...

نفاق و عوام‌فریبی^۱

۱. این فصل از کتاب «زیبایی‌ها و زشتی‌های کربلا» اثر حجت‌الاسلام راجی استخراج شده است.





ما در خلاء زندگی نمی‌کنیم، این محیطی که ما زندگی می‌کنیم چارچوبی دارد، شناخت چارچوب زندگی و حیات شناسی، خیلی برای ما حیاتی است وگرنه دائماً آسیب می‌بینیم. ساختار حیات بشر این‌گونه طراحی شده است که چیزی به نام دشمن وجود دارد. یکی از دشمنان ما، تا دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف، نفاق است. منافقین، در کنار ما، با ما زندگی می‌کنند، با ما نفس می‌کشند، مثل ما نماز می‌خوانند، مثل ما هستند ولی از ما نیستند. چطور می‌تواند آدم منافقین را بشناسد؟ با نوع بیان آن‌ها، اما در قیامت این صف‌بندی‌ها جدا می‌شود. صف منافقین از صف مؤمنین جدا می‌شود، این صف‌بندی در قیامت خیلی باشکوه است. خدا این صحنه را برای ما ترسیم می‌کند می‌فرماید:

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ
مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا ورائكم فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ
لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾؛

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم!» به آنها گفته می‌شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!

بعد منافقین مومنین را صدا می‌زنند و می‌گویند:

﴿يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمُ
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّبْتُمْ الْأَمَانِيَّ حَتَّىٰ جَاءَ
أَمْرُ اللَّهِ وَعَزَّكَم بِاللَّهِ الْعَرُورُ﴾^۱

«مگر ما با شما نبودیم؟!» می‌گویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرارسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!»

خیلی جالب است که مؤمنین می‌گویند شما در جامعه ما بودید ولی با ما نبودید، ویژگی‌هایی داشتید که بین ما و شما فاصله می‌انداخت.

چرا دشمن‌شناسی، از جنس دشمن داخلی مثل جریان نفاق، سخت است؟ چون آن‌ها با شما زندگی می‌کنند. این قاطی بودن منافقین با مؤمنین، عده را به خطا می‌اندازد. خودی را از غیرخودی نمی‌توانند تشخیص بدهند. منافقین چطور می‌توانند افکار عمومی را فریب بدهند؟ چون بین ما زندگی می‌کنند. این بین ما زندگی کردن، یک اطمینان کاذب به ما می‌دهد. این شباهت برخی از حرف‌ها و رفتارها، یک اطمینان کاذب و دروغ برای ما ایجاد می‌کند؛ فکر می‌کنیم این‌ها با ما هستند. لذا کارزار مبارزه با نفاق، اهمیت بسیار زیادی دارد.

مرگ نفاق، در شناخت نفاق است. در جهادی که در عرصه تبیین پیش روی ما است باید تلاش کنیم تا نفاق و رفتارهای منافقانه را برای عموم جامعه تبیین کنیم تا کسی نتواند در این لباس به جامعه آسیب بزند.

گروه منافقین از همان ابتدا به عنوان دشمنانی داخلی به مانع‌تراشی و کارشکنی در راه پیشبرد اهداف متعالی اسلام پرداخته‌اند و با مخفی کردن کفر و کینه



عمیقشان به اسلام، صدمات جبران‌ناپذیری را بر آن وارد ساختند. این بلیه بشری، نه تنها مختص آن عصر نبوده است؛ بلکه به‌عنوان آفتی همیشگی، گریبان‌گیر جامعه بشری بوده و هست.

شهید مطهری می‌گوید:

«انسان هرچه از نظر تمدن پیش می‌رود، قدرت نفاق بیشتری می‌یابد. بشر هزار سال قبل یک صدم نفاق بشر امروز را نداشت و هر چه انسان بدوی‌تر باشد، نفاقش کمتر است؛ برخلاف حیوانات که معمولاً یا اکثریت، قدرت بر نفاق ندارند. انسان چون موجود تکامل‌یافته‌تری است، قدرت زیادی بر مصنع و ظاهرسازی دارد»^۱.

معنای نفاق

مُنافق در فرهنگ اسلامی کسی است که در دل، خدا و آخرت را باور ندارد؛ ولی در ظاهر، خود را پیش مسلمانان، صاحب ایمان نشان می‌دهد.

نخستین بار قرآن، واژه «نفاق» را با توجه به مناسبت آن با معنای لغوی، در معنای انسان دو چهره و دو رو به‌کاربرده است. قبل از نزول قرآن، چنین اصطلاحی وجود نداشته است؛ بنابراین واژه «منافق» در فرهنگ قرآن، به معنای کسی است که گفتار او با آنچه که در دل دارد، مخالف است. به عبارت دیگر، به انسان دو رو، از این جهت منافق می‌گویند که مکتون قبلی خود را پنهان می‌کند و غیر آن را اظهار می‌دارد.^۲

در انسان‌ها قدرتی است به نام «تصنع»؛ یعنی قدرتی که می‌تواند ظاهر خودش را برخلاف آنچه در باطن دارد بسازد؛ مانند بعضی از جمله‌ها که عبارت‌های پیچیده دارند، چون ظاهری دارند و باطنی. نخستین بار که انسان

۱. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، ج ۱ و ۲، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲. منشور جاوید، جعفر سبحانی، ج ۴، ص ۹.





به آن عبارت نگاه می‌کند، یک معنی از آن می‌فهمد؛ ولی وقتی که در آن دقت و تأمل می‌کنند، می‌بیند که مقصود عبارت، چیز دیگری است. حال، بعضی از انسان‌ها درست مانند این‌گونه عبارت‌ها هستند. مثل معروفی است که می‌گویند: «گندم‌نمایِ جوفروش».

منافقان افرادی هستند که گرفتار تعدد شخصیت شده‌اند. در هر کجا رنگی خاص دارند و از هر موقعیتی که به دست می‌آورند، استفاده می‌کنند و می‌توان گفت، نقاب بر چهره خود می‌افکنند تا دیگران را بفریبند و در لباس اصلاح، فساد کنند. به همین جهت است که قرآن پرده از روی اسرار آن‌ها بر می‌دارد و آنان را در مواقع متعددی ملامت و مؤاخذه می‌کند؛ از جمله درباره این منافقان کوردل چنین می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱﴾

هنگامی که به آن‌ها گفته شود در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم. آگاه باشید، این‌ها همان مفسدانند؛ ولی نمی‌فهمند.

آری، منافقان با قیافه‌ای حق‌به‌جانب و اینکه خود ظاهراً مسلمانند، بیشتر می‌توانستند اسلام را از پیشرفت باز دارند؛ زیرا به نام یک مسلمان یا مصلح امید داشتند که گفتارشان مورد قبول واقع شود، در صورتی که اگر مسلمان نبودند، هرگز به گفته آن‌ها اعتنا نمی‌شد، به همین جهت گفته‌اند که: «خطر نفاق از خطر کفر به مراتب بیشتر و افزون‌تر است». اگرچه نفاق همان کفر است؛ ولی کفری است که زیر پرده است، تا آن پرده بخواهد دریده شود و چهره کریه کفر ظاهر شود، بسیاری از مردم، فریب خورده و گمراه شده‌اند.

خطر منافقان برای هر جامعه، از خطر هر دشمنی بیشتر است؛ چراکه از یک

سو، غالباً شناخت آن‌ها آسان نیست و از سوی دیگر، دشمنان داخلی هستند و گاه چنان در تار و پود جامعه نفوذ می‌کنند که جدا ساختن آن‌ها کار بسیار مشکلی است و از طرفی، روابط مختلف آن‌ها با سایر اعضای جامعه، کار مبارزه را با آن‌ها دشوار می‌سازد.

یهودیان منافقانی سازمان یافته

دوازده نفر از دانشمندان یهود، تصمیم گرفتند، برای ایجاد تزلزل و تردید در عقاید مسلمانان، صبحگاهان نزد حضرت محمد ﷺ بیایند و اظهار ایمان کنند؛ ولی در آخر روز، از اسلام برگردند و بگویند: «ما محمد و آیین او را دیدیم؛ ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است، مطابقت ندارد». آن‌ها با این نقشه ماهرانه می‌خواستند به هم‌کیشان خود این‌طور وانمود کنند که اگر اسلام مکتب خوبی بود، اهل علم و کتاب از آن دست بر نمی‌داشتند. با این کار هم در عقاید مسلمانان تردید به وجود آوردند و هم سایر یهودیان را از مسلمان شدن بازدارند.

خداوند متعال نیز با نزول این آیه، نقشه آنان را برملا ساخت:

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ
الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱

و جمعی از اهل کتاب [از یهود] گفتند: [بروید در ظاهر] به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز، کافر شوید [و باز گردید] شاید آن‌ها [از آیین خود] بازگردند.^۲



۱. سوره آل عمران، آیه ۷۲.

۲. تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۲، ص ۸۸.

نفاق سیاسی؛ خطرناک‌ترین شکل نفاق

نفاق، مهم‌ترین آسیب امت اسلامی از صدر اسلام تاکنون است و عامل بسیاری از ناکامی‌های مسلمانان در عرصه‌های مختلف به‌شمار می‌آید؛ از این رو، باید شاخصه‌هایی برای شناخت نفاق در دست داشته باشیم تا در دام آن نیفتیم.

در میان انواع نفاق، نفاق سیاسی خطرناک‌ترین شکل آن است که برای کارآمدی و ماندگاری خود، نفاق فرهنگی و اجتماعی را رواج می‌دهد. قرآن کریم در آیات خود و اهل بیت علیهم‌السلام در سیره خود، از چهره منافقان و مواضع خصمانه آنان بر ضد اسلام پرده برمی‌دارند؛ حتی پاره‌ای از سوره‌های قرآن، به صورت کامل درباره آنان بحث می‌کنند؛ مانند سوره براءت و سوره منافقون. از جمله نگرانی‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره آینده امتش نیز وجود منافقان بوده است.

حضرت علی علیه‌السلام در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، هنگامی که او را به سوی مصر می‌فرستاد، نوشتند:

«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا أَمَّا
الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَ
لِكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا
تَعْرِفُونَ وَيَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ»؛

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمودند: «بر ائمتم، نه از مؤمن و نه از مشرک هراسی ندارم؛ زیرا مؤمن را ایمانش باز داشته است و مشرک را خداوند به جهت شرکش نابودش می‌سازد. من بر شما از مرد منافقی می‌ترسم که درونی دو چهره و زبانی عالمانه دارد، گفتارش دلپسند و رفتارش زشت و ناپسند است.»

به راستی نگرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بجا بود؛ زیرا بعد از ایشان، نفاق در لایه‌های مختلف، خود را نشان داده است.



نفاق کوفیان

یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری حادثه کربلا، نفاق مردم بود. بسیاری از افرادی که به اباعبدالله‌الحسین علیه السلام نامه نوشتند و ایشان را به کوفه دعوت کردند، بنای یاری امامشان را نداشتند. آن‌ها می‌خواستند در چشم بیزید، تقرب پیدا کنند.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، خطاب به یاران خود فرمودند:

«إِنَّمَا الْقَوْمُ يَطْلُبُونَنِي وَقَدْ وَجِدُونِي، وَمَا كَانَتْ كَتَبَ مَنْ
كُتِبَ إِلَيَّ فِيهَا أَظُنُّ إِلَّا مَكِيدَةً لِي وَتَقَرُّبًا إِلَى ابْنِ مُعَاوِيَةَ ي»^۱؛

اینان مرا می‌جستند که پیدایم کردند و می‌دانم نامه مردم کوفه، نقشه‌ای بود برای من [و آن‌ها می‌خواستند مرا به اینجا بکشانند تا کشته شده] و در مقابل بیزید تقرب پیدا کنند.

نفاق چندلایه

شبث بن ربیع یکی از منافقین بزرگ تاریخ است. زمانی که حرف از نفاق در میان باشد، حتماً نام شبث بن ربیع نیز به خاطر می‌آید. نفاق چند لایه‌ای در این شخصیت وجود داشت؛ زندگی شبث پر است از نفاق و انتخاب‌های دنیاطلبانه:

رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اولین دو راهی بود که شبث در آن سرگردان شد و به یکی از زنان مدعی پیامبری به نام «سجاح» ایمان آورد و موذن او شد.^۲ با آغاز خلافت ابوبکر، وی به مقابله با این پیامبران دروغین پرداخت و سجاح را سرکوب ساخت. با کشته شدن سجاح، شبث که اوضاع را بر وفق مراد نمی‌دید، بی‌درنگ به اسلام گروید و در جرگه مسلمانان قرار گرفت و خود را از مرگ حتمی نجات داد.^۳



۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، ص ۴۴۳.

۲. تاریخ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱۲، ص ۱۶۳؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۵، ص ۵۱.

او ساکن کوفه شد و از بزرگان آن دیار به شمار می‌آمد. در زمان عثمان از کسانی بود که مردم را علیه عثمان تحریک و به کشتن او تشویق می‌کرد و خود از مخالفان او بود.^۱

سپس به امام علی علیه السلام پیوست و در شمار صحابه آن حضرت درآمد و از جنگاوران سپاه او بود. در جنگ صفین فرماندهی بخشی از سپاه امام علی را دارا بود. در جنگ صفین امام علی وی را با گروهی برای مذاکره درباره صلح، نزد معاویه فرستاد تا او را دعوت به تسلیم نمایند.^۲

این موضع شبث فرصت طلب و نان به نرخ روز خور، نسبت به علی علیه السلام چندان ادامه پیدا نکرد و پس از جنگ صفین در سال ۳۷ هجری به همراه دوازده هزار نفر از خوارج از لشکر علی علیه السلام جدا شد و در منطقه‌ای به نام «حروراء» خوارج او را به عنوان امیر خود برگزیدند.^۳ او به جای بیعت با علی علیه السلام با یک سوسمار بیعت کرد و می‌گفت با هم برابرند!^۴

در دوران معاویه در کوفه از نزدیکان زیادبن ابیه - پدر عبیدالله زیاد- بود و از کسانی بود که به سود زیاد و علیه حجر بن عدی، گواهی داد که او بر زیاد شوریده است.^۵ پس از مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری از جمله سران و بزرگان کوفه بود که به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و آن حضرت را به کوفه دعوت کرد.^۶ با آمدن مسلم به کوفه از نخستین کسانی بود که با او بیعت کرد و در

۱. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تحقیق: عبدالموجود، عادل احمد،

معوذ، علی محمد، ج ۳، ص ۳۰۳.

۲. وقعه صفین، نصر بن مزاحم، ص ۹۷.

۳. الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۲۶.

۴. تنقیح المقال، مامقانی، ج ۲، ص ۸۰.

۵. تاریخ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ج ۵، ص ۲۶۹.

۶. الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۰، ۳۱؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۳، ص ۱۵۸؛ تاریخ طبری، ابوجعفر

محمد بن جریر طبری، ج ۵، ص ۳۵۳.

شمار یاران او درآمد. اما پس از آمدن ابن زیاد به کوفه به او پیوست و به مسلم خیانت کرد. به فرمان عیدالله بن زیاد و با کسانی چون محمد بن اشعث و شمر در پراکندن مردم و جدا کردن آنان از مسلم نقش بسزایی داشت.^۱ از یک سو کوفیان را از سپاه شام بیم می داد و از دیگر سو به وعده های مالی و مقامی ابن زیاد امیدوارشان می کرد. بر اثر تبلیغات و تشویق های او و هم دستانش دیری نپایید که بیش از نیمی از یاران مسلم به صف خدمت گزاران عیدالله پیوستند.^۲ این خیانت پیشه و بیعت شکن در حادثه کربلا هم نقش مهمی داشت و فرمانده پیادگان لشکر کوفه بود.^۳

امام حسین علیه السلام در اولین سخنرانی مفصل خویش در روز عاشورا خطاب به کوفیان از او هم نام برد و در اتمام حجتی که با آنان داشت فرمود:

«... یا شِبْثَ بَنِ رَبِيعٍ وَ یا... أَلَمْ تَكْتُبُوا إِلَيَّ: أَنْ قَدْ أَيْعَتِ
الْثِمَارُ، وَ اخْضَرَ الْجَنَابُ، وَإِنَّمَا تُقَدِّمُ عَلَيَّ جُنْدَ لِكَ
مُجَنَّدَةٍ؟...»^۴؛

ای شبت بن ربیعی و... مگر شما به من ننوشتید که میوه ها رسیده و اطراف سرسبز است، اگر بیایی لشکریانی مجهز برای تو آماده است؟

او پس از شهادت امام علیه السلام به غارت اموال و هتک حرمت حریم امام علیه السلام پرداخت.^۵

۱. اخبار الطوال، دینوری، ص ۲۳۹.

۲. سیمای کارگزاران، یعقوب علی برجی، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۷؛ تاریخ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ج ۵، ص ۴۲۲؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۶۰.

۴. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۳، ص ۱۸۸؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۷ (در بحار، اسم او قیس بن اشعث آمده است).

۵. لهوف، ترجمه عباس عزیزی، ص ۳۱۲ (سرنوشت شوم قاتلان امام حسین علیه السلام).





پس از حادثه کربلا به شکرانه قتل فرزند پیامبر ﷺ، در کوفه، مسجد بنا کرد.^۱

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«جُدِّدَتْ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ بِالْكُوفَةِ فَرَحاً لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع
مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدِ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدِ سَمَاكٍ وَ مَسْجِدِ
شَبِّثِ بْنِ رَبِيعٍ»^۲؛

چهار مسجد در کوفه به شکرانه شهادت امام حسین علیه السلام تجدید بنا شد؛
مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک، مسجد شبث بن ربیع.

شبث در جریان قیام علیه مختار نیز نقش فعال داشت و به عنوان یکی از فرماندهان با حدود سه هزار نیرو از طرف عبدالله بن مطیع -والی ابن زبیر در کوفه- در شوره زار مستقر شد تا از قیام مختار و سقوط کوفه جلوگیری کند.^۳ ولی پس از درگیری با یاران مختار و ابراهیم اشتر، به داخل کوفه عقب نشینی کرد.^۴ شبث چند صباحی با مختار بیعت کرد و سپس بیعت شکسته و در کنار زبیریان قرار گرفت و به مخالفت با مختار برخاست.^۵ شبث از جمله کسانی است که در نبرد با مختار شکست خورد و به مصعب بن زبیر در بصره پیوست.^۶ پس از کشته شدن مختار در سال ۶۷ هجری، حارث بن عبدالله بن ابی ربیععه مخزومی ملقب به قُبَاع به دستور ابن زبیر والی کوفه شد و شبث ریاست شرطه آن شهر را از طرف وی به عهده گرفت.^۷ سپس شبث با عبدالملک بن مروان

۱. معجم الرجال، خوئی، ج ۹، ص ۱۲.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ج ۳، ص ۴۹۰.

۳. تاریخ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ج ۸، ص ۳۳۰۶.

۴. همان، ص ۳۳۰۴: البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۶۷.

۵. تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۵، ۵۵۸-۵۵۷.

۶. تاریخ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ج ۸، ص ۳۳۹۲-۳۳۹۵.

۷. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۵، ص ۲۷۴: تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۴.

همراه گردید و نقل شده که در نبرد با ازارقه شرکت جست.^۱ به این ترتیب با سیاست‌پیشگی هر روز به رنگی درآمد.

عوام‌فریبی

برخی از انسان‌ها وقتی در جامعه‌ای قرار می‌گیرند و می‌بینند اگر بخواهد برخلاف اصولی که مردم آن جامعه به آن اعتقاد دارند، عمل کنند، آن جامعه او را در هم می‌کوبند؛ بنابراین برای رسیدن به اهداف خود مجبور می‌شوند که در لباس آن جامعه در آیند تا بتواند مقاصد شوم خود را اجرا کنند. به این عمل «تدلیس» یا «عوام‌فریبی» می‌گویند.

آنان برای فریفتن دیگران و ساده‌لوحان به خوبی و پاکی و خدمت‌گزاری تظاهر می‌کنند. آنان ریاکارند و عوام‌فریب، نه نیکوکار و خدمت‌گزار.

همان‌طور که رشته‌های زندگی مختلف است و هرکس طالب موفقیت در رشته‌ای به خصوص است، عوام‌فریبی‌ها نیز مختلف و گوناگون است و برای هر یک از رشته‌های اختصاصی زندگی، نوعی از عوام‌فریبی به کار می‌رود.

کسی که خواسته باشد، زاهد و عابدش بدانند، به زهد و عبادت تظاهر می‌کند. سیاستمداران دروغ‌گو به وطن‌پرستی تظاهر می‌کنند. آخوند فاسد، به آنچه که مریدان را گول بزند، تظاهر می‌کند. عوام‌فریبی، با مقدمات بازی کردن است. تظاهر، کلاه سرمردم گذاشتن است. برای خدای بزرگ، شریک قراردادن است، چنین کسی مورد بغض خدای و رسول ﷺ است و وجدان بشری، از آن متنفر و بیزار.^۲

هنگامی که ریاکاری و عوام‌فریبی در امور فردی باشد، برای جامعه خطر مهلکی



۱. تاریخ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۶، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۲. دروغ، آیت‌الله سیدرضا صدر، ص ۱۷۸.

ندارد؛ اما زمانی که در امور اجتماعی و سیاسی قرار گیرد، جامعه را همراه خود گمراه می‌کند.

چرا وضع پیش‌روی علی علیه السلام در صحنه مبارزه با دشمنان اسلام، نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرق داشت؟ با اینکه می‌دانیم هدف و روش علی علیه السلام در همه امور، منطبق بر اهداف و فترات متعالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و با هم فرقی نداشت؛ ولی چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله بر دشمنان فایق می‌آمد، لکن علی علیه السلام وقتی که با دشمنان اسلام روبه‌رو می‌شد، سخت در فشار بود؟!

در دوره حضرت علی علیه السلام اوج نفاق و عوام‌فریبی توسط دشمنان حضرت صورت می‌گرفت.

نمونه‌هایی از عوام‌فریبی در مقابل ائمه علیهم السلام

عوام‌فریبی معاویه

معاویه در حال ساخت قصری به نام کاخ خضرا بود، برای همین خانه‌هایی را خرید تا قصر را بنا کند. یکی از این خانه‌ها متعلق به پیرزنی بود که حاضر به فروش خانه خود نبود و می‌گفت که می‌خواهم در همین جا زندگی کنم و بعد از مرگم نیز قبرم درون خانه‌ام باشد. معاویه دستور داد خانه را خراب کنید؛ اما عمروعاص مخالفت کرد و گفت: «عرب همیشه در آرزوی حاکمی عادل بوده است و تو می‌توانی از این فرصت استفاده تبلیغاتی کنی؛ به این صورت که قصر را بسازی و آن خانه را خراب نکنی. آن وقت هرکس از درب قصر وارد شود، اولین سوالی که برایش پیش می‌آید این است که این خانه خرابه در وسط قصر چه می‌کند؟ و ما به او پاسخ می‌دهیم که عدالت‌مان به ما اجازه خراب کردن خانه پیرزن را نمی‌دهد».

این جریان اتفاق می‌افتد و بعد از مدتی پیرزن از دنیا می‌رود و معاویه باز هم آن خانه را خراب نمی‌کند. در زمان یزید، با وجودی که این خانه به خرابه



تبدیل شده بود، باز هم این نیرنگ ادامه پیدا می‌کند. زمانی که اسرا را به شام می‌آوردند، در آن خرابه قرار می‌دهند و آن خرابه داخل حیاط قصر بوده است.^۱

نمونه‌ای دیگر از عوام‌فریبی معاویه

معاویه در آستانهٔ مسموم کردن مالک و هم‌زمان با اجرای نقشه‌های ازپیش‌تعیین‌شده‌اش، از مردم شام خواسته بود که مالک را نفرین کنند و آنان نیز او را نفرین کردند و آن‌گاه که خبر مرگ مالک را به معاویه دادند، او گفت: «ببینید که خداوند دعای شما را چه زود مستجاب کرد!»^۲

همچنین آمده است :

چون مالک روانهٔ مصر شد و به شهر «ایلکه» که بین «مصر و یَبْنَع» واقع شده رسید، «نافع» غلام عثمان و عامل نفوذی معاویه نزد وی آمد و آن قدر در رکاب مالک تظاهر به خدمت کرد که خاطر مالک از او آسوده گشت تا بالاخره این غلام در شهر «قُلْزُم» شربتی از عسل را به زهر آمیخت و به خورد مالک داد که بر اثر آن، مالک به شهادت رسید.

پس از آن که خبر شهادت مالک به معاویه رسید، وی چنین گفت: «الا و ان لله جنودا من عسل»؛ بدانید که برای خدا لشکری از عسل است!^۳

عوام‌فریبی عمرو بن عاص در مسیر مصر

عمرو بن عاص [که جنایات بسیاری را مرتکب شد]، به‌هنگام فتح مصر، در جایی که امروز فسطاط نام گرفته است، خیمه زده بود. روزی که اردو می‌خواست از جای خود برخیزد و به جای دیگر رود، به او گفتند: «کبوتری بر فراز چادر تو آشیانه کرده و تخم نهاده است. اگر چادر برچینیم، این تخم‌ها می‌شکند و این کبوتر نر و ماده آزرده می‌شوند». عمرو بن عاص گفت: «چادر برپا بماند، یک تن



۱. ریحانهٔ کربلا، عبدالحسن نیشابوری، ص ۱۰۱، به نقل از کتاب صفریه، ج ۲، ص ۴۲، با اندکی تصرف.

۲. نک: نهج البلاغه، ترجمهٔ فیض الاسلام، ص ۹۸۹ (با تغییر عبارت)؛ سقیة البحار، ج ۱، ص ۶۸۶؛ الشیعة و الحاکمون، محمد جواد مغنیه، ترجمهٔ مصطفی زمانی، ص ۵۳.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۷۶.

از سپاهیان همین جا توقف کند تا این کبوتر بچه‌های خود را پرواز دهد، سپس چادر را برچیند.^۱

کسی که مسیر اسلام را منحرف کرد و انسان‌های بسیاری را به شهادت رساند، برای تخم کبوتری این‌گونه دلسوزی می‌کند!

عوام‌فریبی خوارج

خوارج انسان‌هایی با قساوت قلب بودند که دست به عوام‌فریبی زیادی زدند که این نشان از نفاق و عدم بصیرت و فهم نادرست از دین بود.

خوارج، عبدالله بن خَبَّاب بن اَرْتَّ از یاران حضرت علی علیه السلام و همسرش را در مسیر بصره به کوفه دستگیر کردند^۲ و زمانی که وی را از شیفتگان امیرالمؤمنین علیه السلام یافتند، تصمیم به قتل ایشان گرفتند.^۳ خوارج به واسطه عوام‌فریبی، ابتدا به عبدالله امان داده و از او خواستند حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کند. عبدالله گفت: «پدرم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است، بعد از من فتنه‌ای پیش می‌آید که قلب مرد در آن می‌میرد، همچنان که بدنش می‌میرد. شب مؤمن است و روز کافر».^۴

این حدیث به مذاق آنان خوش نیامد و گفتند: «به خدا سوگند، تو را طوری خواهیم کشت که قبل از تو کسی آن‌طور کشته نشده باشد. آن‌گاه وی را گرفتند و دست‌هایش را بستند. وی را همراه همسرش که حامله بود، به زیر درخت خرمایی آوردند. در این هنگام، خرمایی از آن درخت بر زمین افتاد. یکی از خوارج آن خرما را خورد و مورد اعتراض دوستانش قرار گرفت که آیا بدون اجازه خرمای دیگری را می‌خوری. مرد خرما را از دهان بیرون انداخت. یکی از خوارج

۱. قیام امام حسین علیه السلام، سید جعفر شهیدی، ص ۱۷۵، به نقل از معجم البلدان، ج ۵۱، ص ۲۶۰.

۲. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالکریم، معروف به ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۹.

۳. إحقاق الحق، الشوشتری، ج ۳۲، ص ۵۳۳.

۴. شرح نهج البلاغه، خوئی، ج ۴، ص ۱۲۸: «ستكون بعدی فتنه يموت فيها قلب الرجل كما يموت بدنه يمسی مؤمنا و یصبح کافرا فکن عندالله المقتول ولا تکن القاتل».

شمشیر کشید و خوکی از اهل ذمه را کشت. بعضی از همراهان معترض شدند. مردی که خوک را کشته بود، نزد صاحب آن رفته و صاحب آن را راضی کرد.

ابن خباب وقتی کارهای آنان را دید گفت: «اگر شما در آنچه انجام می‌دهید، صادق باشید، [و قصد عوام‌فریبی نداشته باشید] آسیبی از شما به من نخواهد رسید. به خدا سوگند، من در اسلام کاری انجام نداده‌ام که موجب بیرون رفتن من از اسلام شود. من مؤمن هستم، شما به من امان دادید».^۱

خوارج گفتند: «کشتن تو و این خوک برای ما یکسان است و وی را به شهادت رساندند^۲ و خونس در آب جاری شد. سپس به سراغ همسر عبدالله رفتند. وی گفت: «من زنم، آیا از خدا نمی‌ترسید؟» اما آنان شکشمش را پاره کردند^۳ و جنین او را نیز سر بریدند.^۴

قتل عبدالله به قدری ناجوانمردانه بود که مورد اعتراض فردی مسیحی قرار گرفت. وی باغبان بود. پس از مشاهده این جریان، مقداری خرما برای آنان برد؛ ولی آنان حاضر نشدند بدون پرداخت قیمت، خرما را بگیرند. مسیحی گفت: «شگفتا! شما فرد بی‌گناهی همچون عبدالله را می‌کشید و از خوردن خرمایی بدون پرداخت قیمت آن امتناع می‌ورزید».^۵

بسیار عجیب است که گروهی که برای یک دانه خرما و یک خوک این قدر نگرانند، چگونه بزرگترین جنایات را مرتکب می‌شوند؟! این نشان از عوام‌فریبی و خوی نفاق خوارج دارد.



۱. امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)، ابن قتیبة دینوری ترجمه سیدناصر طباطبایی، ص ۱۷۵.

۲. موسوعة التاريخ الإسلامی، الیوسفی الغروی، ج ۵، ص ۲۳۸.

۳. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالکریم، معروف به ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۹.

۴. امامت و سیاست، ص ۱۷۵.

۵. شرح نهج البلاغه، سید ابوالقاسم خوئی، ج ۴، ص ۱۲۸.

حاکمان عباسی و اوج عوام فریبی

حاکمان بنی عباس نیز مانند بنی امیه و دیگر دشمنان ائمه علیهم السلام چهره‌ای کاملاً عوام‌فریبانه داشتند. آنان برای فریب مردم، رابطه خودشان را با اهل بیت علیهم السلام قطع نکردند و شعار خود را «الرضا من آل محمد»، در حمایت از اهل بیت علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انتخاب کردند. آنان اولین نخست‌وزیر خود را که ابوسلمه خَلال نام داشت، «وزیر آل محمد» و ابومسلم خراسانی را «امین آل محمد» خواندند.

آنان برای آنکه جنایات خود را در زیر پوشش حق قرار دهند و جای اعتراضی برای کسی باقی نگذارند، کلمه «الله» را از دوران بعد از مأمون، به عنوان پسوند به نام خود اضافه کردند. مانند: «المعتمد بالله»، «المستعین بالله»، «المهتدی بالله»، «القاهر بالله»، «الراضی بالله»، «المتقی بالله» و...^۱ عباسیان برای محکم کردن پایگاه مردمی، پرچم سیاه را برای خود برگزیدند.

درباره انگیزه انتخاب رنگ سیاه، مورخان سخن بسیار گفته‌اند: «استاد جعفر مرتضی عاملی در این باره چنین می‌نویسد: «علت آنکه عباسیان رنگ سیاه را شعار و نشانه خود قرار داده بودند، این بود که می‌خواستند حزن و اندوه خود را به مناسبت مصائبی که بر اهل بیت علیهم السلام در دوران بنی امیه وارد شده بود، بیان کنند و نكوهشی برای بنی امیه باشد چون گروهی از بنی هاشم را به قتل رسانیده است». به همین سبب، عباسیان را «مسوّدّه» می‌نامیدند و آن شعار را برگزیدند.^۲

اجازه از پیامبر برای دستگیری امام

یکی از مزورترین پادشاهان عباسی، هارون الرشید بود. او زمانی که به مدینه آمد، در میان کسانی از اشراف مدینه که به استقبال او آمده بودند و در حضور

۱. مانند حاکمان عربستان سعودی که خود را «خادمین حرمین شریفین» می‌نامند.

۲. ریاکاری‌های امویان و عباسیان، محمدعلی چنارانی، ص ۱۱۸.

امام کاظم علیه السلام وارد حرم شد. وقتی در کنار ضریح رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، خطاب به قبر پیغمبر گفت: «یا رسول الله اَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ شَيْءٍ أُرِيدُ أَفْعَلُهُ أُرِيدُ أَحْبَسَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَإِنَّهُ يَرِيدُ التَّشْتُّتَ بَيْنَ أُمَّتِكَ وَ سَفْكَ دِمَائِهَا». (ای رسول خدا، من از آنچه می خواهم انجام دهم، عذر می خواهم. می خواهم موسی بن جعفر را دستگیر کرده، به زندان بیندازم؛ زیرا او می خواهد میان امت تو اختلاف اندازد و خون آن ها را بریزد).

این ظاهرسازی از هارون، بدان جهت بود که مردم، موسی بن جعفر علیه السلام را فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانستند و عذرخواهی اش از رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای توجیه این اقدام بود. در نگاه مردمی که به دنبال آگاهی از انگیزه چنین اقدامی بودند و همواره این سؤال برایشان مطرح بود، تفرقه افکنی میان امت، دلیل قانع کننده ای به نظر می آمد. هارون در همان مسجد، دستور توقیف حضرت را صادر کرد.^۱ برای پیش گیری از هر نوع شورش و بحران، وقتی امام علیه السلام را بازداشت کردند، شب هنگام، دستور داد تا دو خانه را به عنوان بازداشتگاه آماده کردند و بر هر دو مأمورانی گماشتند و امام در یکی از آن دو خانه محبوس و نگاهبانی اش به حسان سروی سپرده شد. سپس دو مرکب همراه با تعدادی مأمور از شهر بیرون رفتند که یکی به سمت کوفه و دیگری به سمت بصره حرکت کرد تا مردم ندانند امام را به کجا بردند.^۲

نمونه هایی از عوام فریبی در دوران معاصر

ظالمان عالم، همواره برای فریب مردمان، در پی عوام فریبی بوده اند. در عصر معاصر حاکمان پهلوی، عوام فریب ترین افراد به حساب می آیند. رضاشاه پهلوی که دستور ممنوعیت روضه خوانی بر ابا عبدالله علیه السلام را صادر کرده بود، در ابتدا خود را عاشق و دلباخته امام حسین علیه السلام نشان می داد.

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، ج ۲، ص ۲۲۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۸۲.



دسته‌ عزاداری رضاشاه

در محرم سال ۱۳۴۱ قمری، هم‌زمان با پاییز ۱۳۰۰ شمسی، به‌دستور رضاخان در دهه‌ محرم، در قزاقخانه چادر بزرگی برپا شد و روضه‌خوانی مفصل و باشکوهی راه انداختند. دسته‌ محلات هم برای رفتن به تکیه‌ قزاقخانه رسم دیرین را تجدید کردند. آن‌ها از اوایل دهه راه افتادند و هر روز با شمار زیادی به تکیه‌ قزاق‌ها می‌آمدند و سینه می‌زدند. در این میان رضاخان و افسران قشون، مانند صاحب‌مجلس از عزاداران پذیرایی می‌کردند. میزان استقبال به‌گونه‌ای بود که تمام طبقات مردم به این روضه‌خوانی می‌رفتند؛ حتی احمدشاه قاجار نیز در مراسم عزاداری این تکیه شرکت می‌کرد.^۱

افزون‌براین، رضاخان شب‌ها نیز به مجالس روضه‌خوانی اصناف می‌رفت و در مراسم آنان شرکت می‌کرد. در این مجالس، برخی از وعاظ و روضه‌خوان‌ها روی منبر از وی تعریف و او را دعا می‌کردند.

در روز عاشورا نیز رضاخان میرپنج، دسته‌ قزاق را با یک هیئت از صاحب‌منصبان در جلو و افراد و بیرق‌ها و کتل با نظم و تشکیلات خاصی از قزاق‌خانه حرکت و از میدان توپخانه، خیابان ناصریه، به بازار آورد. درحالی‌که سردار سپه با یقه‌ باز گاه روی سرش ریخته و بیشتر دسته بر سرشان گل مالیده بودند، با پای برهنه وارد بازار شدند.^۲ دسته‌ قزاق‌ها همراه خودشان یک دسته بالابانچی (دسته‌ موزیک) هم داشتند که مارش عزا می‌زدند و قزاق‌ها نوحه‌ زیر را می‌خواندند:

اگر در کربلا قزاق بودی
حسین بی‌یاور و تنها نبودی



۱. شرح زندگی من، عبدالله مستوفی، ج ۳، ص ۴۶۱.

۲. خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، ج ۲، ص ۶۹۲ و ۶۹۳.

آتش زدن قرارداد ننگین توسط رضاشاه!

یکی از عوام فریبی‌های رضا شاه مربوط به قرارداد نفت ۱۳۱۲ ش (۱۹۳۳ م) بود که توسط تقی‌زاده امضا شد. این پیمان، بعد از لغو قرارداد «دارسی» بسته شد. انگلستان در سال ۱۹۳۳ م، به این سبب که مدت قرارداد دارسی در حال پایان یافتن بود، تقاضای تجدید آن را کرد. رضاشاه، با ظاهری وطن‌پرستانه و در واکنشی تند، قرارداد را پاره کرد و اسناد آن را در آتش بخاری سوزاند. او با این ظاهرسازی عوام‌فریبانه، زمینه را برای قرارداد جدید که به مراتب ننگین‌تر از قرارداد سابق بود، فراهم کرد و پس از بستن قرارداد ۱۹۳۳ م، دستور داد که هیچ‌کس و هیچ روزنامه‌ای، درباره آن سخن نگوید و مطلبی منتشر نکند. به این ترتیب، پرونده آن، تا بعد از شهریور ۱۳۲۰ مسکوت ماند!

شاهی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دید!

محمدرضا پهلوی، با آنکه تقیدی به اسلام نداشت و آلوده به فساد اخلاقی بود؛ اما برای فریب مردم تلاش می‌کرد تا چهره‌ای مذهبی از خود نشان دهد.

محمدرضا پهلوی در مصاحبه خود با اورپانا فالاجی می‌گوید:

... در کودکی دو بار به من الهام شده است: یک بار در پنج‌سالگی و بار دوم در شش‌سالگی. در نخستین بار من حضرت قائم را دیدم... من این را می‌دانم؛ زیرا او را دیده‌ام. نه در رؤیا، در واقعیت، واقعیت مادی، می‌فهمید؟ من او را دیدم. همین کسی که همراهم بود او را ندید. و کسی جز من نمی‌بایستی او را ببیند. می‌ترسم منظورم را درک نکنید... من معتقدم، خدا مرا برای انجام مأموریتی برگزیده است...^۲

۱. بعدها تقی‌زاده اقرار کرد که در هنگام امضای نفت، آلت دست دولت انگلستان بوده است. نک: حیات یحیی، یحیی دولت‌آبادی، ص ۳۲۵؛ تاریخ بیست ساله، مکی، ج ۵، ص ۳۲۵ و ۳۲۷؛ خاطرات و خطرات، مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)، ص ۳۵۹؛ سیاست خارجی دوران پهلوی، عبدالرضاهوشنگ مهدوی، ص ۳۴؛ خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، بنجامین شوادرن، ص ۳۸ تا ۵۰.
۲. گفت و گوهای اورپانا فالاجی، انتخاب و ترجمه غلامرضا امامی، ص ۱۹۰.





محمد رضا پهلوی، هنگام مسافرت از زیر قرآن رد می‌شد و از طرف دیگر، تقویم شاهنشاهی را جایگزین هجری کرد، کدام را باور کنیم؟ خود را تنها پادشاه شیعه جهان می‌دانست؛ اما در مقابل به فیضیه حمله می‌کرد و صدها طلبه مظلوم را در دریاچه نمک انداخت که هیچ اثری از آن‌ها باقی نماند. این‌ها نفاق و عوام‌فریبی است. امت اسلام همواره بیشترین ضربات را از عوام‌فریبی سلاطین متحمل شده است.

از دیگر عوام‌فریبی‌ها در این دوران می‌توان به پیام‌های تبریک مسئولین آمریکایی اشاره کرد که به مناسبات مختلف، از جمله نوروز هر سال برای مردم ایران فرستاده می‌شود. و از آن طرف، ناجوانمردانه‌ترین تحریم‌ها را بر ضد مردم مظلوم وضع کرده‌اند و مردم مظلوم را در کشورهای چو عراق و سوریه و افغانستان و... به شهادت می‌رسانند و با تمام مخالفین امت اسلام بر سر میز مذاکره می‌نشینید.

منافی که رجایی پشت سرش نماز می‌خواند

یکی دیگر از انسان‌های منافق، کشمیری بود. کسی که عامل انفجار دفتر ریاست جمهوری و به شهادت رساندن شهیدان رجایی و باهنر و تعدادی دیگر از مسئولان نظام است.

درباره شخصیت کشمیری باید گفت که او فردی بود که با معرفی بعضی از آقایان به سپاه آمده بود و بیشتر اوقات لباس مقدس سپاه را بر تن می‌کرد و همیشه بر روی سمت چپ لباسش، آرم سپاه بود. او به قدری رضایت مرحوم رجایی را جلب کرده بود که بعضی اوقات شهید رجایی نماز ظهر و عصر را به ایشان اقتدا می‌کرد. کشمیری بسیار انسان مزدور و ریاکاری بود. او با نیرنگ توانست خود را بین خودی‌های نظام قرار دهد.

او در هنگام شروع نماز، خودکاری از جیب خود بیرون می‌آورد و به زمین

می گذاشت و بعد از اتمام نماز آن خودکار را دوباره به جیب خودش بر می گرداند. او این کار را این گونه توجیه می کرد که خودکار متعلق به بیت المال است، نباید با آن نماز خواند. آری او با این گفتار و رفتارش توانسته بود خود را به رجایی نزدیک کند.^۱

نفاق با ظاهری عوام فریبانه می تواند وارد تمام دستگاه های حکومتی شود. مجاهدین خلق می گفتند که در تمام دستگاه ها حتی در بیت امام هم نیرو داشتیم؛ اما زود اقدام نکردیم؛ وگرنه همه را ترور می کردیم. حال سؤال اینجاست که آیا ممکن نیست در حال حاضر، در دستگاه های حکومتی منافق وجود داشته باشد؟ مگر در مجلس ششم منافقانی نبودند که بعد از انجام مأموریتشان برای دشمن، به آن ها پناهنده شدند؟

شعارهای عوام فریبانه در غرب

غرب، امروز با شعار فمینیسم و برابری زن و مرد بیشترین ظلم را به زنان می کند. ظلمی که امروزه توسط غرب به زن می شود، در طول تاریخ، حتی در دوران جاهلیت هم نشده است.

در آمریکا، به اسم آزادی و برابری، از هر ۵ زن، به یک نفر تجاوز جنسی شدید می شود و یک نفر از هر ۴ زن، مورد ضرب و شتم همسر قرار می گیرد. آمار مزاحمت های خیابانی و متلک گویی نیز بسیار بالاست. همچنین در آمریکا در هر ۹۸ ثانیه یک آمریکایی مورد تجاوز قرار می گیرد و در هر ۸ دقیقه، یک کودک مورد آزار جنسی توسط دوستان، معلم ها، والدین و افراد مجرم قرار می گیرند.^۲ آنان با ژست حقوق بشر، بیشترین جنایت را بر بشریت مرتکب



۱. خاطرات حاج/محمد قدیریان، تدوین سیدحسین نبوی، محمدرضا سرابندی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

2. <https://www.rainn.org/statistics/children-and-teens>

نک: نقدی علمی بر سند ۲۰۳، از همین نویسنده.

می‌شوند که فقط یک نمونه آن، استفاده از بمب اتم در هیروشیما و ناکازاکی است.

یک عوام فریبی وحشتناک

در سال ۱۹۴۵م، دو شهر ژاپن مورد حمله اتمی جنایتکاران آمریکا قرار گرفت. به فرمان «ترومن» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، نخستین بمب اتمی به شهر هیروشیما انداخته شد که ۱۵۰ هزار نفر انسان بی‌گناه را کشت و بعد از سه روز، دومین بمب اتمی به شهر ناکازاکی افکنده شد. آن شهر و مردمش نیز در کام آتش هلاک شدند. ترومن این حادثه بسیار تلخ را با حالتی عوام‌فریبانه این‌گونه توجیه کرد: «من این فرمان تاریخی را برای نجات صدها هزار سرباز و ملوان و خلبان آمریکایی صادر کردم...»^۱

عوام‌فریبی یزیدیان

یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری واقعه دلخراش کربلا، عوام‌فریبی و نفاق یزیدیان بود.

عوام‌فریبی عجیب عمر سعد

زمانی که واقعه کربلا به پایان رسید، لشکر یزید بنا گذاشتند که سرهای به نیزه و کاروان اسرا را در کوچه‌های شهر کوفه بگردانند.

عمر سعد که به بزرگترین جنایات تاریخ دست زده است، وقتی اسرای اهل بیت علیهم‌السلام را وارد کوفه کردند، کوچه به کوچه، حتی در کوچه‌های یک متری و دو متری می‌گردانیدند تا اینکه به کوچه‌ای رسیدند. دیدند عمر سعد در جلو این کوچه ایستاده و دست‌های خود را به دو طرف دیوار چسبانده است و از عبور اسرا جلوگیری می‌کند!

از او پرسیدند: «چرا مانع عبور آنان می‌شوی؟» پاسخ داد: «در این کوچه، خانه کودک یتیمی است که تصرف در مال یتیم بدون اجازه ولی او یا حاکم شرع جایز



۱. گناه‌شناسی، محسن قرائتی، ص ۱۹۲، به نقل از تاریخ حوادث بزرگ، ص ۲۹۳.

نیست؛ بنابراین نمی‌گذارم از این کوچه استفاده کنید»^۱.
کسی که دستش تا مرفق به خون فرزند پیامبر ﷺ آغشته است، شبهه تصرف در مال صغیر را مطرح می‌کند!

فرزدق، برای حج به سوی مکه در حرکت بود و در منزلگاهی نزدیک مکه، با امام حسین علیه السلام برخورد کرد. امام از او احوال مردم کوفه را جویا شد و او در پاسخ گفت: «الْقَلُوبُ مَعَكَ وَ السُّيُوفُ مَعَ بَنِي أُمَيَّة»^۲ (دل‌های آنان با توست و شمشیرهای آنان با بنی امیه)؛ و این یعنی نفاق.



۱. ریاکاری‌های امویان و عباسیان، محمدعلی چنارانی، ص ۵۵ و ۵۶.
۲. تاریخ الامم و الرسل و الملوک (معروف به تاریخ طبری)، ابو جعفر محمدبن جریر طبری، ج ۷، ص ۲۹۶۹.

بخش سوم

موضوعات نیازمند تبیین

الف) اصول و امهات تبیین رجوع شود به جلد دوم

ب) واقعیت‌های میدان

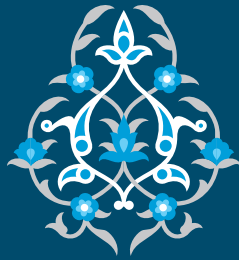
ج) نقاط امیدبخش ◀

أَجْرِنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ﴿١١﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ
لَمَّا قَضَىٰ الْأَمْرُ إِنِّي اللَّهُ وَعَدَّكُمْ وَعَدَّ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ
فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ

فصل اول

نصرت الهی^۱

۱. این فصل از کتاب «جهاد امید آفرین» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است.





مدل زندگی ما، حساب باز کردن روی دیگران است. یک بازاری به اندازه آبرویش در بازار، خرید می‌کند نه به اندازه جیش. می‌گوید آقا! حاجی بازاری؛ وعده داده فلان وقت! تسویه حساب کند، حاجی خوش وعده است. یا فلانی بد وعده است. دیگر کاری ندارند به اینکه چقدر در حسابش پول هست، می‌گویند فلانی وقتی وعده داده، از زیر سنگ هم شده، چک و سر رسید قسطش را پرداخت می‌کند.

پس پذیرش وعده، حساب باز کردن روی وعده‌ها، یک کار عقلانی است که بین ما رایج است. حالا نمی‌دانم چه اتفاقی می‌افتد که ما وقتی به خدا می‌رسیم، نمی‌توانیم روی وعده‌های خدا حساب باز کنیم؟ آیا از خدا بدقولی دیده‌ایم؟ چه کسی به وعده خودش عمل نمی‌کند؟ کسی که یا توان ندارد یا تمایل ندارد. چرا ما نمی‌توانیم به وعده خدا اطمینان کنیم؟ آیا به توان و قدرت خدا در تحقق وعده خودش شک داریم؟ آی انسانی که روحیه تو؛ اعتماد به وعده‌هاست؛ چرا به وعده‌های خدا نمی‌توانی اعتماد کنی؟ بعد چه اتفاقی می‌افتد روی وعده شیطان آدم حساب باز می‌کند؟ او که بد قول است او که توانی ندارد؟

قیامت روز حسرت خوردن است؛ یکی از حسرت‌های بزرگ این است که چرا به وعده‌های الهی امید و اطمینان نداشتیم؟ شیطان آنجا دست خودش را رو می‌کند. می‌گوید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ﴾

خدا به شما وعده داد، وعده حق ودرستی هم داد.

به شما گفتم کمک‌تان می‌کنم ولی شما نتوانستید روی قول خدا حساب باز کنید. بعد می‌گویید:

﴿وَوَعَدْنَاكُمْ فَأَخْلَفْنَاكُمْ﴾

من هم به شما وعده دادم؛ روی قول خودم هم نایستادم^۲

من که دروغ گفتم، وعده دروغ دادم، گفتم به شما حال می‌دهم، حال شما را گرفتم. شما روی من حساب باز کردید روی وعده خدا حساب باز نکردید؟ کار من دعوت کردن بوده و بس، پس خودتون را سرزنش کنید؛ چرا من را سرزنش می‌کنید؟

بعضا عواملی باعث می‌شود که امید آحاد جامعه نسبت به تحقق وعده نصرت الهی کاهش یابد. کما اینکه در طول تاریخ، معضلات زیادی برای مسلمانان اتفاق افتاده است اما همین تبیین تحقق حتمی وعده‌های الهی، مسلمانان را به آینده امیدوار کرده و به پیش برده است.

در بیشتر و بلکه تمام سوره‌های قرآن کریم، روایاتی از نصرت الهی و محقق شدن وعده خداوند متعال آمده که امیدی روشن به نجات، پیروزی، گشایش و... داده‌اند.

همان خداوند قادری که نوح عَلَيْهِ السَّلَام را در کشتی، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را در آتش، اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام را در زیر خنجر بران، یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را در چاه، موسی عَلَيْهِ السَّلَام را در نیل و پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در غار با تار عنکبوت حفظ کرد؛ چنین خدایی حامی و یاری کننده ما نیز هست چرا که او در قرآن کریم وعده داده است که مستضعفین، وارثان این کره خاکی خواهند شد:

۱. ابراهیم، ۲۲.

۲. همان.



﴿وَرُبُّدٌ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین ممتت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی
زمین قرار دهیم.

و خدا خلف وعده نمی کند که

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾!

روایاتی درباره انقلاب اسلامی

از طرف دیگر، در آموزه های اسلام از پایبندی ایرانیان به مکتب اسلام ناب
و تلاششان در این زمینه سخن به میان آمده و امید است که این روایات در
حق مردم قهرمان ایران در دوران جمهوری اسلامی باشد. انقلاب اسلامی ایران
نهضتی مبارک و انفجار نوری است که در اوج گمراهی ها و سرگردانی ها رخ داده
و رعدی بود که بر تارک طاغوتیان فرود آمده است و از آن تولد دوباره یک
ملت پدیدار گشته و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اوصیاء الهی به وسیله آن نهضت
برآورده گشته است؛ این انقلاب ان شاء الله مقدمه ای باشد برای ظهور و به
فرموده آن سلاله پیامبر، رهبر و ناخدای این انقلاب که فرمود:

انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت
ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور
فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۲

در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

۱. آیه ۹ سوره آل عمران، آیه ۱۹-۲۰ سوره زمر، آیه ۴-۶ سوره روم، آیه ۴۷-۴۸ سوره حج، آیه ۳۱ سوره
رعد.

۲. امام خمینی رحمته الله علیه، سیدروح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.





«أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَ الزُّبَيْرُ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ جَلَسُوا
بِفَنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَخَرَجَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ فَجَلَسَ إِلَيْهِمْ
فَانْقَطَعَ شِسْعُهُ فَوَمَى بِنَعْلِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ
سَلَامٌ ثُمَّ قَالَ إِنَّ عَنِ يَمِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ قَوْمًا مَنَا
عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ وَثِيَابُهُمْ مِنْ نُورٍ تَعْشَى
وَجُوهُهُمْ أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ دُوْنَهُمْ قَالَ أَبُو بَكْرٍ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ
اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ الزُّبَيْرُ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ
عَبْدُ الرَّحْمَنِ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ
سَلَامٌ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هُمْ قَوْمٌ تَحَاثَبُوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أُنْسَابٍ
وَلَا أَمْوَالٍ أَوْلَيْكَ شِيعَتُكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ يَا عَلِيُّ!»^۱

در یکی از روزها عمر، ابابکر، زبیر، ابن عوام و عبدالرحمن بن عوف در منزل رسول اکرم ﷺ جمع شدند. رسول اکرم ﷺ در جمع آنان نشست درحالی که نعلین حضرت پاره شده بود. به علی علیه السلام داد تا اصلاحش نماید. در این حالت حضرت فرمود: گروهی از مادر طرف راست عرش خدا بر منبرهایی از نور قرار دارند که صورت هایشان نورانی و لباس هایشان نیز نورانی است و نور صورتشان چشم بینندگان را خیره می کند. ابوبکر و زبیر و عبدالرحمن سؤال کردند آن ها چه کسانی هستند؟ پیامبر سکوت کرد؛ علی علیه السلام پرسید. پیامبر فرمودند: آن ها کسانی هستند که به واسطه روح الله دوست هم می گردند و متحد می شوند، بدون آن که اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند و آنان شیعیان تو هستند یا علی و تو امام آن ها می باشی.

عالم بزرگ، مرحوم آیت الله شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی،^۲ در توضیح این حدیث می فرماید:

کلمه روح الله اینجا، در این روایت شریف، اسم است. روح الله نامی که مردم

۱. بشارة المصطفی لشعبة المرتضى، طبری آملی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲. آیت الله عباسعلی ادیب حبیب آبادی، عالم زاهد، فقیه جامع و ادیب شاعر شیعه معاصر و از مدرسین برجسته حوزه علمیه اصفهان بود. او در علوم مختلفی نظیر فقه، اصول، فلسفه، حکمت، ریاضیات، نجوم و شعر و ادب سرآمد بود و خدمات ارزشمندی در شهر اصفهان انجام داد.

مطیع او هستند و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی او را یاری می‌کنند. از ابتدا تا حالا، ما میان علما «روح‌الله» نداشتیم و اگر هم داشتیم با این خصوصیات نبوده است. مسلماً مراد حضرت امام است. این روایت شأن مردم را هم مشخص می‌کند. شأن شهدا و میدان دارها را، کسانی که واقعاً در این زمان جهت یاری خدا زحمت می‌کشند و خدمت می‌کنند. قرینه‌ای دیگر است که می‌رساند مراد «روح‌الله» در این روایت اسم شخص است.^۱

ماجرای دیگری درباره این روایت شریف وجود دارد که خالی از لطف نیست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌الله صدوقی در ملاقاتی خدمت امام عرض کرده بودند. آقا! این روح‌الله که در حدیث «تحابوا بروح‌الله» شما هستید؟ زیرا امروز تمام اقشار مردم به واسطه رهبری و دوستی شما متحد شدند، امام با لبخندی گذشت.^۲

و همین‌طور امام محمدباقر علیه‌السلام در وصف مردمی حق‌طلب از مشرق‌زمین نیز می‌فرمایند:

«كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ
ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سُيُوفَهُمْ
عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا
يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرَكْتُ
ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»^۳؛

گویا من قومی را می‌بینم که از مشرق‌زمین خروج کرده، حق خود را می‌طلبند، ولی به آنان نمی‌دهند، دیگر باره حق خود را می‌خواهند و به آنان نمی‌دهند، وقتی چنین دیدند سلاح خود را بر دوش نهاده، آنگاه حق آنان را می‌دهند ولی

۱. نشریه پاسدار اسلام ۱۳۸۱ شماره ۲۵۱ مقاله قم، کانون قیام؛ از حجه الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان.

۲. دشتی، محمد، آینده‌سازان، ص ۷۰.

۳. غیبت نعمانی، ج ۵، ص ۲۷۳.



آنان نمی پذیرند تا این که قیام کنند و این حکومت را به جز صاحبشان به کسی تحویل نخواهند داد و اینان کشته هایشان شهیدند. اگر من آن زمان راد رک می کردم خویشتن را برای صاحب این امر نگه می داشتم.

در روایت دیگری امام کاظم علیه السلام نیز می فرماید:

«رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَحْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ
كَزَبِ الْهَدِيدِ لَا تُرْتَمُّمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا
يَجْبُونُ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛^۱

مردی از قم مردم را به حق فرا می خواند و برگرد او مردمانی فراهم می آیند که چونان پاره های آهن استوارند، طوفان ها آن ها را به لرزه نمی اندازد و از جنگ خسته نمی شوند و بزلی نشان نمی دهند، به خدا توکل دارند و فرجام از آن پرهیزگاران است.



عنايات پروردگار عالم و ولي عصر عجل الله تعال فرجه الشريف را می توان در مرحله به مرحله روند به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی رؤیت نمود.

داستان هایی از امدادهای غیبی

مرحوم حجت الاسلام سید محمد کوثری رحمته الله علیه، روضه خوان مراسم های امام خمینی رحمته الله علیه نقل می کند:

یک روز من در منزل آقای آیت الله فاضل لنکرانی، از استادان حوزه علمیه قم، بودم و یکی از فضلالی مشهد آنجا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این چه فرمایش هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می فرمایید؟ یک مستأجر را نمی شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷.

امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند. سخنم را تکرار کردم.

امام برآشفتنند و فرمودند: فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیه الله صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرماید؟! شاه باید برود.

و همان هم شد و شاه از مملکت بیرون رفت. می‌بینم که ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتند.^۱

ماجرای عجیب دیگر، فرمان شکستن حکومت نظامی توسط مردم در روز ۲۲ بهمن است:

زمانی که حکم شکستن حکومت نظامی توسط امام صادر شد، آیت الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت یک ساعت یا نیم ساعت با امام صحبت کردند.

برادران بیرون از اتاق بودند. فقط می‌دیدند آیت الله طالقانی مرتب به امام عرض می‌کنند آقا شما ایران نبودید، این نظام پلید است، به صغیر و کبیر ما رحم نمی‌کند، شما حکمتان را پس بگیرید.

و مرتب شروع کردند از پلیدی و ددمنشی نظام گفتن تا شاید بتوانند موضع امام را تغییر بدهند، تا ایشان این فرمانی را که راجع به ریختن مردم به خیابان‌ها داده‌اند پس بگیرند. برادران یک مرتبه متوجه شدند آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشته و به حالت متأثر رفت و در گوشه اتاق نشست.

برادران که این‌گونه دیدند، بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند. ابتدا این تصور پیش آمد که امام به ایشان پرخاش کرده‌اند که شما چرا دخالت می‌کنید و از این چیزها! لذا وقتی به مرحوم آیت الله طالقانی اصرار کردند که جریان چه بود؟ ایشان گفتند: هر چه به امام عرض کردم، حرف مرا رد کردند و وقتی دیدند من قانع نمی‌شوم فرمودند: «آقای طالقانی! شاید این حکم از طرف امام زمان باشد.»



۱. کرامات امام خمینی، ص ۴۹ و برداشت‌هایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۷.



این را که از امام شنیدم دست من لرزید و با امام خداحافظی کردم، چون دیگر قادر نبودم که حتی پاسخ امام را بدهم.^۱

همچنین در خاطره‌ای مرحوم ری شهری رحمته اللہ علیہ در کتاب کیمیای محبت، می‌نویسد آقای علی محمد بشارتی، وزیر پیشین کشور، نقل می‌کرد که:

در تابستان سال ۱۳۵۸، هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای شریعتمداری در مشهد گفته است: «من بالاخره علیه امام اعلام جنگ می‌کنم.»

من خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می‌داد، این جمله را که گفتم سربلند کرد و فرمود: «این‌ها چه می‌گویند؟ پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم، در اینجا حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم.»

پرسیدم: خودتان؟

امام سکوت کردند و جواب ندادند.^۲

در این بین، رهبر کنونی انقلاب نیز، سرشار از امید به نصرت الهی هستند. پرتکرارترین آیه قرائت شده توسط رهبر حکیم انقلاب که ۶۷ بار آن را در سخنرانی‌های مختلف قرائت کرده‌اند آیه **«... وَ لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ** **إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ...»** است. این امر، نشان‌دهنده اعتقاد راسخ مقام معظم رهبری رحمته اللہ علیہ به نصرت الهی است؛ بدین معنا که همه آحاد مردم، باید امید به قدرت لایتناهی الهی را سرلوحه کار خود قرار دهند.

با کمی تأمل در بیانات رهبری رحمته اللہ علیہ، متوجه می‌شویم که ایشان، امیدوارترین شخص به آینده نظام و کشور ایران اسلامی هستند، تا جایی که در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند:

۱. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمته اللہ علیہ، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲. کیمیای محبت، صفحه ۶۷.

بنده می دانم که خدای متعال اراده فرموده است که این ملت را به متعالی ترین درجات برساند و بدانید که ان شاء الله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی، بدون تردید به عالی ترین درجات یک ملت در حدّ و اندازه ملت ایران خواهد رسید^۱

رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه، همچنین در دیدار با فرماندهان سپاه و در پاسخ به ابراز نگرانی برخی افراد، با لحنی سرشار از امید و اعتماد به یاری و نصرت الهی، به داستان حضرت موسی و ماجرای گذر از دریای خروشان اشاره کرده و فرمودند:

موسی به قوم خودش گفت که «**اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا**»؛ «**فَلَمَّا تَرَأَ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ**» وقتی که [قوم موسی] داشتند می رفتند، از دور، مجموعه فرعونی هم دیده شدند که دارند می آیند [به سمت این ها]، اصحاب موسی عليه السلام گفتند «**إِنَّا لَمُدْرِكُونَ**»، ما گیر افتادیم؛ «**قَالَ كَلَّا**»، حضرت موسی فرمود ابداً، «**كَلَّا**»؛ «**كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ**» او هدایت می کند، می گوید چه کار کنید، کجا بروید. من به شما عرض بکنم «**إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**»، بدانید خدا با ما است؛ اگر ما خودمان، انگیزه مان، ایمان و عزم راسخمان را حفظ کنیم، عقلمان را به کار بیندازیم، تدبیر درست بکنیم، ما بر تمام این ترفندهایی که دشمنان از جبهه های مختلف و از جهت های مختلف به کار می برند و حملاتی که می کنند که بعضی خیال می کنند ما محاصره شدیم، بر همه این ها فائق خواهیم شد و همه را ان شاء الله به خاک خواهیم نشانند.^۲

این پاسخ حکیمانه، امید را در دل ها زنده و پایدار قرار می دهد.

یکی دیگر از صحبت های امیدوارانه رهبر حکیم انقلاب رحمته الله علیه، در دیدار با آقای علی خوش لفظ، راوی کتاب زیبای «وقتی مهتاب گم شد»، است؛ آقای خوش لفظ به رهبر انقلاب رحمته الله علیه عرض می کند:



۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38675>

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه ۱۳۹۵/۰۶/۲۸.

<https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=35264>



شما خیلی دارید درد می‌کشید، زجر می‌کشید؛ به هر حال این بحث اختلاس‌ها و حقوق‌های نجومی را می‌گویید، این‌ها گوش نمی‌دهند. یک چیزی بگویید که ما آرام بشویم؛ ما همچنان فدایی شما هستیم؛ دوست داریم مثل همین که آقای متوشلیان (اگر بود می‌گفت) شما بیشتر از این درد نکشید و این‌همه آزار نبینید؛ واقعاً گوش [نمی‌کنند]، نمی‌دانم؛ یعنی ما حاضریم فدایی بشویم و به هر حال بیفتیم جلو. یک نکته که آرامان کند [بگویید].

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه پاسخ دادند:

آرام باشید. این چیزهایی که شما می‌بینید، این‌ها حوادث طبیعی یک راه دشوار به سمت قلّه است؛ هیچ انتظار نباید داشت که اگر ما می‌خواهیم برویم به قلّه توجال یا قلّه دماوند، در راه چاله نباشد، سنگ نباشد، باد نباشد، دود نباشد، گاز نباشد؛ مگر می‌شود؟ اما داریم می‌رویم، داریم می‌رویم، عمده این است. اصلاً نگران نباشید؛ این حوادث وجود دارد؛ اگر این حوادث نبود باید تعجب می‌کردید.^۱

همان‌طور که از کلام رهبری رحمته‌الله علیه بر می‌آید، ایشان همیشه امیدوارانه‌ترین نگاه را به آینده داشته و دارند و همیشه در پاسخ به ابراز نگرانی‌ها می‌فرمایند:

من به آینده این نظام و این کشور خوش بین هستم.

بدانیم و شک نکنیم، طبق وعده الهی، اگر ما دین خدا را یاری کنیم، خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد.

امدادهای الهی در طول این ۴۳ سال به‌وضوح در برابر چشم بابصیرتان قرار دارد؛ امدادهای غیبی در دفاع مقدس، طوفان‌شن، ایستادگی بر تحریم‌های فلج‌کننده، آزادی اسراء، عقب‌نشینی‌های آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، غوغای شهادت شهید حججی، شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی و اتفاقات بعد از شهادت او و... نمونه‌هایی از نصرت الهی بود

۱. در دیدار با راوی کتاب وقتی مهتاب گم شد ۱۰/۱۶/۱۳۹۵.

رهبر معظم انقلاب در پنجم تیرماه یعنی همان روزهای ابتدایی پراولتهاب فتنه ۸۸ به نمونه‌ای از نصرت الهی در اوایل دفاع مقدس اشاره کردند:

روزهای سوم، چهارم جنگ بود. همه توی اتاق جنگ ستاد مشترک جمع بودیم؛ بنده، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، چند نفری از نمایندگان مجلس و چند نفر از نظامی‌ها. آن زمان رئیس‌جمهور بنی‌صدر بود و نخست‌وزیر مرحوم رجایی. همه جمع بودیم و درباره اوضاع پیش‌آمده بحث و مشورت می‌کردیم. میان جلسه بودیم که یکی از نظامی‌ها آمد کنار من و گفت: «دوستان توی اتاق دیگری، کاری خصوصی با شما دارند.» من رفتم پیششان. مرحوم فکوری و مرحوم فلاحی و دو سه نفر دیگر بودند. گفتم: «کارتان چیست؟» گفتند: «ببینید آقا، هواپیماهای ما این هاست: اف ۵، اف ۴، سی ۱۳۰ و...» بعد کاغذی در آوردند که من هنوز توی یادداشت‌ها نگهش داشته‌ام؛ در آن، انواع هواپیماهای نظامی ترابری و جنگی، هفت، هشت، ده نوع به خط آن برادران عزیز نوشته شده بود. نوشته بودند از این نوع هواپیما، مثلاً ما ده تا آماده‌به‌کار داریم و تا فلان روز آمادگی‌اش تمام می‌شود.



در هواپیماها قطعه‌هایی هست که در هر بار پرواز یا دو بار پرواز باید عوض شود و ما این قطعه‌ها را نداشتیم و مثلاً ظرف پنج یا ده روز، این نوع هواپیمای ما پایان می‌پذیرفت؛ انگار دیگر آن را نداریم. دوازده روز بعد هم نوع دیگری تمام می‌شد و تا چهارده پانزده روز نوع دیگر. بیشترین زمان کار برای سی ۱۳۰ بود. همین سی ۱۳۰هایی که حالا هم هست و تا حدود سی روز برایش امکان پرواز وجود داشت این یعنی جمهوری اسلامی بعد از سی و یک روز مطلقاً وسیله پرنده هوایی نظامی، نظامی جنگی، نظامی پشتیبانی و ترابری نداشت.

گفتند: «آقا، وضع جنگی ما این است. شما بروید به امام بگویید.» از شما چه پنهان توی دل من هم قدری خالی شد. گفتم: «عجب! واقعاً هواپیما نباشد، چه کار کنیم؟» عراق با هواپیماهای روسی مرتباً می‌آمد. خلبان‌هایش عرضه خلبان‌های ما را نداشتند؛ اما حجم کار زیاد بود. پروازهایشان پشت سرهم بود و انواع میگر رادر کلاس‌های گوناگون داشتند. کاغذ را گرفتم و بردم خدمت امام در جماران. گفتم: «آقا، این آقایان، فرماندهان ما هستند و دار و ندار نظامی ما دست این هاست. می‌گویند هواپیماهای جنگی ما تا حداکثر پانزده، شانزده روز دیگر

دوام دارند و آخرین هواپیمای ما که سی ۱۳ و ترابری است تا سی روز دیگر؛ بعد از آن هم دیگر ما مطلقاً هواپیما نداریم.» امام نگاهی به من کردند و گفتند: «این حرف ها چیست؟ شما بگویید بروند بجنگند، خدا می‌رساند و درست می‌کند. هیچ طور نمی‌شود.» منطق حرف امام برای من قانع‌کننده نبود، چون امام متخصص هواپیما نبود؛ اما به حقانیت امام، روشنائی دل او و حمایت خدا از او اعتقاد داشتم. می‌دانستم خدای متعال این مرد را برای کاری بزرگ برانگیخته و او را و نخواهد گذاشت. این عقیده دلم را قرص می‌کرد. آمدم به این ها گفتم: «امام فرمودند که بروید همین ها را در حد نو تعمیر و اقدام کنید.

همان هواپیماهای اف ۵ و اف ۴ و اف ۱۴ که قرار بود بعد از پنج، شش روز به کلی از کار بیفتند، هنوز در نیروی هوایی ما کار می‌کند، درحالی که ۲۹ سال از سال ۵۹ می‌گذرد. البته تعدادی توی جنگ آسیب دید و ساقط شد؛ بعضی هایشان هم از رده خارج شده‌اند؛ اما از این طرف هم در قبال این ریزش، رویشی وجود داشت. مهندسين ما توانستند قطعات را درست و خلأها را پر کنند. بعضی از قطعات را علی‌رغم تحریم، به کوری چشم تحریم‌کننده‌ها، از راه‌هایی وارد کردند و هواپیماها را سرپا نگه داشتند. علاوه بر این‌ها، دو نوع هواپیمای جنگی هم خودشان ساخته‌اند. الان در نیروی هوایی ما، دو نوع هواپیمای جنگی ساخته شده که البته عین آن هواپیماهای قبلی خود ما نیست. این هواپیماها را مهندسان ما با تجربه و طراحی خودشان ساخته‌اند؛ هواپیمای دوکابینه را برای آموزش و یک کابینه را برای تهاجم نظامی. علاوه بر این همان‌هایی را هم که داشتیم، هنوز توی دستگاه‌های ما هست. این، توکل به خداست، این صدق وعده خداست. وقتی خدای متعال با تأکید فراوان و چندجانبه می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَبْتَصِرُهُ» یعنی بی‌گمان، بی‌تردید، حتماً و یقیناً خدای متعال نصرت و یاری می‌رساند به کسانی که او را، یعنی دین او را یاری کنند. من و شما هم می‌دانیم که داریم از دین خدا حمایت می‌کنیم؛ بنابراین، خاطر جمع باشید که خدا نصرت خواهد کرد.^۱

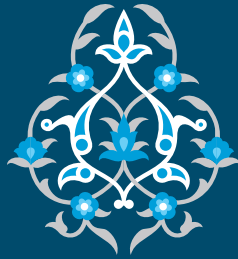
۱. بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر؛ ۱۳۸۸/۰۵/۰۵
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7770>

﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ
صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَأَنْبِتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ
وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ

فصل دوم

دستاوردها

١. این فصل از کتاب «جهاد امید بخش» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است. برای کسب اطلاعات کامل پیرامون دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی، به کتاب «صعود چهل ساله» از همین نویسنده مراجعه فرمایید.





آدم‌ها به‌طور طبیعی چون نیازمند هستند، همیشه نیمه خالی لیوان زندگی خودشان را می‌بینند، هر نیازی که برطرف می‌شود، انگاری در ذهن انسان دفن می‌شود. دیگر نمی‌خواهد به آن نیمه پر لیوان زندگی خودش نگاه کند. فراموش می‌کند، این وضع طبیعی ما است. اما آدم‌ها در کنار این طبیعت، طبیعت شکرگزاری هم در روح و روان خودشان دارند. دوست دارند از دارایی‌های که به آن‌ها رسیده است، تشکر و قدردانی کنند.

شیرینی شکر شامل حال چه کسانی می‌شود؟ مقدمه شکرگزاری، چشم نعمت‌بین است. بین داشتن و حس خوب دارایی فاصله است. بعضی‌ها نعمت دارند، ولی حال خوبی ندارند، از نعمت‌های خودشان احساس خرسندی نمی‌کنند، چرا؟ چون چشم نعمت‌بین ندارند.

راه شکرگزاری، این است که دائماً دارایی‌های خودمان را فهرست کنیم و آن‌ها را فراموش نکنیم، نگاه به دارایی‌ها، به انسان قدرت می‌دهد که از بحران‌ها عبور کنیم. در قرآن کریم خداوند متعال دائماً دارایی‌های مؤمنین و جامعه ایمانی را به رخ آن‌ها می‌کشد، فراموشی این دارایی‌ها، ضربات مهلکی به جامعه و جان آدمی می‌زند. مهم‌ترین عملیات شیطان، برای نابودی بشریت چیست؟ وقتی خداوند متعال شیطان را از بهشت بیرون کرد، قسم خورد که تا قیامت من سر راه مستقیم تو می‌نشینم؛ از چهار سو به بندگان هجوم می‌آورند. از پیش‌رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها؛

﴿قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦٦﴾
ثُمَّ لَأَتَّبِعَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ
شَمَائِلِهِمْ﴾^۱

تا چه اتفاقی بیفتد؛ همه هدف خودش را جمع کرد بایک جمله گفت: ﴿وَلَا
تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾؛ بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!^۲

هدف دیگری ندارد شیطان، جز ناسپاسی جان ما، جامعه ما. اگر اشاعه
فحشا هم می‌کند، آخرسر هدفش این است. شاکر نبودن، مقدمه‌اش ندیدن
دستاوردها است؛ لذا خداوند متعال دائماً می‌فرماید یادآوری، پیغمبرش را
مذکر و یادآور معرفی می‌کند.

در جای دیگری می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۳

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم؛) قومت را از ظلمات به نور
بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یادآور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر
کننده شکرگزار.

بعد می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْعُونَ
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ﴾^۴

۱. اعراف، ۱۶ و ۱۷.

۲. همان.



و (به خاطر بیاور) هنگامی راکه موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همان‌ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند؛ پسرانتان را سر می‌بریدند، و زنانتان را (برای خدمتکاری) زنده می‌گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!»^۱

نگاه به دستاوردها، یک راهبرد تربیتی برای فرد و جامعه است. عامل قدرتمند شدن فرد و جامعه است. ما نیاز داریم همیشه به دستاوردها نگاه کنیم، از دستاوردها برای پیمودن بقیه راه توشه بگیریم. وگرنه هیچ جامعه‌ای با خواندن آیه یاس، از مشکلات و گرفتاری‌ها عبور نمی‌کند. قدم اول در مشکلات، دیدن امکانات موجود است. اول ببینیم چه داریم؟ بعد ببینیم با این دارایی‌ها می‌توانیم از مشکلات عبور کنیم یا خیر؟

نظام جمهوری اسلامی با سیاست‌گذاری‌های دقیق و به همت مردم خود، پس از گذشت ۴۳ سال، در حوزه‌های بسیاری به جایگاه‌های رفیع دست یافته است. اما رسانه‌های دشمن با تحریف گسترده و القای یأس و ناامیدی در مردم هرگز اجازه نداده‌اند که مردم ما از چنین دستاوردهای خیره‌کننده‌ای آگاه شوند. این یکی از ضروری‌ترین حوزه‌هایی است که احتیاج به تبیین دارد.

چهار دهه مقاومت چهار دهه پیشرفت

دکتر سعید جلیلی، دبیر سابق و نماینده فعلی مقام معظم رهبری دامت برکاته در شورای عالی امنیت ملی تعریف می‌کنند:

پرودی، نخست‌وزیر سابق ایتالیا بود و جدای از آن، دارای دکتری اقتصاد و نظریه پرداز توسعه. مدت‌ها پیش به تهران آمد و با من ملاقات کرد. پرودی در آن دیدار می‌گفت:



«سی سال است که مسائل ایران را دنبال می‌کنم و می‌بینم کشور شما در چه وضعیتی است، اما آنچه اهمیت دارد این است که شما فقط مقاومت نکرده‌اید پیشرفت هم کرده‌اید.»

این فقط حرف پرودی نبود، این تعابیر را سران بعضی از کشورهای اروپایی هم در دیدارهای خود به صراحت بیان می‌کردند. گاهی هم می‌گفتند:

«اگر فشاری که به شما وارد می‌شود به دولت ما وارد می‌شد، شش ماه هم نمی‌توانستیم دوام بیاوریم. شما سال‌هاست که هم مقاومت می‌کنید و هم پیشرفت.» انگار آن‌ها هم می‌فهمیدند این انقلاب از جنس دیگری است.^۱

صعود ۴۰ ساله

در اینجا به برخی از دستاوردهای بی‌شمار نظام بر اساس اسناد و اعترافات مجامع بین‌المللی اشاره می‌کنیم



- اینجا ایران است، کشوری که رتبه ۱۰ دنیا از نظر طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره، متعلق به اوست.^۲
- اینجا ایران است، کشوری که رتبه ۲ دنیا در حوزه سلول‌های بنیادین، متعلق به اوست.^۳
- اینجا ایران است، کشوری که زمان دفاع مقدس، حتی اجازه واردات سیم‌خاردار نداشت؛ اما امروز نه تنها خود مجهز به پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی مانند پهپاد، زیردریایی، ناوشکن، موشک‌های رادارگریز، کروز، بالستیک و... است،^۴ بلکه مردم فلسطین نیز که تا چند سال پیش با سنگ مقابل رژیم غاصب صهیونیسم ایستادگی می‌کردند امروزه دارای پدافند بوده و با موشک به

۱. امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حبیبی و پژمان عرب، ص ۱۸۶.

2. <https://theiranproject.com/blog/2015/10/07/world-space-week-iran-among-top-9-countries-with-satellite-capability/>

3. <https://www.worldatlas.com/articles/countries-where-stem-cell-research-is-most-popular.html>

4. <https://mehrnnews.com/news/4465400>

گستاخی‌های این رژیم متخاصم پاسخ می‌دهند.

● اینجا ایران است، کشوری که برحسب قدرت توپخانه، رتبه ۶ دنیا، برحسب تعداد کشتی‌های زیردریایی رتبه ۵ دنیا، همچنین برحسب ناوگان تانک‌های جنگی رتبه ۷ دنیا و... را داراست و به معنای واقعی در عرصه نظامی به یک ابرقدرت تبدیل شده است.^۱

● اینجا ایران است، کشوری که نه تنها استقرار تعداد کثیر پایگاه‌های نظامی آمریکایی، در اطراف مرزهای آن که حتی فاصله برخی از این پایگاه‌ها به کمتر از ۲۰۰ کیلومتر با شهرهای ایران می‌رسد،^۲ خدش‌های به امنیت داخلی آن وارد نمی‌کند؛ بلکه، او می‌تواند مهم‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه (عین الاسد) را با خاک یکسان کند.^۳

● اینجا ایران است، کشوری که ۴۰ سال پیش ناامن‌ترین کشور دنیا بود، به طوری که فقط در بین سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱ ه.ش، ۱۷۰۰۰ نفر در شهرها و روستاهای آن ترور شدند؛ درحالی‌که امروزه به امن‌ترین کشور دنیا در ناامن‌ترین منطقه کره زمین تبدیل شده است.^۴

● اینجا ایران است، کشوری که ۴۰ سال پیش حتی جزء ۵۰ کشور اول دنیا در تولید علم هم نبود، اما اکنون رتبه ۱۵ دنیا در تولید علم را داراست.^۵

● اینجا ایران است، کشوری که پیش از انقلاب در مقالات پر استناد دنیا جایگاهی نداشت؛ اما در حال حاضر ۳/۱ درصد این مقالات، نوشته نخبگان و دانشمندان ایرانی است و ۵ درصد مقالات داغ^۶ دنیا توسط ایرانیان نوشته می‌شود.^۷



1. <https://www.globalfirepower.com/aircraft-total.php>

2. <https://www.businessinsider.com/us-military-bases-surrounding-iran-2012-01>

۳. گفت‌وگوی سردار حاجی‌زاده با خبرنگاران صداوسیما پیرامون عملیات شهید سلیمانی:
<http://mshrgg.ir/1029516>

4. <https://www.start.umd.edu/news/global-terrorism-overview-terrorism-2019>

5. <https://www.scimagojr.com/countryrank.php?year2020>.

۶. ۱/۵ درصد مقالات پر استناد دنیا را مقالات HOT می‌نامند که ارزش علمی بسیاری بالایی دارند.

7. http://apps.webofknowledge.com/summary.do?product=WOS&doc=1&qid=1&SID=F3M5wvBLHKXtK81y7E&search_mode=AdvancedSearch&update_back2search_link_param=yes

- اینجا ایران است، کشوری که ابتدای پیروزی انقلاب، حتی جزء ۳۰ کشور اول دنیا بر اساس تعداد اختراعات ثبت شده نبود، اما امروزه هفتمین کشور دنیا در این حوزه است.^۱
- اینجا ایران است، کشوری که نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی آن در پیش از انقلاب، ۵۹/۳ درصد بوده، در حالی که امروزه ۹۹/۲ درصد کودکان ایرانی در مدارس ابتدایی تحصیل می کنند.^۲
- اینجا ایران است، کشوری که از نظر رشد درصد باسوادان بالای ۱۵ سال، در بعد از انقلاب اسلامی جایگاه اول جهان را داراست.^۳
- اینجا ایران است، کشوری که میزان رشد تحصیل در افراد بالای ۱۵ سال آن، حدوداً ۳ برابر میانگین جهانی است.^۴
- اینجا ایران است، کشوری که به گزارش WEF، رتبه یک دنیا، در بحث برابری نسبت دختر به پسر در تحصیلات ابتدایی را داراست.^۵
- اینجا ایران است، کشوری که نرخ بی سوادی زنان آن از ۷۰ تا ۸۰ درصد در سال ۱۳۵۴ ه.ش، به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ ه.ش کاهش یافته است.^۶
- اینجا ایران است، کشوری که نسبت پزشکان متخصص زن در آن از ۱۵ درصد به ۴۰ درصد رسیده است.^۷

۱. <https://knoema.com/atlas/ranks/Number-of-patent-applications>

۲. <https://knoema.com/atlas/Iran/topics/Education/Primary-Education/Net-enrolment-rate-in-primary-education?compareTo=US,JP,FR,DE>

۳. https://ourworldindata.org/grapher/gross-enrollment-ratio-in-secondary-education?tab=chart&country=IRN+OWID_WRL

۴. https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS?end=2014&locations=IR-1W&start=1976&view=chart&year_high_desc=true

۵. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:
http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2018.pdf

۶. <https://ourworldindata.org/grapher/share-of-women-between-15-and-19-years-old-with-no-education?year=2010/>

۷. https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/Session7/IR/A_HRC_WG6_7_IRN_I_ANNEXV_E.pdf



- اینجا ایران است، کشوری که اهمیت به بانوانش تا جایی است که رشد زنان فوق‌تخصص آن بیش از ۱۲ برابر بوده است؛ درحالی‌که رشد آقایان ۳ برابر بوده است.^۱
- اینجا ایران است، کشوری که رتبه ۱۱ دنیا از نظر کاهش مرگ‌ومیر در نوزادان، در هر ۱۰۰ هزار نوزاد (طی بازه ۱۹۹۰-۲۰۱۵ م)، متعلق به اوست.^۲
- اینجا ایران است، کشوری که رتبه ۱۰ دنیا از نظر رشد در شاخص امید به زندگی، متعلق به اوست.^۳
- اینجا ایران است، کشوری که در بین ۲۰ کشور پایین دنیا از نظر نرخ خودکشی قرار دارد.^۴
- اینجا ایران است، کشوری که ۴۰ سال پیش به گزارش بانک جهانی ۴۶ درصد مردمش، زیرخط فقر بودند، اما در سال ۱۳۹۲ ه.ش به ۸/۱ درصد رسید که متأسفانه در دوران دولت غرب‌گرای تدبیر و امید، آمار فقر به شدت افزایش یافته است.^۵
- اینجا ایران است، کشوری که در طول ۴۰ سال به گزارش بانک جهانی، ضریب جینی (فاصله طبقاتی) خود را تا ابتدای سال ۱۳۹۲ ه.ش کاهش داد.^۶
- اینجا ایران است، کشوری که پیش از انقلاب مصرف کالری روزانه آن، طبق برآورد سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۳۰ ه.ش)، برای هر بزرگسال روزانه کمتر از ۱۸۰۰ کالری، یعنی پایین‌تر از تمامی مناطق فقیرنشین خاورمیانه بود؛^۷ درحالی‌که در حال حاضر میزان سرانه عرضه روزانه کالری در آن، بیش از ۳۰۰۰ کیلوکالری به‌ازای هر نفر، یعنی بالاتر از میانگین دنیا است.^۸

1. https://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/Session7/IR/A.HRC.WG6.7_IRN.1_L.ANNE XV_E.pdf
2. <https://data.worldbank.org/indicator/SH.STA.MMRT?view=chart>
3. https://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.LE00.IN?end=2016&start=1979&view=chart&year_high_desc=true
4. <http://www.worldlifeexpectancy.com/cause-of-death/suicide/by-country/>
5. <https://data.worldbank.org/indicator/SL.POV.GINI?locations=IR>
6. <https://knoema.com/atlas/Iran/topics/Poverty/Income-Inequality/GINI-index>

۷. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه تدین، ص ۳۴۹.

8. https://ourworldindata.org/grapher/daily-per-capita-supply-of-calories?country=IRN+OWID_WRL



- اینجا ایران است، کشوری که بیشترین رشد در شاخص توسعه انسانی (HDI)^۱ در این ۴۰ سال، متعلق به اوست.^۲
- اینجا ایران است، کشوری که در بین کشورهای تولیدکننده انرژی، در تولید گاز طبیعی، رتبه سوم دنیا^۳ و در تولید انرژی الکتریکی، با ۱۲ پله ارتقاء و ۱۴ برابر شدن رشد از سال ۱۹۹۰ میلادی تا کنون، رتبه سیزدهم دنیا را کسب کرده است.^۴
- اینجا ایران است، کشوری که رتبه ۷ دنیا از نظر رشد در جذب گردشگر (طی بازه ۱۹۹۰-۲۰۱۸ م)، متعلق به اوست.^۵
- اینجا ایران است، کشوری که مشارکت مردمش در کمک به هم نوع خود به جایی رسیده است که از ۴۰ گروه جهادی در زلزله بم، به ۲۵۲۰ گروه جهادی در زلزله اخیر کرمانشاه و سیل پل دختر رسیده است که برخی از آنان برای اعزام، هیچگاه نوبتشان نشد.
- اینجا ایران است، کشوری که مشارکت مردمش در فعالیت های نیکوکاری، به طور چشمگیری افزایش یافته است؛ به طوری که فقط مبلغ جمع آوری شده توسط مردم در جشن عاطفه های شهریورماه سال ۱۳۹۸ ه.ش، ۴۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بوده است که نسبت به سال قبل خود، ۴۱ درصد افزایش داشته است.

۱. دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، به دلیل اهمیت شاخص توسعه انسانی، سالیانه گزارشی بیش از ۱۰۰۰ صفحه تحت عنوان «گزارش توسعه انسانی» HDI از وضعیت کشورهای دنیا از حیث این شاخص که نشان دهنده سطح سلامت، تحصیلات و درآمد انسان ها در جوامع مختلف است، ارائه می دهد.

۲. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

https://www.undp.org/content/dam/undp/library/corporate/HDR/2011/20Global%20HDR/English/HDR_2011_EN_Complete.pdf

3. <https://knoema.com/atlas/topics/Energy/Gas/Natural-gas-production?baseRegion=IR>

4. <https://knoema.com/atlas/topics/Energy/Electricity/Electricity-net-generation?baseRegion=IR>

5. <https://www.telegraph.co.uk/travel/comment/how-the-travel-map-has-changed-since-1990/>

● اینجا ایران است، کشوری که پادشاه آن در دورانی برای گوش دادن به رادیو باید از انگلیس اجازه می‌گرفت؛^۱ درحالی‌که امروزه، رهبر آن خطاب به فرستاده ویژه رئیس‌جمهور وقت آمریکا می‌گوید: «من ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم.»^۲

نمونه‌هایی از توان داخلی قدرتمند

مهم‌ترین دلیلی که ایران اسلامی موفق شد در حوزه‌های مختلف، به چنین دستاوردهایی برسد «اعتماد به ظرفیت داخلی و نیروی جوانان مؤمن انقلابی» بود و در هر حوزه‌ای که سرعت پیشرفت کم بوده و یا متوقف شده است حضور غرب‌گرایان پرمدعا به وضوح قابل مشاهده است.

در ادامه به چند مصداق به‌عنوان نمونه از ماجرایی حصول این پیشرفت‌ها در حوزه‌های مختلف اشاره می‌کنیم.

از مدیران ارشد شرکت صنایع الکترونیک تعریف می‌کند:

ایران چهل و سومین کشور از کشورهای دارای ماهواره بود. فعالیت ماهواره‌ای مان را با هند شروع کردیم؛ اما با دخالت رژیم صهیونیستی به نتیجه نرسید و هند کنار کشید. بعد از آن با روسیه همراه شدیم؛ یک همراهی پر از تحقیر. زمانی که ما حتی آرزو داشتیم ماهواره را از نزدیک ببینیم، روس‌ها مدل مهندسی ماهواره را از فاصله چندمتری نشانمان دادند که نکند ما با لمس ماهواره‌شان به جنس و ساختمان اجزایش پی ببریم.

مشاور خارجی هم که ممنوع بود؛ چون هدف این بود که ماهواره را بومی طراحی کنیم و در کنار این، خارجی‌ها زمان انجام کار را خیلی طولانی می‌کردند. به صداقتشان هم اعتماد نداشتیم و این بود که فهمیدیم باید روی پای خودمان بایستیم.



۱. نک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات حسین فردوست، ج ۱، ص ۱۰۴ تا ۱۰۵.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42835>



زمانی از روس‌ها می‌پرسیدیم: «ما کی می‌توانیم ماهواره بسازیم؟» و جواب می‌شنیدیم: «تا ۳۵ سال دیگر هم نمی‌توانید و اگر هم بسازید، خودتان نمی‌توانید پرتابش کنید، ما هم که به هیچ‌وجه برایتان پرتاب نمی‌کنیم.» ولی ما توانستیم خودمان ماهواره بسازیم و خودمان هم آن را پرتاب کنیم. یادم هست بعد از پرتاب، اولین نفری که تماس گرفت و تبریک گفت، روس‌ها بودند؛ درحالی‌که لحنشان با ما عوض شده بود و خبری از تحقیرشان نبود. کشوری که زمان جنگ نمی‌توانست نارنجک بسازد، شده بود نهمین کشور دارای پرتابگر ماهواره به فضا!^۱

و یا در بحث دستاوردهایی که پژوهشگاه رویان در شاخه علوم پزشکی برای ایران به ارمغان آورده است، دکتر محمدحسین نصر^۲ روایت می‌کند:

بیش از ۴۰ سال پیش بود که لوئیس براون^۳ متولد شد و خبر تولدش توی دنیا پیچید. لوئیس اولین بچه لقاح آزمایشگاهی دانشگاه کمبریج انگلستان بود و تولدش حرکتی بزرگ و نویدآور برای زوج‌های نابارور بود. بعد از آن بود که خیلی از زوج‌ها روانه انگلستان می‌شدند تا حدود دویست هزار دلار^۴ هزینه کرده و شانس ۱۰ درصدی‌شان را برای فرزندآوری امتحان کنند. ابتدای سال ۷۰ آقای کاظمی آشتیانی پژوهشگاه رویان را پایه‌گذاری کرد تا در تهران مرکز پژوهشی - تحقیقاتی در زمینه ناباروری ایجاد کند. هم زمان من از دانشگاه کمبریج انگلستان به ایران آمدم. جزو اولین نفراتی بودم که جنین‌شناسی با رویکرد نازایی را خوانده بودم؛ اما در شهرکرد زبان تدریس می‌کردم چون محلی برای رشته و کار من نبود. بعد از مدتی دکتر آشتیانی من را به تهران دعوت کرد برای شروع همکاری. این همکاری سال‌ها بعد موجب پایه‌گذاری مرکز ناباروری اصفهان شد. سال ۱۳۹۵ رویان اصفهان جشنی با هزاران فرزندی

۱. امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حبیبی و پژمان عرب، ص ۲۶۷.

۲. ریاست پژوهشکده زیست‌فناوری رویان اصفهان.

3. Louise Brown

۴. با احتساب دلار ۲۵ هزار تومان؛ این مبلغ ۵ میلیارد تومان می‌شود.

که از این روش به دنیا آمده بودند، برگزار کرد. نتیجه همکاری من و دکتر روز قشنگی را رقم زده بود؛ هرچند دکتر دیگر در میان ما نبود.^۱

در بحث تولید دارو نیز جمهوری اسلامی توانست با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، افتخارات بزرگی کسب کرده و از خروج ارز بسیار زیادی از کشور جلوگیری کنید؛ داروهای بیماران ام-اس^۲ از این جمله‌اند.

دکتر هاله حامدی فر^۳ می‌گوید:

داروهای بیماران ام-اس کمیاب بودند و گران. ارزیابی زیادی هم برای کشور داشت و این بود که تصمیم گرفتیم تولیدشان کنیم. سال ۱۳۹۱ تحریم‌ها به اوج رسیده بود و داروها کمیاب‌تر از همیشه. سیناژن توانست سینووکس و رسیژن را وارد بازار کند. دو دارویی که بیماران ام-اس را با یک ششم هزینه قبلی نجات می‌داد. تولید این دارو افتخاری برای جامعه پزشکی کشور بود.^۴

یکی دیگر از ابعاد پیشرفت جمهوری اسلامی در حوزه نظامی است که به‌عنوان نمونه می‌توان به ساخت سریع‌ترین شناورهای سطحی نظامی، در اوج تحریم‌ها اشاره کرد.

سردار علی فدوی^۵ تعریف می‌کند:

قایق‌هایی می‌خواستیم کوچک‌تر و سریع‌تر؛ مثل شناور بلیدرانر انگلیسی. بلیدرانر قایق تندروی مسابقه‌ای بود و رکورددار سرعت در کلاس وزنی‌اش. از وقتی تهدیدهای دریایی زیاد شده بود، این قایق توجه‌مان را جلب کرد.

۱. امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حبیبی و پژمان عرب، ص ۱۶۲.

۲. ام-اس بیماری‌ای التهابی است که در آن سلول‌های عصبی در مغز و نخاع آسیب می‌بینند.
۳. مدیرعامل شرکت تولیدی و تحقیقاتی سیناژن.

۴. امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حبیبی و پژمان عرب، ص ۱۶۹.

۵. فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه.





با نیازهای دریایی ما مطابق بود. تقاضای خریدش را کردیم؛ اما به صورت رسمی به ما نفروختند و مجبور شدیم از مسیرهای غیرمعمول قایق را دنبال کنیم. اوایل سال ۱۳۸۸ از طریق فدراسیون قایق رانی، بلیدرانر را خریدیم و واسطه‌ای در آفریقای جنوبی قایق‌ها را به کشتی حمل کالا تحویل داد تا به ایران برسد. کشتی حامل بلیدرانر بیشتر راه را آمده بود که ناو جنگی آمریکایی جلوی راهش قرار گرفت. نیروهای امنیتی آمریکا دیر خبردار شده بودند؛ اما در اقیانوس هند، به کشتی رسیدند. ناو آمریکایی نزدیک کشتی آمد و تلاش زیادی کرد تا قایق‌ها به آب‌های ایران نرسد؛ اما کشتی به ۶۵ کیلومتری کشور رسیده بود و با کمک یگان اسکورت نیروی دریایی سپاه به آب‌های ایران رسید. دستور ناو آمریکایی را هم ابلاغ کردیم، باید منطقه را ترک می‌کرد.

تنها قابلیت بلیدرانر انگلیسی مسابقات قایق رانی بود؛ اما متخصصان ما در صنایع دریایی، آن را به شناوری با قابلیت حمل راکت‌اندازهای دریایی ۱۰۷ میلی‌متری ۱۱ لوله‌ای پایدار شده، رادار جست‌وجوی دریایی با برد حدود ۳۰ کیلومتر و تیربار ۷،۱۲ میلی‌متری تبدیل کردند. این شناور بعدها به پرتابگرهای موشک و اژدر^۱ هم تجهیز شد و به طور گسترده در خدمت واحدهای عملیاتی در تمام آب‌های جنوبی ایران قرار گرفت. حداکثر سرعت شناورهای آمریکایی ۳۱ نات^۲ است؛ اما متخصصان ما توانستند به جای بلیدرانر شناوری با سرعت ۸۰ نات بسازند. شناوری که سریع‌ترین شناور سطحی نظامی جهان لقب گرفت.^۳

قدرت نظامی نمونه‌ای از اعتماد به جوانان انقلابی

یکی از مؤلفه‌های قدرت هر کشور، توان نظامی آن کشور است. چه نیروی انسانی چه تجهیزات نظامی!

۱. اژدر یک سلاح پرتابی است که از دریا روی درون آب پرتاب می‌شود و درون آب حرکت کرده، نزدیک به هدف یا پس از برخورد با آن منفجر می‌شود.
۲. واحد اندازه‌گیری مسافت بر دریا یا همان گره که خود معادل ۱۸۵۲ متر است.
۳. امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، گردآوری و تدوین میلاد حیبی و پژمان عرب، ص ۹۶.

از نظر نیروی انسانی، سپاه و ارتش ایران چه از جهت توان فکری و نظامی، چه از لحاظ انگیزه‌ی ایستادگی، مقاومت و مقابله با دشمن، دارای توان نیروی انسانی بی‌نظیری است. نیروهای نظامی ما اعتقاد دارند که اگر در کارزاری موفق شوند، پیروز شده‌اند و اگر کشته شوند، باز هم پیروز شده‌اند. چون جانفشانی در راه وطن و آرمان‌های الهی را شهادت می‌دانند، بنابراین هیچگاه به کشور خود پشت و عقب‌نشینی نمی‌کنند.

کشور ایران از جهت توان نظامی و تجهیزات نظامی در شرایط بسیار خوب و بازدارنده‌ای قرار دارد، این در حالی است که ایران جزو کشورهایی است که بودجه نظامی پایینی دارد. به عنوان مثال، بودجه نظامی عربستان ۵۰ میلیارد دلار و دو کشور ژاپن و آلمان -گفته شده ارتش ندارند- ۴۸ میلیارد دلار است! بودجه نظامی آمریکا نیز ۷۹۶ (نزدیک به ۸۰۰) میلیارد دلار است. در صورتی که بودجه نظامی ایران ۱۲ تا ۱۶ میلیارد دلار می‌باشد! این مبلغ تمام پولی است که به مسئله نظامی تعلق می‌گیرد.

از طرف دیگر، مسئله نظامی را باید از نظر قدرت نظامی سنجید. برخی معتقدند آمریکا می‌تواند ایران را با یک بمب نابود کند. سوالی که پیش می‌آید این است که اگر می‌تواند با یک بمب نابودمان کند، چرا تا به حال این کار را نکرده است؟ پاسخ آن است که آمریکا به ایران حمله نظامی کرده است.

حمله آمریکا به ایران

آمریکا در سال ۲۰۰۲ میلادی مستقیماً به جمهوری اسلامی حمله کرده است. بعد از ماجرای برج‌های دوقلوی ۱۱ سپتامبر، جرج بوش در سخنرانی خود اذعان کرد که ما به چند کشور حمله خواهیم کرد که محور شرارت آن‌ها ایران است. برای حمله به افغانستان و عراق اختلاف مهمی در آمریکا نبود، اما زمان حمله به ایران اختلاف نظر پیش آمد. گروهی معتقد بودند که ایران مثل



افغانستان و عراق نیست و به حمله پاسخ خواهد داد؛ گروه دیگر قائل بر این بودند که باید به ایران حمله کرده و قائله را ختم کرد. آمریکا برای پیش بینی نتیجه این حمله، رزمایشی با عنوان «رزمایش چالش هزاره ۲۰۰۲»^۱ ترتیب داد که نتیجه آن محرمانه اعلام شد. بیش از ۱۵ سال بعد، اسناد این رزمایش فاش شد و مصاحبه‌هایی با فرماندهان این رزمایش صورت گرفت.

این رزمایش پرهزینه‌ترین رزمایش تاریخ آمریکا بود. یک رزمایش مهم (احتمالاً بزرگ‌ترین، گران‌ترین و پیچیده‌ترین رزمایش از نوع خود در تاریخ)^۲ بود که توسط نیروهای مسلح آمریکا در میانه سال ۲۰۰۲ اجرا شد. این تمرین از ۲۴ ژوئیه تا ۱۵ آگوست در حال برگزاری بود و ۲۵۰ میلیون دلار هزینه داشت،^۳ نیمی از این رزمایش واقعی و نیمه دیگر آن با هوش مصنوعی و امثال آن شبیه‌سازی شده بود. افراد این رزمایش به دو گروه ایران و آمریکا با رنگ‌های قرمز و آبی تقسیم شده بودند؛ بدین صورت که هر دو طرف، تجهیزات خود را به خلیج فارس آوردند و جنگ صورت گرفت. نتیجه جنگ چه بود که محرمانه اعلام شد؟

در این شبیه‌سازی، ایالات متحده آمریکا تحت عنوان «آبی» به نبرد با دشمن فرضی تحت عنوان «قرمز»، یعنی ایران می‌رفت.^۴ مراحل آماده‌سازی مقدمات اجرای این رزمایش، حدود ۲ سال به طول انجامید.^۵

هدف اصلی از برگزاری این رزمایش، تمرین رویارویی با ایران در خلیج

1. Millennium Challenge 2002

2. <https://warontherocks.com/2015/11/millennium-challenge-the-real-story-of-a-corrupted-military-exercise-and-its-legacy/>

3. <https://warontherocks.com/2015/11/millennium-challenge-the-real-story-of-a-corrupted-military-exercise-and-its-legacy/>

4. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/history-lesson-iran-beat-america-war-game-2002-180016>

5. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/2002-us-military-conducted-iran-war-simulation-iran-won-82906>

فارس بود.^۱ در سناریوی رزمایش چالش هزاره ۲۰۰۲، ایران با شلیک تعداد قابل توجهی موشک، به تهاجم نظامی آمریکا پاسخ می داد که باعث بر هم خوردن آرایش نظامی نیروهای آمریکایی و نابودی ۱۶ ناو آمریکایی، شامل یک ناو هواپیمابر، ده رزم ناو و پنج کشتی آمفی بی (هواناو) می شد. برآوردهایی که پس از این رزمایش به عمل آمد، نشان داد که در صورت وقوع این سناریو به صورت واقعی، بیش از ۲۰ هزار نظامی آمریکایی در روز اول جنگ با ایران کشته خواهند شد.^۲

این توضیحات مفتخرانه، تجربه عملی - آزمایشی دشمن درجه یک ملت ایران، نسبت به توان ما است؛ البته دشمن از بسیاری از توان ها و تجهیزات ما اطلاعی ندارد و با اطلاعات موجود و غیرمحرمانه به شکست رسید.

نکته مهم این است که این رزمایش به سال ۲۰۰۲ میلادی برمی گردد! ما در آن دوران تازه موفق به ساخت موشک شهاب ۳ شده بودیم، این موشک اکنون قدیمی به حساب می آید! آن زمان موشک های فاتح، قدر، سجیل، زلزال، عماد، ذوالفقار، حاج قاسم، موشک رادارگریز، پهپاد، زیردریایی و موشک مربوط به آن، ناو و ناوشکن و پدافندهای فوق پیشرفته را نداشتیم و همه اینها طی سال های بعد از آن تولید شد. باید توجه داشت که ایران در این ۲۰ سال به چه قدرتی رسیده است.

البته نکته مهمی که در این بازه زمانی قابل ملاحظه است، نامه ای است که نمایندگان مجلس ششم - یعنی غربگراترین مجلس جمهوری اسلامی - حدود

1. <https://www.globalresearch.ca/video-united-states-war-iran/5700164>

2. FLYNT LEVERETT, HILLARY MANN LEVERET, GOING TO TEHRAN, WHY AMERICA MUST ACCEPT THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN, p.80

رفتن به تهران، چرا آمریکا باید جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد، فلینت لوورت و هیلاری مان لوورت کتاب، ص ۸۰.

3. <https://www.globalresearch.ca/the-geo-politics-of-the-strait-of-hormuz-could-the-u-s-navy-be-defeated-by-iran-in-the-persian-gulf/28516>



یک ماه قبل از رزمایش چالش هزاره و درست زمانی که ایران در اوج تهدید از سمت آمریکا بود به مقام معظم رهبری دامت برکاته نوشتند که به نامه جام زهر مشهور شد، مبنی بر اینکه زمان آن رسیده است که در برابر آمریکا از مواضعمان عبور کنیم، چرا که کیان کشور در حال از دست رفتن است! همین افراد در آن زمان تصمیم داشتند که در مجلس طرح ادغام سپاه با ارتش را تصویب کنند که موفق نشدند.^۱

جالب است که امروز غرب در حال تحسین قدرت ماست اما غرب گرایان در حال تخریب جمهوری اسلامی هستند.

نمونه‌های قدرت نظامی ایران بسیار زیاد است که یکی از این نمونه‌ها، مورد هدف قرار دادن پایگاه نظامی «عین الأسد» است.

گوشمالی عین الاسد

برخی جریان عین الأسد را کوچک تلقی می‌کنند در حالی که این اقدام «یوم‌الله» و یکی از روزهای بزرگ پیروزی جبهه حق بر باطل در طول تاریخ بود.

پس از جنگ جهانی دوم تاکنون - که حدود ۷۵ سال از آن می‌گذرد- آمریکا بیش از ۱۰۰ جنگ به راه انداخته است که در طی آن، هیچ کشوری جرئت نکرده به سمت هیچ‌کدام از پایگاه‌های نظامی آمریکا، حتی یک تیر پرتاب کند. در دوران جنگ سرد، چندین جنگ نیابتی بین آمریکا و شوروی رخ داد که در این جنگ‌ها هم، هیچ کشوری به خود اجازه حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا را نداد؛ اما جمهوری اسلامی پایگاه مهم عین الأسد را، با شرایط ویژه‌ای که داشت، موشک باران کرد.

نکته عجیب‌تر ماجرا آنجاست که ترامپ روز قبل از حمله ایران به عین الأسد

1. <http://www.jahannews.com/news/501446>

در توثیقی اعلام کرد که «در صورت حمله ایران، ۵۲ نقطه توسط آمریکا مورد هدف واقع خواهد گرفت.» و قطعاً اولین نقطه بیت رهبری بود؛ فردای روز حمله به عین الأسد برای اولین بار، صحبت مقام معظم رهبری دامت برکاته در حسینیّه ایشان به صورت زنده پخش شد، و معنای آن بسیار روشن بود. «اگر جرئت دارید، بزنید» انسان چقدر می‌تواند مطمئن باشد؟ اگر کسی حتی یک درصد احتمال بدهد که بخواهند بزنند، چنین کاری انجام نمی‌دهد. این یعنی آمریکا صد درصد جرئت نمی‌کند بزند.

وقتی از سردار حاجی زاده پرسیدند: «چرا همه موشک‌ها را با هم پرتاب نکردید؟» ایشان گفت: «اول اینکه ما نمی‌خواستیم از آن‌ها تلفات بگیریم [تا آمریکایی‌ها در مراسم تشییع جنازه احساسات را به نفع خود درگیر کنند]؛ دوم اینکه ما عجله‌ای نداشتیم، چون می‌دانیم که آن‌ها جرئت نمی‌کنند ما را بزنند.»^۱

ایران به این شکل و با این مدل پرتاب کردن موشک‌ها، آمریکا را تحقیر کرد؛ اتفاقاً جالب است که چنین حرکتی را، امام راحل از قبل به ما توصیه کرده بود. امام خمینی رحمته الله علیه فرموده بود:

«تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشن‌گری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.»^۲

همه در ماجرای عین الأسد سیلی نواختن ایران را بر گونه‌های شیطان بزرگ دیدند.

۱. مصاحبه با سردار حاجی زاده در برنامه بدون تعارف.

۲. صحیفه امام خمینی «جلد ۲۰» صفحات ۳۲۵.



البته نکته بسیار مهم و حائز اهمیت در بحث دستاوردهای ۴۰ ساله این است که ما هنوز راه بسیاری را در پیش داریم و همچنان در ابتدای راه هستیم. مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند:

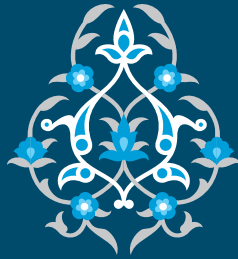
«بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد»^۱.



الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ
 كَثِيرٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ
 تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ
 بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
 عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا
 وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

فصل سوم

عبور از بحران‌ها





دنیا به گونه‌ای طراحی شده است که بدون عبور از بحران‌ها، امکان رسیدن به قله‌ها نیست. این خاصیت دنیاست. انسان چه دین داشته باشد، چه دین نداشته باشد، بدون زحمت نمی‌تواند به قله برسد. تمام کسانی که ثروتمند هستند در خاطرات شخصی خودشان، سختی‌های فراوانی را برای رسیدن به قله ذکر می‌کنند و هیچ‌کدام با تبلی و تا ساعت ده صبح خوابیدن به اینجا نرسیدند. بروید خاطرات شخصی این طور آدم‌های موفق و ثروتمند را بخوانید.

جامعه هم برای پیشرفت بدون قرارگرفتن در بحران و عبور از بحران، امکان پیشرفت ندارد. یا باید به جوامع دیگر ظلم کنی و دزدی؛ کاری که نظام و تمدن غرب، با غارت و چپاول اکثر اوقات، کاخ خودش را ساخت. یا باید زحمت بکشی و از بحران عبور کنی. ما زندگی بدون بحران در دنیا نداریم. بحران در دنیا، راه قهرمانی ماست. اگر کسی بخواهد ورزش قهرمانی را شرکت کند، باید تمرین‌های سخت داشته باشد ولی هیچ ورزشکار حرفه‌ای از تمرین‌های سخت گلیه نمی‌کند. بلکه از این تمرین‌ها، لذت می‌برد چون راه قهرمانی او عبور از این رنج‌ها و بحران‌ها است.

قرآن کریم، دائماً جامعه نبوی را با بحران، روبرو می‌کند تا این جامعه رشد کند. بعد یاری خدا هم در دل بحران‌ها خودش را نشان می‌دهد. تا راه نیفتادیم که خبری از نصرت خدا نیست. یکی از بحران‌های صدر اسلام، جنگ حنین بوده است؛ با اینکه سپاه اسلام در این جنگ، دستش از نظر امکانات پر بود،

اما چون روی امکانات حساب باز کردند نه روی نصرت خدا شکست خوردند؛
خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ
أَعَجَبْتَكُمْ كَثُرَتْكُمُ فُلُجٌ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضَاقَتْ
عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّذَبِّحِينَ ۗ ثُمَّ أَنْزَلَ
اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ
تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) و در روز
حنین (نیز یاری نمود) در آن هنگام که فزونی جمعیتان شما را مغرور ساخت،
ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر
شما تنگ شده سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید! سپس خداوند
«سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما
نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران!

این حرف به این معنا نیست که نباید امکانات اقتصادی و مادی پیشرفت را
فراهم کرد؛ بلکه باید امکانات برای عبور از بحران‌ها، حداکثری فراهم شود،
همان‌طور که قرآن در جای دیگری به اینکه جامعه مؤمنین باید حداکثر
امکانات را برای قوی شدن فراهم کنند، اشاره می‌فرماید؛ اما مسئله اینجاست
که روی خدا حساب باز می‌کنی، یا روی امکانات؟ اینجا محل زمین‌گیر شدن
ماست. برای عبور از بحران‌ها، چقدر روی کمک خدا حساب باز می‌کنیم؟ آیا
بدون کمک خدا می‌شود از بحران‌ها عبور کرد. کمک خدا، گاهی کمک فکری
است، گاهی وقتی همه کشورها تو را تحریم کردند، خدا کمک فکری می‌رساند
برای ساخت واکسن. این رمز عبور ما از بحران‌هاست.



ایستادگی در برابر بحران‌ها؛ دستاورد نظام جمهوری اسلامی

هنر انقلاب ما این است که از دل بحران‌ها، به پیشرفت‌های شگفت‌انگیز رسیده است و رسانه‌ها در سکوت خبری این اتفاق با عظمت را لاپوشی می‌کنند و از کنار آن عبور می‌کنند.

یکی از نقاط امیدبخش انقلاب، توجه به این مطلب است که دستاوردهای بی‌شمار نظام، در چه شرایطی به دست آمده است؟ آیا شرایط پیشرفت هموار بوده یا موانع بسیاری داشته است؟ به تعبیر دیگر، ایستادگی در مقابل بحران‌ها خود یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام بوده است؛ بحران‌هایی که گاه فقط یکی از آن‌ها برای از بین بردن یک نظام و حکومت کافی بوده است. تبیین بستر تاریخی حصول دستاوردهای کشور، خود یکی از عواملی است که امید و باور پیشرفت را برای ما به ارمغان می‌آورد.

برای درک بهتر موضوع، فرض کنیم در مقایسه رتبه دو نفر در کنکور سراسری، یک نفر با تمام امکانات مانند دبیر خصوصی، شرکت در انواع کلاس‌های کنکور، تهیه انواع کتب کمک‌آموزشی، مدارس غیرانتفاعی و... رتبه ۵ کنکور را کسب کرده، یک نفر بدون داشتن این امکانات و حتی در سخت‌ترین شرایط مانند کارکردن در کنار درس خواندن، درس خواندن شبانه، بدون حتی یک کلاس کنکور و... رتبه ۵۰ کنکور می‌شود. مشخص است که ارزش رتبه پنجاه نفر دوم از رتبه پنج نفر اول بالاتر و بیشتر است. در رابطه با جمهوری اسلامی هم به همین‌گونه است؛ شرایطی که با ایجاد بحران‌های مختلف در طی ۴۰ سال گذشته برای جمهوری اسلامی به وجود آوردند، به‌گونه‌ای بوده است که همین قدر که توانسته است پابرجا بماند، یک شاهکار و معجزه است، چه برسد به آنکه در شاخه‌های گوناگون به برترین رتبه‌های دنیا رسیده است.



در این بخش فقط به نمونه‌هایی از این بحران‌ها، آن هم به صورت تیتروار، اشاره می‌شود.

برخی توطئه‌های تجزیه‌طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی:

- تلاش برای تجزیه و خودمختاری کردستان با ایجاد غائله؛
- غائله ترکمن صحرا و گنبدکاووس با هدف خودمختاری این منطقه؛
- غائله خوزستان و اقدامات تجزیه‌طلبانه؛
- تلاش برای تجزیه‌طلبی در آذربایجان و غائله حزب جمهوری خلق مسلمان؛
- آشوب‌های تجزیه‌طلبانه ضدانقلاب در بلوچستان؛
- غائله تجزیه‌طلبانه فارس؛
- اقدامات تروریستی جند الشیطان (به اصطلاح جند الله) در جنوب شرق ایران؛
- اقدامات گروهک جیش الظلم (جیش العدل) در شرق کشور؛
- اقدامات تروریستی پژاک در غرب و شمال غرب کشور؛
- اقدامات گروهک الاحوازیه؛

برخی توطئه‌های چهل ساله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران:

- حمله عراق و اشغال خاک ایران؛
- تحریم تسلیحاتی ایران؛
- جنگ شیمیایی؛
- هجوم گروهک تروریستی منافقین؛
- جنگ نفتکش‌ها؛
- حمله به هواپیمای مسافربری ایران؛
- آرایش جنگی ۴۳ ساله علیه ایران؛
- تجاوز مکرر پرنده‌های جاسوسی؛



- تلاش برای محاصره دریایی ایران؛

- تقویت تروریسم تکفیری در منطقه؛

- حمله رژیم صهیونیستی به مستشاران ایرانی در سوریه؛

برخی توطئه‌های چهل ساله فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران:

- راه‌اندازی و تقویت کانون‌های ضد اخلاق و خانواده در بستر شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی؛

- تلاش برای نفوذ و تأثیرگذاری بر دستگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی؛

- توطئه در شبکه‌های اجتماعی؛

- توطئه از طریق بازی‌های رایانه‌ای؛

- امنیتی‌سازی تحولات فرهنگی؛

- تولید و ترویج روایات فرهنگی معاند؛

- تبلیغ و ترویج سبک زندگی اشرافی و غربی؛

- نفوذ فکری و فرهنگی در حوزه تعلیم و تربیت؛

- نفوذ در ساحت هنر؛

- ترویج ابتذال و اباحه‌گری؛

- گسترش مصرف مواد مخدر؛

- ترویج فساد و فحشا؛

...و



برخی توطئه‌های چهل‌ساله تفرقه‌افکنانه مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران:

- فعالیت جریان‌های سلفی و وهابی؛
- فعال کردن گسل‌های مذهبی از طریق ایجاد نحله‌ها در تشیع و اهل سنت.
- برخی توطئه‌های چهل‌ساله اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران:**
- بلوکه شدن دارایی‌های ایران؛
- تحریم کالاهای اساسی مورد نیاز؛
- ممانعت در روند همکاری‌های بانکی ایران با سایر کشورها؛
- جلوگیری از رشد اقتصادی و پیشرفت ایران با تحریم ارزی ایران؛
- اقناع کشورها و جلب مشارکت آن‌ها در تحریم ایران؛
- راه‌اندازی اتاق جنگ با هدف پیگیری لحظه به لحظه مبادلات ایران؛
- طراحی توطئه کاستن از سهم فروش نفت ایران؛
- مدیریت تحولات بازار نفت جهانی علیه ایران؛
- شوک ارزی در بازار مالی ایران با استفاده از اهرم دلار؛
- حمایت جبهه استکبار از حمله موشکی بعث عراق علیه زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی کشور؛
- جلوگیری از صدور نفت ایران و حدود ۲۸۰۰ بار حمله به جزیره خارک؛
- خروج سرمایه‌های ملی ایران با توطئه امریکا؛
- تخریب فضای صنعت داخلی ایران؛
- خراب‌کاری امریکا در کارخانه‌های صنعتی و کشاورزی کشور از طریق عوامل نفوذی؛
- فشار امریکا بر دیگر کشورها جهت ممانعت از معامله آن‌ها با ایران؛
- پروژه وابسته‌سازی اقتصادی ایران در صنایع؛



- ایجاد جنگ روانی با عنوان جنگ ارزی؛

- ایجاد جریان‌های نفوذی در حوزه‌های اقتصادی؛

- تضعیف موقعیت شرکت‌ها، مؤسسات و صنایع پیشرو ایران؛

- ایجاد تنش‌های شدید در بازار ارز ایران برای اخلال در بازار و قاچاق ارز؛

برخی توطئه‌های چهل‌ساله امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران:

ترور و انفجارات تروریستی

- بزرگ‌ترین حادثه تروریستی در قرن بیستم با شهادت ۷۲ نفر از مقامات ارشد نظام؛

- اقدام جبهه استکبار در بمب‌گذاری و ترور صدها تن از شخصیت‌های ارشد نظام؛

- گروه‌های مارکسیستی و اقدام به تحرکات مسلحانه علیه نظام؛

- شهادت حدود ۱۷۰۰۰ نفر، نتیجه اقدام شرورانه و تروریستی مجاهدین خلق و دیگر

گروهک‌های تروریستی؛

- کند کردن حرکت انقلاب اسلامی از طریق حذف نخبگان فکری و فرهنگی جریان‌ساز

اسلامی؛

- ترور اندیشمندان، متفکران و نخبگان حوزه‌های مختلف، به‌ویژه دانشمندان هسته‌ای؛

- ایجاد گروهک تروریستی انجمن پادشاهی ایران و بازوی ترور آن، یعنی تندر؛

- پرونده حزب منحل‌شده و چپ‌گرایان در ایران؛

- بیوتروریسم؛

کودتا

طراحی حدود هجده کودتا در ابتدای انقلاب، از جمله:

- کودتا علیه نظام جمهوری اسلامی و طراحی انفجار محل استقرار حضرت امام عجل‌الله‌فرجه؛

- کودتای نقاب (معروف به کودتای نوژه)؛

- کودتایی موسوم به نجات و یا کورتاژ (طبس).



جاسوسی

- تشکیل پایگاه‌های جاسوسی در نوار مرزی ایران؛
- جاسوسی از کارکنان سفارت ایران، کارگران و بازرگانان ایرانی در امارات؛
- «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی» و «بنیاد اوراسیا» در دوره دوم اصلاحات؛
- جیسون رضاییان؛
- اذعان سازمان سیا به جاسوسی مستمر از ایران؛
- ضربه زدن به فعالیت‌های هسته‌ای از طریق جاسوسی.

نفوذ امنیتی

- نفوذ از طریق لانه جاسوسی امریکا؛
- نفوذ عوامل استخبار در نهادهای حساس به منظور اثرگذاری و انحراف در مسیر انقلاب؛
- دستور بمباران محل سقوط هواپیماهایی در صحرای طبس توسط بنی‌صدر؛
- سید مهدی هاشمی و نفوذ در بیت آیت‌الله منتظری؛
- سال ۱۳۶۵ و ماجرای رابرت مک‌فارلین؛
- حملات سایبری.

ایجاد فتنه و آشوب

- قتل‌های زنجیره‌ای؛
- حمایت‌های بنیاد‌های امریکایی و صهیونیستی در دولت سازندگی و اصلاحات؛
- جریان فتنه‌های ۷۸، ۸۲، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی؛
- ایجاد فتنه ۸۸ با طرح موضوع دروغ بزرگ «تقلب»؛
- هجمه به جمهوریت و اسلامیت نظام در فتنه ۸۸؛
- نقش شورای به اصطلاح ملی ایرانیان امریکا در فتنه ۸۸؛



- مذاکرات و هماهنگی بین سران فتنه با جرج سوروس و شاه عربستان.

برخی توطئه‌های چهل ساله سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران:

- تصویب قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای امنیت؛
- تصویب قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛
- کنفرانس برلین و طرح براندازی نظام؛
- اختصاص بودجه‌های کلان جبهه استکبار جهت تقویت گروهک‌های محارب نظام و اپوزیسیون خارج از کشور؛
- انتخابات، ابزاری برای براندازی؛
- ایجاد شبهه و اخلال در روند انتخابات.

برخی توطئه‌های چهل ساله بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران:

برخی بحران‌ها برای ناامن کردن ایران

- حمایت سیاسی و اعطای اقامت به شاه مخلوع؛
- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس؛
- توطئه ایران کنترا؛
- کشتار حجاج بیت‌الله الحرام؛
- جلوگیری از احقاق حقوق ایران در جنگ تحمیلی؛
- عقد قراردادهای امنیتی نظامی با همسایگان ایران؛
- پرونده‌سازی علیه مسئولان جمهوری اسلامی ایران؛
- اعمال فشار به متحدان جمهوری اسلامی ایران؛
- ترور نخبگان خارجی علاقه‌مند به انقلاب اسلامی؛
- اعمال فشار بین‌المللی علیه برقراری امنیت داخلی در ایران؛
- منزوی سازی ایران در نهادهای بین‌المللی؛





- حمله به نمایندگی‌های ایران در کشورهای مختلف؛
- پرونده‌سازی علیه ایران با موضوع حقوق بشر؛
- پرونده‌سازی علیه ایران با موضوع انرژی هسته‌ای؛
- تحمیل ادوار مذاکرات هسته‌ای به ایران؛
- توسعه ایران هراسی غرب؛
- پشتیبانی بین‌المللی از گروه‌های تروریستی علیه ایران؛
- پشتیبانی بین‌المللی از گروه‌های سیاسی معاند انقلاب اسلامی؛
- تلاش برای واگرایی میان ایران و جنبش حماس؛
- حمایت از دولت‌های استبدادی منطقه علیه ایران؛
- ایجاد انحراف در بیداری اسلامی علیه ایران؛
- تحمیل برجام؛
- تلاش برای جلوگیری از قدرتمند شدن جمهوری اسلامی ایران؛
- فشار به جمهوری اسلامی ایران به بهانه تروریسم؛
- تلاش برای تحمیل معاهدات مالی با هدف نفوذ؛
- طرح معامله قرن علیه منافع منطقه‌ای ایران.

برخی بحران‌ها برای نام‌ن کردن منطقه

- جنگ لبنان در سال ۱۹۸۲؛
- حمله عراق به کویت؛
- جنگ بوسنی؛
- حمله آمریکا به افغانستان؛
- حمله آمریکا به عراق؛
- جنگ ۳۳ روزه؛

- جنگ ۲۲ روزه؛

- جنگ یمن؛

- ایجاد گروهک‌های تروریستی؛

- حمله گروه‌های تروریستی به سوریه و عراق؛

- جنگ قره‌باغ.

این‌ها بخشی از بحران‌های پیش روی نظام در طی چهل سال گذشته بود که توسط دشمنان قسم‌خورده این مردم بر انقلابشان تحمیل شد. اما در چنین شرایطی نه تنها کشتی نظام ساقط نشد، بلکه با وجود موانع بسیار، با سرعت بسیار در حرکت است. درست است که کسی ادعا نکرده و نمی‌کند که نظام به تمامی آرمان‌هایش رسیده و مشکلات را به صورت کامل حل کرده است، اما خدمات و دستاوردهای نظام نیز در این چهل سال بسیار زیاد و شگفت‌آور بوده است که در این کتاب به آن‌ها می‌پردازیم.

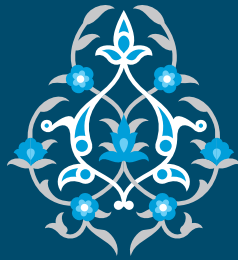


إِلَّا الْبَلَّغُ الْمَيِّتُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُدْخِلَنَّهُمْ مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي
شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

فصل چهارم

تاثیرگذاری انقلاب بر تحولات بین المللی^۱

۱. این فصل از کتب «گام تمدن ساز» و «دوگانه های سرنوشت ساز» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است.





آدم‌های بزرگ، نه تنها هدف‌های بزرگ دارند، بلکه اعمال صالح بزرگی هم دارند؛ یکی از این آدم‌های بزرگ، امام عزّه‌الله‌علیه بود، که دوست و دشمن به بزرگی او اعتراف دارد؛ اما بزرگترین عمل صالح امام خمینی عزّه‌الله‌علیه چیست؟ طبیعتاً بزرگترین عمل صالح امام خمینی عزّه‌الله‌علیه، نه نماز شب ایشان است و نه قرائت قرآنشان، بلکه بزرگترین عمل صالح امام، انقلاب اسلامی ایشان بود. چرا؟ چون این عمل صالح از جنس مقدمه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت است. نه فقط منجی ایران.

خداوند متعال در قرآن کریم فرمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱

یعنی خدا وعده داده است که مومنین و کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند را در زمین به خلافت و حکومت برساند همان‌طور این که این اتفاق قبلاً افتاده است. دین به عرصه حکمرانی جهانی راه پیدا کند، ترس آن‌ها تبدیل به امنیت شوند. عبودیت هم در چنین بستر حاکمیت الهی اتفاق می‌افتد.

آن عمل صالح بزرگ امام حجرتنا علیه السلام، باید آثار جهانی داشته باشد. چون به این هدف، این عمل صالح اتفاق افتاده است. اثر جهانی داشتن. پس ما باید خیلی درباره آثار جهانی انقلاب اسلامی فکر کنیم.

اگر ما بیشتر با این نگاه به انقلاب اسلامی می پرداختیم، شاید درک علت برخی مشکلات داخلی آسان تر می شد. چون بخشی از این آسیب ها نتیجه آن آثار جهانی انقلاب اسلامی است. وقتی شما آسیب های که به خاطر آثار جهانی انقلاب اسلامی را دیدی مثل تحریم شدن اما آن اثرگذاری های بزرگ انقلاب اسلامی بر جامعه جهانی را ندیدی، بعد تحمل تحریم سخت تر می شود، حتی راه حل پیدا کردن برای بی اثر کردن تحریم ها غیر ممکن به نظر می رسد.

گاهی اوقات ما آن قدر غرق مشکلات داخلی خودمان می شویم، از این آثار جهانی انقلاب اسلامی، غافل می شویم. وقتی غافل شدیم، قدرت تحمل و آستانه تحمل پذیری ما پایین می آید. چرا آمریکا ما را تهدید می کند؟ چرا آمریکا ما را تحریم می کند؟ اگر ما آثار جهانی نداشتیم؟ اگر در معادلات قدرت، آمریکا را به چالش نکشیده بودیم، آیا آمریکا ما را تهدید می کرد؟ تحریم می کرد؟

حادثه انقلاب اسلامی در دنیا

انقلاب اسلامی موازنه دنیا را تغییر داد و ایران را به کشوری قدرتمند تبدیل کرد. بسیاری از دانشمندان غربی به جنبه هایی از انقلاب اسلامی و نیز شخصیت امام خمینی حجرتنا علیه السلام اشاره کرده اند که حتی از نگاه اندیشمندان ایرانی نیز پنهان مانده یا کمتر بدان توجه کرده اند. به عنوان نمونه به چند مورد آن اشاره می کنیم:

الوین تافلر آینده پژوه آمریکایی که به عنوان یکی از مشهورترین آینده پژوهان

جهان یاد می‌شود، با توجه به پدیده انقلاب اسلامی و شخصیت اثرگذار امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌نویسد:

«این پرسش که کدام کشور بر قرن بیست و یکم مسلط خواهد شد، بازی هیجان‌انگیزی است. اما در واقع طرح این پرسش غلط است یا حداقل به شکل درستی مطرح نمی‌شود؛ زیرا بزرگ‌ترین تحول امور جهانی از پیدایش دولت ملی به این سو، یعنی ظهور گلا دیاتورهای جهانی را نادیده می‌گیرد. گروه جدیدی، خود را به صحنه جهانی پرتاب می‌کنند و بخش‌های قابل توجهی از اقتداری را که روزگاری تنها در کنترل کشورها بود به چنگ می‌آورند. وقتی آیت‌الله خمینی حکم اعدام سلمان رشدی را صادر کرد و کتاب آیات شیطانی اش را کفرآمیز اعلام نمود، برای همه حکومت‌های جهان، پیامی تاریخی فرستاد. این پیام فوراً از طریق ماهواره و تلویزیون و مطبوعات انتقال یافت، اما آن را کاملاً غلط فهمیدند.

می‌توان استدلال کرد که کتاب سلمان رشدی، لحن بدی داشت و از روی تعمد بسیاری از مسلمانان را رنجانده است و کل مذهب را به باد استهزا گرفته و قرآن را زیر پا گذاشته است. در واقع آیت‌الله خمینی همه اینها را گفته است. اما پیام واقعی او این نبود، بلکه آیت‌الله به جهان می‌گفت که دولت ملی (آمریکا)، دیگر تنها یا حتی مهم‌ترین بازیگر صحنه جهانی به شمار نمی‌آید.

آیت‌الله خمینی با ادعای چنین حقی و تهدید به اینکه با توسل به زور آن را اعمال خواهد کرد، به ناگهان بازیینی را از سطح مسئله‌ای داخلی به سطح موضوعی جهانی پرتاب کرد...»^۱

یرواند آبراهامیان^۲ تاریخ‌نگار مشهور ارمنی تبار در کتاب ایران بین دو انقلاب درباره انقلاب اسلامی ایران چنین می‌نویسد:



۱. الوین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، ۱۳۷۳، تهران: سیمرخ، چاپ پنجم، صص ۶۹۰ و ۶۹۱.

2. Ervand Abrahamian



در سده بیستم، دو انقلاب مهم (انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ - ۱۲۸۸) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) در ایران روی داده است. انقلاب نخست، شاهد پیروزی هرچند کوتاه روشنفکران مدرن بود. اما با انقلاب دوم، علمای سنتی به میدان آمدند؛ علمایی که از "دوران طلایی" اسلام الهام می‌گرفتند، پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند، محاکم شرع را جایگزین دادگاه‌های موجود کردند و مفاهیم غربی همچون دموکراسی را مورد انتقاد قرار دادند.

در واقع در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده بی‌همتایی است؛ زیرا نه یک گروه اجتماعی جدید مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی‌های غیر دینی، بلکه روحانیون سنتی مجهز به منبر و مدعی حق الهی در نظارت بر عملکرد همه مقامات غیرروحانی، حتی عالی‌ترین نهاد متشکل از نمایندگان منتخب ملت را به قدرت رساند...

درباره رهبری این انقلاب، یعنی آیت‌الله خمینی باید گفت دو عامل، نقش تعیین‌کننده و محبوبیت گسترده آیت‌الله خمینی را روشن می‌کند. عامل نخست شخصیت، به ویژه زندگی ساده آیت‌الله خمینی و خودداری او از سازش با حاکمیت فاسد زمان او بود. در کشوری که بیشتر سیاستمدارانش در آسایش و رفاه به سر می‌بردند، آیت‌الله خمینی زندگی ریاضت‌منشانه‌ای داشت و مانند توده مردم رفاه مادی چندانی نداشت. در جامعه‌ای که رهبران سیاسی آن، هزار چهره و اهل زد و بند و خویشاوند پرستی‌های اصلاح‌ناپذیری بودند، آیت‌الله خمینی سرسختانه هرگونه سازش را، رد می‌کرد، و همچون «مردان خدا» که نه در جست‌وجوی قدرت ظاهری، بلکه در پی اقتدار معنوی هستند، عمل می‌کرد.

دومین عامل تبیین‌کننده جایگاه برجسته آیت‌الله خمینی، هوشیاری او به ویژه در رهبری طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی است... در انتقاد از رژیم، بر مسائل و موضوعاتی انگشت می‌گذاشت که عامل نارضایتی همه جناح‌های مخالف بود، همانند: امتیازات داده شده به غرب، پیوند پنهانی و غیرمستقیم با اسرائیل، هزینه‌های بیهوده تسلیحاتی، فساد رایج



در میان بزرگان دولتی، رکود و نابسامانی در بخش کشاورزی، افزایش هزینه زندگی، کمبود مسکن و گسترش روزافزون حلیبی آبادها، شکاف فزاینده میان فقرا و ثروتمندان، سرکوب روزنامه‌ها و احزاب سیاسی، ایجاد دولت دیوان سالار حجیم و زیر پا گذاشتن قانون اساسی...^۱

جان. ال. اسپوزیتو^۲ استاد امور بین‌الملل و مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون درباره اهمیت انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد:

دوست و دشمن معتقدند انقلاب ایران، تأثیر بسزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. این انقلاب برای برخی، منبع الهام و انگیزش بوده است. ایران معاصر، نخستین دهه حیات خود را با دو هدف توأم "تهادینه کردن انقلاب" و "صدور آن" آغاز کرد. برای جمهوری نوپای اسلامی، قانونی اساسی فراهم آمد که یک حکومت پارلمانی انتخابی را تحت هدایت شرع اسلام پیش بینی کرده بود، و آیت الله خمینی مقام ولایت فقیه یافت. در نتیجه، تحول چشمگیری در جامعه ایران به وقوع پیوست. حکومت با در دست گرفتن بانکداری، بیمه، بازرگانی خارجی و صنایع عمده، بدهی‌های خارجی خود را پرداخت کرده، اقتصادی مستقل پدید آورده که کمتر به سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی وابسته است. انقلاب علاوه بر جنبه نظری، به صورت واقعی نیز تغییرات عمیقی در چشم انداز اجتماعی ایران پدید آورده است.

جمهوری اسلامی ایران، از نخستین روزهای حیات خود، هدف دوم (صدور انقلاب) را از ارکان سیاست خارجی خود اعلام کرده است. هیچ جنبه دیگری از انقلاب، این همه توجه رسانه‌ها را به خود جلب نکرده و ترس دولت‌های غربی و اسلامی را برنینگیخته است.

مبالغه نکرده‌ایم اگر بگوییم بدفهمی‌ها مانع آن شده است که غربی‌ها، به ویژه ایالات متحده، خط مشی‌های ایران را عموماً و بازتاب جهانی انقلاب

۱. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب. ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، ۱۳۹۱، تهران: نشر نی. چاپ نوزدهم، صص ۶۵۵، ۶۵۶ و ۶۶۲.

2. John Esposito



ایران را خصوصاً درک کنند. یکی از این بدفهمی‌های رایج این است که انقلاب ایران شدیداً شیعی و فرقه‌گرایانه است. اما این انقلاب از نخستین روزها، آگاهانه تصویری جهان‌شمول از خود ارائه داده و آرزوهایی جهان‌شمول در سر داشته‌است. مثلاً آیت‌الله خمینی تأکید داشت که انقلاب در اصول اسلامی ریشه دارد و به همه مظلومان جهان - چه شیعه و چه غیرشیعه - تعلق دارد. از این رهگذر از فردای پیروزی انقلاب، بسیاری از دانشجویان مسلمان، بدون توجه به وابستگی‌های فرقه‌ای خود، ایران را به چشم سرمشق خود دیدند. بدین ترتیب، دانشجویان سنی «الجماعه الاسلامیه» در دانشگاه قاهره اعلام کردند انقلاب مردم ایران، شایسته بررسی عمیق است تا از آن درس بگیریم، انگیزه کسب کنیم و از این سرمشق، بهره‌مند شویم. در حقیقت، هم نخبگان و هم عموم مردم این انقلاب را به ندرت یک پیروزی شیعی می‌شمردند. بسیاری از مسلمانان، آن را غلبه اسلام بر نیروهای اهریمنی و پیروزی جهان سوم بر امپریالیسم امریکامی دانستند.^۱

میشل فوکو، نامی آشنا برای بسیاری از ایرانیان است. «وی دو بار از ۲۵ شهریور تا ۲ مهر ۱۳۵۷ و ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۳۵۷ به ایران سفر کرد و در این سفرها، در تهران و قم و آبادان، با برخی از رهبران ملی و دینی و گروه‌های مختلفی که در انقلاب دست داشتند، ملاقات کرد. وی مجموعه مقالاتی را که در این دو سفر داشته، در کتابی به نام ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ منتشر کرده است.»

نفی رژیم پهلوی در ایران، پدیده‌ای است عظیم و اجتماعی؛ اما نه به این معنا که سردرگم و عاطفی باشد، یا به خود چندان آگاهی نداشته باشد؛ به عکس شیوه انتشارش بسیار کارآمد است. از اعتصاب‌ها به تظاهرات، از بازارها به دانشگاه‌ها، از تراکت‌ها به پیشگویی‌ها. و واسطه انتشارش هم بازاریان و روحانیان و کارگران و استادان و دانشجویان‌اند. در نظام سیاسی، این جنبش نه نظیری دارد و نه جلوه و تظاهری.

۱. جان. ال. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه: محسن مدیرشانه چی، ۱۳۸۸، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز). چاپ سوم، صص ۳۲۵-۳۲۷.



عجیب است که می بینیم این کشور پهناور که جمعیتش در حاشیه دو کویر بزرگ پراکنده است، این کشوری که سانسور و نبود آزادی عمومی، بند بر پایش نهاده است، با همه اینها، چنین وحدت شگفت انگیزی از خود نشان دهد و خواستی جمعی و کاملاً یگانه برای انقلابی بزرگ در آن شکل بگیرد. پزشک تهرانی و ملای شهرستانی، کارگر نفت و کارمند پُست و دانشجوی چادری همه یک اعتراض و یک خواست دارند. در این خواست چیزی هست که مایه تشویش خاطر است. همیشه صحبت از یک چیز است؛ یک چیز واحد و بسیار مشخص: شاه باید برود.

از اینجاست که نقش شخصیت آیت الله خمینی به افسانه پهلوی می زند. امروز هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی، حتی به پشتیبانی همه رسانه های کشورش نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند. خمینی چیزی نمی گوید، چیزی جز نه؛ نه به شاه، به رژیم و به وابستگی. خمینی آدم سیاسی نیست: حزبی به نام حزب خمینی و دولتی به نام دولت خمینی وجود ندارد. این یک دندگی ای که هیچ چیز سدّ راهش نمی شود در پی چیست؟ پایان وابستگی ای که در آن، پشت سر امریکایی ها می توان نوعی هماهنگی جهانی و "نظم جهانی" را دید؟ پایان وابستگی ای که دیکتاتوری، ابزار مستقیم آن است، اما بازی سیاست هم می تواند عامل غیرمستقیم آن باشد؛ و جنبش او جنبشی بود که هدفش، هم رهایی از استیلا خارجی و هم نجات از سیاست داخلی بود.^۱

مقام معظم رهبری دامت برکات در بیانیه گام دوم انقلاب می آورد:

انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه ای جدید «اسلام و استکبار» پدیده ای برجسته ای جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ای ملتهای زیر ستم و

۱. میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس، چاپ چهارم، صص ۶۵، ۶۳، ۸۰، ۷۰.



جریانهای آزادی خواه جهان و برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدراهی باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده‌ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان پذیر نمیشد.

پیروزی انقلاب به دلگرم شدن ملت‌های زیر ستم و عقب‌رانده شدن دشمنان انجامید و با قدرت روز افزون انقلاب، این موارد بیشتر به چشم می‌خورد.

الف) دلگرم شدن ملت‌های زیر ستم

شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی فلسطین می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل رحمته‌الله علیه و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیاء کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دیگر، مسلمانان جهان یتیم نیستند و نیروی عظیمی پدیدار شد که از آنها حمایت کرده و پیوسته پشتیبان و حامی حقیقی آنها بوده است. انقلاب اسلامی ایران این امید را در دل‌ها زنده ساخت که مسلمین می‌توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت و مجد دیرینه خود را باز یابند و دشمنان‌شان را شکست دهند^۱

شهید دکتر فتحی شقاقی، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین معتقد است:

انتفاضه یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی رحمته‌الله علیه در منطقه و به ویژه در فلسطین به وجود آورد. بنابراین، انتفاضه اسلامی، در سطوح مردمی به سوی افق اسلامی و شعارهای اسلامی پیش می‌رود، پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری صهیونیست‌ها از تمام راه‌حل‌های

دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم.

حجت الاسلام صمدی از بزرگان افغانستان می‌گوید:

وقتی در شب ۲۲ بهمن رادیو اسرائیل گفت: زلزله‌ای در ایران ایجاد شد که اسرائیل را در خطر انداخت ما را بسیار شاد کرد، هنوز بامداد بیست و دوم بهمن نشده بود که مردم افغانستان قیام مسلحانه کردند و از آن روز تا سه ماه بعد قدرت کمونیسم را در قسمتهایی از افغانستان درهم شکستند... وقتی شهید حاجی محمد عمر با شمشیر به کمونیستها حمله می‌کرد به زبان پشتو گفته بود: «شما فکر کرده بودید که خمینی کسی و یاری ندارد»^۱

ب) عقب‌نشینی غرب با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای قدرتمند و با نفوذ دنیاست تا جایی که پایگاه استنادی «امریکن اینترست» که زیر نظر فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز معروف ژاپنی الاصل آمریکایی است، می‌گوید: «ایران هفتمین قدرت بزرگ دنیا است».^۲

عقب‌نشینی‌های غرب بعد از مواضع رهبر معظم انقلاب

در گذار تاریخ در موارد بسیاری واکنش صریح رهبر ایران، طرف مقابل را ناچار به عقب‌نشینی کرده که نشان از نقش ایران در تحولات و اتفاقات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد که به برخی از نمونه‌های آنها اشاره می‌کنیم:

۱- عقب‌نشینی غرب در قضیه میکونوس پس از نهیب رهبر معظم انقلاب

در اواخر تابستان ۱۳۷۱، یک عملیات تروریستی در «رستوران میکونوس» در مرکز شهر برلین، با جوسازی رسانه‌های غربی، به بحرانی علیه ایران بدل شد.

۱. مجموعه مقالات چهارمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی علیه السلام، ص ۲۱۳.

2. <https://www.the-american-interest.com/2017/01/24/the-eight-great-powers-of-2017/>





به دنبال این حادثه، دادگاه برلین طی یک حکم مغرضانه و بدون استناد، ایران را مسئول مستقیم این تیراندازی خواند در حالی که هیچ سندی مبنی بر این محکومیت ارائه نکرد. به دنبال این جوسازی و به منظور تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی، ۱۲ کشور اروپایی سفرای خود را از ایران خارج کردند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، در یک واکنش صریح فرمودند:

در مرحله اول، سفیر آلمان را فعلاً تا مدتی نباید راه بدهند که به ایران بیاید. بقیه هم که می‌خواهند به عنوان یک حرکت به اصطلاح آشتی‌جویانه برگردند، مانعی ندارد. خودشان رفته‌اند، خودشان هم برمی‌گردند. دیدند که رفتنشان هیچ اهمیتی ندارد.^۱

پس از این سخنرانی کوبنده رهبر انقلاب، کشورهای غربی متوجه شکست خود شده و به این ناکامی اعتراف کردند.

«پیتز اشتراک» رهبر پارلمانی حزب سوسیال دموکرات آلمان، از جمله افرادی بود که به شکست توپخانه‌های غرب علیه ایران اعتراف کرد. وی تصمیم ایران مبنی بر عدم پذیرش سفیر آلمان را یک رسوایی بزرگ و شکست برای دولت آلمان خواند. سخنگوی سیاست خارجی حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز، اظهارات رهبر ایران مبنی بر نپذیرفتن سفیر آلمان را به مثابه "یک سیلی بر صورت کشورهای اروپایی" خواند. سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز این تصمیم دولت ایران را غیرمنتظره و شوک‌آور توصیف کرد.^۲

بهت و سردرگمی کشورهای اروپایی پس از اعلام موضع قاطع رهبر انقلاب، در صحنه سیاست جهانی بسیار نمود داشت. مطبوعات آلمان اذعان کردند که واکنش ایران موجب "بزرگ‌ترین آبروریزی برای اروپا" شد.

۱. بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۶/۲/۱۰.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2835>

۲. روزنامه کیهان، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۳.



راديو لندن، اين موضع‌گيري را يك پيروزي براي ملت ايران و يك ناکامي براي اروپا دانست. راديو آلمان نيز موضع‌گيري رهبر انقلاب را غافلگير کننده و هوشيارانه خواند. روزنامه "هانوفش الگماينه" هم در اين رابطه نوشت: «سياست آلمان در قبال سياست ايران با شکست روبرو شد و قضيه را واضح‌تر از ممانعت ورود سفير آلمان به تهران نمی‌شد ظاهر ساخت.» روزنامه "نويه راین سایتونگ" نيز در اين رابطه نوشت: «برای سياست پوسيده اتحاديه اروپا در قبال ايران، آبروريزی بزرگ‌تر از اين نبود.» "فرانکفورتر روندشاو" هم شرمساری کشورهای اروپايی را تنها نتيجه دادگاه ميکونوس دانست.^۱

اما شکست بزرگ‌تر کشورهای غربی زمانی بود که آن‌ها تصميم گرفتند به منظور کاستن از رسوایی ماجرای ميکونوس، سفرای خود را به تهران بازگردانند، از اين رو در ۲۳ آبان ۱۳۷۶ سفيران کشورهای اتحاديه اروپا که در پی بحران ميکونوس از ايران خارج شده بودند، به تهران بازگشتند.

بدین ترتیب بار ديگر، غرب به سردمداری امريکا، شکست سختی در برابر ملت ايران متحمل شد؛ شکستی که برای آن‌ها خفت بار بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۶ مرداد ۱۳۹۰ بار ديگر شکست حقارت بار غرب در ماجرای ميکونوس را يادآور شده و آن را "سیلی سخت" ملت ايران به اروپائیان تعبیر کردند: «سر قضيه قهوه‌خانه ميکونوس دادگاه تشکيل داد، مسئولین درجه یک کشور را در آن دادگاه متهم کرد! دولت‌های اروپائی با آنها همدست شدند، همه‌شان سفرای خود را از تهران فراخوانی کردند؛ اينها که يادمان نرفته. خواستند سیلی بزنند، البته سیلی سخت‌تری خوردند. از همین حسينيه آنچنان سیلی‌ای خوردند که بعد تا مدت‌ها دنبال علاجش بودند...»^۲

۱. روزنامه کیهان، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۳.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ايران، ۱۳۹۰/۵/۱۶.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16889>



۲- شکست سیاست غرب پس از موضع‌گیری رهبر معظم انقلاب درباره مسائل هسته‌ای

یکی از مسائلی که موضع‌گیری‌های صریح رهبر معظم انقلاب، باعث عقب‌نشینی کشورهای غربی شده است، مسئله هسته‌ای است. موضع‌گیری‌های ایشان در طی ۱۳ سال مناقشه هسته‌ای کشورمان با کشورهای گروه غرب، به‌عنوان خط قرمزهای راهبردی، پشتوانه محکمی برای تیم مذاکره‌کننده محسوب می‌شد. این در حالی بود که هدف اصلی غرب توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران بود.

به‌عنوان مثال، بنیامین نتانیاهو گفت:

ما متعهدیم هر کاری که می‌توانیم باید برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران انجام دهیم.

اما رهبری انقلاب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بر سر موضع خود کاملاً مقتدرانه ایستادگی کرده و اجازه تعطیلی برنامه هسته‌ای را ندادند و امروز ایران بیش از هر دورانی به فناوری‌های هسته‌ای دست یافته است

به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال»، نیکلاس برنز که در دوره دوم ریاست جمهوری جورج بوش، مسئولیت رسیدگی به مسائل هسته‌ای ایران را برعهده داشت، گفت: «به صفر رساندن روند غنی‌سازی در ایران در سال‌های قبل که ایران فقط چند صد دستگاه سانتریفیوژ داشت، امکان‌پذیر بود اما این کار در حال حاضر که تهران ۱۹ هزار دستگاه غنی‌سازی دارد، غیرممکن است. غرب در متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران ناکام بوده است»^۱.

۳- ترس غرب پس از ترسیم خطوط قرمز موشکی ایران توسط رهبر معظم انقلاب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به تحریم‌های تسلیحاتی و تهدیدات مداوم بر کشورمان، اتکا به همین موشکی، از جایگاه ویژه‌ای در دکترین دفاعی ایران برخوردار بود؛ به همین

1. <http://qudsonline.ir/news/297022/>

دلیل مستکبران غربی، به مدل‌های مختلف، در تلاش برای اعمال محدودیت در توانایی‌های موشکی ایران بودند. به عنوان مثال جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید، ساعتی پس از پایان بی نتیجه مذاکرات وین ۴ اعلام کرد:

موشک‌های بالستیک جزء مباحثی هستند که لازم است بخشی از توافق جامع درباره این چالش‌ها و اختلاف باشند.

در چنین فضایی بود که مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند:

همان‌طور که قبلاً بارها اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام میکنیم، امکانات و قدرت دفاعی کشور قابل مذاکره و چانه‌زنی نیست و درخصوص ابزارهای دفاعی کشور و هر آنچه اقتدار ملی را تأمین یا پشتیبانی میکند، هیچ‌گونه چانه‌زنی و معامله‌ای با دشمن نداریم و راه اقتدار را با قوت به پیش خواهیم برد. با تأکید رهبری معظم علیه السلام، این موضوع در مذاکرات هسته‌ای هم بارها از سوی مقامات کشورمان، به عنوان خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران اعلام شد.^۱

در پی این هشدار، دشمن مجبور به عقب‌نشینی شده و برنامه موشکی ایران را از مذاکرات حذف کرد.

۴- هشدار ولی امر مسلمین جهان به اسرائیل در مورد تهاجم نظامی به ایران و عقب‌نشینی اسرائیل

در هفته‌های پایانی سال ۱۳۹۱، سران رژیم صهیونیستی تحت تأثیر حمایت کاخ سفید، در ادامه تهمت‌های بی‌اساس درباره برنامه هسته‌ای - نظامی ایران، بارها جمهوری اسلامی را به حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای تهدید می‌کردند.



۱. حضور و سخنرانی فرمانده کل قوا در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۶/۸/۳.

به دنبال این تهدیدهای بی پایه رژیم اشغال‌گر قدس مبنی بر حمله نظامی به ایران، رهبر انقلاب علیه‌السلام در یک سخنرانی در نوروز ۱۳۹۲ در مشهد مقدس، فرمودند:

رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید. گاهی سردمداران رژیم صهیونیستی، ما را تهدید هم می‌کنند؛ تهدید به حمله نظامی می‌کنند؛ اما به نظرم، خودشان هم می‌دانند و اگر نمی‌دانند، بدانند که اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد!^۱

یک روز پس از این سخنرانی، باراک اوباما با یک عقب‌نشینی مشهود اعلام کرد که:

«هنوز فرصت برای حل‌وفصل دیپلماتیک بحران هسته‌ای ایران باقی است... بهترین راه در مقابل ایران دیپلماسی است و ما به فشارها بدون در نظر گرفتن راه حل نظامی ادامه می‌دهیم.»

۵- عقب‌نشینی غرب از موضع بازرسی از مراکز نظامی پس از نهب رهبر معظم انقلاب اسلامی

در کشاکش مذاکرات هسته‌ای، طرف غربی که بی‌جهت به دنبال طولانی شدن روند مذاکرات بود، در درخواستی نامعقول خواهان نظارت بر مراکز نظامی ایران شد. به دنبال این درخواست غیرمنطقی غرب، رهبر معظم انقلاب اسلامی بازدید از مراکز نظامی و مصاحبه با دانشمندان ایرانی را اوج توطئه غرب دانسته و فرمودند:

... این اجازه مطلقاً داده نخواهد شد؛ این را هم دشمنان بدانند، هم کسانی که منتظرند ببینند تصمیم نظام جمهوری اسلامی چه می‌شود، بدانند.^۲



۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233>

۲. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۹۴/۲/۲۰.

مدتی پس از این تأکید قاطع مقام معظم رهبری دامت برکاته در مورد عدم صدور اجازه به نظارت بر مراکز نظامی ایران از سوی غرب، پایگاه صهیونیستی دبکا گزارش داد:

آمریکا با عقب‌نشینی از مفهوم هر وقت و مکان موافقت کرد. در صورتی که بازرسان بین‌المللی خواستار بازدید از یک مرکز هسته‌ای ایرانی باشند، باید این مسئله را به اطلاع کمیته مشترک ایرانی-آمریکایی برسانند و این کمیته نیز آن را مورد بررسی قرار دهد. مسئله‌ای که عملاً به معنای شکل‌گیری پروسه‌ای چند ماهه برای انجام آن است، زیرا انجام بازدید منوط به رأی و نظر کمیته است که صلاحیت رد این درخواست را هم دارد.

به نظر شما کدام کارشناس سیاسی که ملّی‌گراترین کارشناس سیاسی ایران هم باشد، می‌توانست چنین مقتدرانه و با غیرت، مقابل زیاده‌خواهی‌های مستکبرین آمریکایی و غربی بایستد؟! اصلاً آیا کسی جرأت بیان چنین مواضعی را داشت؟!

۶- عقب‌نشینی غرب در پی موضع مقتدر رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره سوریه

از ابتدای سال ۲۰۱۱، آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم همواره و به طور جدی تهدید به حضور نظامی در خاک سوریه می‌کرد، تا اینکه در تابستان همین سال، اوپاما با قاطعیت اعلام کرد که زمان آن رسیده که اسد برکنار شود.

و باز می‌بینید که رهبر هوشمند و حکیم انقلاب در فروردین ۱۳۹۲، در پیامی که توسط وزیر خارجه وقت، آقای صالحی، به رئیس‌جمهور سوریه فرستاده شد تأکید کردند که ایران با قدرت از فشار اسد و سوریه حمایت می‌کند.^۱

این پیام همبستگی و پشتیبانی فراگیر و نامحدود سیاسی، نظامی و اقتصادی حمایت ایران را از سوریه، رهبری و ملت آن در برابر تکفیری‌ها، تروریست‌ها،





اسرائیل، آمریکا و تمام کسانی که قصد تعدی به این کشور را دارند تاکید می‌کرد. رهبر انقلاب همچنین با تشبیه منطقه به انبار باروت، هرگونه دخالت آمریکا را به زیان این کشور دانستند.

حال بعد از گذشت سال‌ها از آن ماجرا تدبیر و قدرت رهبر ایران بر همگان آشکار شد.

۷- عقب‌نشینی فوری آمریکا از تهدید نظامی پس از نهیب رهبر معظم انقلاب

در اردیبهشت ۱۳۹۴، جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا و جان کری، وزیر خارجه این کشور، در یک اظهار نظر به مطرح بودن همه گزینه‌ها برای مقابله با ایران اشاره کردند. اما مقام معظم رهبری رحمته‌الله بسیار حکیمانه و قاطعانه، ضمن یک سخنرانی در پاسخ به سخنان تهدیدآمیز آمریکا فرمودند:

دشمن تهدید می‌کند؛ همین چندروزه، دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند. ملت ایران مذاکره زیر سایه تهدید را بر نمی‌تابد. چرا تهدید می‌کنند؟ چرا غلط زیادی می‌کنند؟ می‌گویند اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله نظامی به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می‌کنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا (آن وقت هم تهدید می‌کردند) گفتم دوران بزنی در رو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهای تان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد!

ساعاتی بعد از سخنان قاطع مقام معظم رهبری رحمته‌الله، جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید، به میان خبرنگاران آمد و تهدیدات نظامی مقامات آمریکایی را پس گرفت. وی همچنین افزود:

من منعکس‌کننده دیدگاه رئیس‌جمهور آمریکا هستم و بهترین راه برای ما این است که مشغول دیپلماسی با ایران شویم.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۹۴/۲/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29639>

۲. <http://fna.ir/f0o65h>

۸- عقب‌نشینی عربستان پس از نهبی‌مقام معظم رهبری دامت برکاته

مراسم حج سال ۱۳۹۴، که ابتدا با سقوط جرثقیل در مسجدالحرام و شهادت ۱۰۷ تن از مسلمانان آغاز شد، در روز عید قربان به یک فاجعه دیگر انجامید، به گونه‌ای که در صحرای منا بر اثر سوءمدیریت حکام آل سعود، بیش از پنج هزار نفر از مسلمانان که ۴۶۵ تن از آنان ایرانی بودند، به شهادت رسیدند. به دنبال این ماجرا رسیدگی به اوضاع حجاج ایرانی در دستور کار مسئولان ایرانی قرار گرفت، اما با کارشکنی و عدم همکاری مقامات عربستانی مواجه شد.

در حالی که سران حکومت ریاض بنای ناسازگاری با ایران را داشته و مسئولیتی در قبال شهدا نمی‌پذیرفتند، واکنش صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی، آنان را به خود آورد. ایشان طی صحبت‌های خود در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه علوم دریایی امام خمینی رحمته‌الله علیه، مسئولین سعودی را مورد عتاب قرار داده و فرمودند:

مسئولین کشور عربستان به وظایفشان عمل نمی‌کنند، بلکه در مواردی نقطه مقابل وظایفشان عمل می‌کنند، موذی‌گری می‌کنند. اگر کشور ما و ملت ما بخواهد در مقابل عناصر اذیت‌کننده و موذی عکس‌العمل نشان بدهد، اوضاع آن‌ها خوب نخواهد بود. ما تا حالا خویشتن‌داری کردیم. در قضایای متعددی خویشتن‌داری کردیم. دست ایران اسلامی از خیلی‌ها بازتر است. توانایی‌های ما، امکانات ما، از خیلی‌ها بیشتر است. می‌دانند که اگر بخواهند هم‌واردی کنند با نظام جمهوری اسلامی، در هیچ صحنه‌ای حریف نمی‌شوند. ما رعایت ادب اسلامی، رعایت حرمت برادری در امت اسلامی را نگه داشتیم. ما می‌توانیم عکس‌العمل نشان بدهیم. اگر بنا شد عکس‌العمل نشان بدهیم، عکس‌العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود^۱.

بلافاصله بعد از نهبی‌مقام رهبر انقلاب دامت برکاته، مقامات رژیم سعودی که هیچ‌گونه



۱. بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر، ۹۴/۷/۸.

مسئولیتی را در قبال فاجعه منا نمی‌پذیرفتند، در یک عقب‌نشینی آشکار، با وزیر بهداشت ایران دیدار کردند. در این دیدار خالد فالح به عنوان نماینده آل سعود تصریح کرد که مراقبت از مجروحان و شناسایی هویت قربانیان در دستور کار ریاض قرار خواهد گرفت. مسئولان سعودی، همچنین پیام تسلیت ملک سلمان را به آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تقدیم کرده و تصریح کردند که ریاض آمادگی هرگونه همکاری به منظور تحویل پیکر جانباختگان ایران را دارد. آقای اوحدی، رئیس وقت سازمان حج و زیارت خاطره‌جالبی از این ماجرا نقل می‌کند

نخستین جلسه هیئت ایرانی به ریاست وزیر بهداشت با هیئت عربستانی، دقیقاً همزمان با سخنرانی رهبر انقلاب در خصوص فاجعه غم بار منا برگزار شد و در ابتدای جلسه رفتار هیئت عربستانی بسیار زننده بود. حتی اعلام کردند که رئیس هیئت عربستانی، جلسه دیگری در ریاض دارد و در جلسه با ما شرکت نمی‌کند. هیئت عربستانی در این جلسه ادعا می‌کرد که برای انتقال پیکرها تابوت نداریم و پنج هزار قبر آماده کردیم تا پیکرها دفن شوند و در این زمینه به ما اجازه نمی‌دادند. در همین حین پیامکی با این محتوا «می‌توانیم عکس‌العمل نشان دهیم و عکس‌العمل ما سخت و خشن خواهد بود» که سخنان رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام بود برای آقای قشقاوی، معاون کنسولی وزارت خارجه آمد. تلفن همراه آقای قشقاوی بین اعضای هیئت ایرانی دست به دست چرخید و همه ما از آن اطلاع پیدا کردیم. در حالی که به این فکر بودیم که روند جلسه را چگونه ادامه دهیم، ناگهان در باز شد و یک نفر برگه‌ای را به داخل آورد و رو به روی نماینده هیئت عربستانی گذاشت و چهره اعضای هیئت عربستانی با دیدن آن متعجب شد و رفتار آنان به سرعت تغییر کرد؛ ما هم متوجه شدیم فرمایشات رهبر معظم انقلاب به آنان رسیده است.

در پایان جلسه هنگامی که هیئت ایرانی در حال خارج شدن بود، نماینده عربستان به سرعت خود را به من رساند و گفت وزیر بهداشت عربستان با



هوایم‌ای اختصاصی برای دیدار با شما به مکه خواهد آمد و این جلسه شب برگزار می‌شود. در جلسه‌ای که ساعت ۸ شب برگزار شد، عربستان اعلام کرد که تمام تمهیدات لازم برای انتقال پیکرهای ایرانیان فراهم است و در ساعت یک بامداد گفتند که تشریفات قانونی برای ایرانیان لغو شده است...^۱

کدام مقام سیاسی در چهل سال گذشته قدرت چنین برخوردی داشته است؟
کدام رهبر دنیا دارای چنین قدرتی است!؟

یکی از نکات مهمی که متأسفانه بسیاری به آن توجه ندارند، جایگاه، شخصیت، اقتدار و رتبه علمی و مدیریتی شخص اول مملکت است.

این جاذبه تا جایی است که کوفی عنان، دبیرکل اسبق سازمان ملل، در مورد شخصیت رهبر انقلاب علیه‌السلام می‌گوید:

«در دوران نوجوانی در مورد شخصیت‌های کاریزما مطالعه می‌کردم و همیشه این سؤال برایم مطرح بود که اگر زمانی روبروی یک شخصیت کاریزما قرار گیرم چه عکس‌العملی خواهم داشت... کسانی که مرا به سازمان ملل آوردند، شخصیت‌های برجسته دنیا بودند و من به آن‌ها علاقه‌مند بودم و هر کدام مثل ژاک شیراک، برای من امتیازاتی داشتند. من به شدت تحت تأثیر ژاک شیراک بودم. طوری که وقتی صحبت می‌کرد بدون مکث حرف‌هایی صریح می‌زد. «گورباچف» و «هلموت کهل» هم همین‌طور بودند. این‌ها کسانی بودند که نیاز به مکث نداشتند. من این‌ها را دوست داشتم... در ملاقات با آیت‌الله خامنه‌ای احساس کردم که کسی را مثل او ندیده‌ام. شخصیت معنوی ایشان چنان مرا گرفت که از خود پرسیدم چرا شخصیتی مثل من دبیرکل سازمان ملل باشد و از معنویات چیزی نداشته باشد؟ با دیدن آقای خامنه‌ای آن شخصیت‌هایی که مرا جلب کرده بودند فراموش کردم و تحت تأثیر شخصیت معنوی ایشان قرار گرفتم. من شخصیت‌های معنوی در دنیا زیاد دیده بودم، ولی هیچ‌یک، از مسائل سیاسی اطلاع نداشتند. با دیدن آقای خامنه‌ای اوج قداست آن



1. <https://irdc.ir/fa/news/4568>

شخصیت‌های سیاسی از ذهن من پاک شد. تعجب می‌کنم ایران با چنین شخصیتی چرا در بعضی جاها می‌لنگد. بعید می‌دانم به سازمان ملل هم که بروم شخصیت ایشان از ذهن من پاک شود.»^۱

علی محمد بشارتی وزیر وقت کشور می‌گوید:

«بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، از سوی کشورهای قدرتمند دنیا بر ایران فشارهای زیادی وارد می‌شد تا ما قطعنامه را بپذیریم. در همان ایام، خاویر پرز دکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، برای رایزنی‌های لازم به ایران آمد. یکی از برنامه‌های وی، ملاقات با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود. در آن زمان «آقا» رئیس‌جمهور بودند. پس از ملاقات، دکوئیاری گفت: «من از چند دانشگاه معتبر دنیا مدرک دکترای علوم سیاسی دارم و بیش از سی سال است که کار سیاسی می‌کنم و ۱۰ سال است که دبیرکل سازمان ملل هستم. در این مدت، کمتر شخصیت سیاسی و رئیس‌جمهوری هست که وی را ندیده و با او گفت‌وگو نکرده باشم، ولی تا کنون شخصیتی سیاست‌مدارتر و هوشمندتر از رئیس‌جمهور شما ندیده‌ام!»^۲



۱. جلوه آفتاب، علی احمدی خواه، ص ۱۳۴.

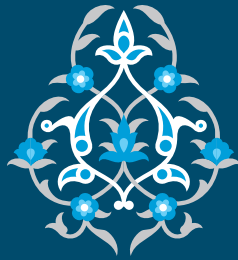
۲. جلوه آفتاب، علی احمدی خواه، ص ۱۳۴.

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ
إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ

فصل پنجم

افول دشمن^۱

۱. این فصل از کتاب «جهاد امید آفرین» اثر حجت الاسلام راجی استخراج شده است.





یکی از میدان‌های جهاد تبیین، تبیین این واقعیت در جامعه است که دشمن در حال فروپاشی و افول است. قدرت خودش را دائماً از دست می‌دهد. این واقعیت برای خیلی از افراد جامعه، هنوز روشن نشده است. در طراحی خدا، برای نظام هستی، هرچقدر که زمان پیش می‌رود، باطل جان خودش را بیشتر از دست می‌دهد. این باطل، می‌تواند نظام‌ها و ساختارهای ناکارآمد برآمده از حکمرانی طواغیت در عالم باشد.

امروز هزاران مقاله درباره افول قدرت آمریکا از طرف طرفداران و نظریه پردازان غربی و آمریکایی نوشته شده است که خودشان در اثر تجربه به این واقعیت رسیده‌اند که در حال از دست دادن قدرت خودشان هستند. خداوند متعال در قرآن کریم به این حقیقت روشن اشاره دارد. می‌فرماید:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾^۱

حق که بیاید، باطل نابود می‌شود

بعد از آن خداوند یک قاعده کلی را بیان می‌کند:

﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۲

باطل همیشه در حال نابود شدن و مردنی است.

۱. اسراء، ۸۱.

۲. همان.



اما چرا خیلی‌ها باور ندارند که این نظام سلطه، نابود شدنی است، از نظر علمی و تجربه عینی، این واقعیت را نمی‌توانند ببینند؛ دو تا مانع بزرگ وجود دارد؟ یکی اینکه نظام سلطه، خودش را با تبلیغات بزرگ و قوی جلوه می‌دهد. صنعت هالیوود اصلاً برای همین ساخته شده است که ذهن مردم را از دست ندهد. وگرنه واقعیت‌های میدانی از افغانستان تا عراق، با ما حرف دیگری می‌زند.

الان در جامعه ما چند نفر این مطلب برایشان روشن است که دیگر آمریکا ابرقدرت نیست؟ بعد از چهل سال ما نتوانستیم همین یک آیه را جا بیندازیم. امید مردم از آنجا به اینجا برگردد. خدا می‌فرماید خاصیت باطل این است که مردنی است. من باطل را مردنی خلق کرده‌ام.

دومین مانع، برای باور افول آمریکا، و اساساً باطل، کسانی هستند که باطل را بزک می‌کنند. غرب‌پرستانی که نمی‌توانند افول باطل را ببینند. این واقعیت بزرگ را نادیده می‌گیرند. برای تبیین افول دشمن، باید جهاد کرد.

یکی از مظاهر امیدآفرینی، توجه به افول دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی است.

بسیار مناسب است سرگذشت بزرگ‌ترین دشمنان ملت ایران را در این قرن بررسی کنیم و ببینیم قدرت آنان در ابتدای قرن ۱۴ و نیمه اول آن چگونه بود و امروزه در ابتدای قرن ۱۵ به کجا رسیده است. آیا دشمنان قسم خورده ایران، قوی‌تر شده‌اند یا ضعیف‌تر؟

الف) انگلیس

ریشه‌دارترین دشمن ملت ایران کشور انگلیس بود. کشوری که پس از انقلاب صنعتی و اواخر دوره استعمار، گستره مستعمرات آن از شرق تا غرب جهان را شامل می‌شد. امپراتوری بریتانیا در این دوران، به وسیع‌ترین امپراتوری تاریخ تبدیل شده بود و برای بیش از یک قرن، ابرقدرت مطلق جهان به شمار

می‌رفت. مساحت نواحی تحت حکومت امپراتوری بریتانیا در سال ۱۹۲۲ میلادی، به بیش از ۳۳ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن به بیش از ۴۵۰ میلیون نفر رسید؛ یعنی ۲۲/۶ درصد از خاک جهان و ۲۰ درصد از جمعیت جهان! بدین ترتیب، امپراتوری بریتانیا بر حدود یک چهارم از خشکی‌های کره زمین و یک پنجم جمعیت جهان در آن دوران تسلط داشت. سرزمین‌های تحت فرمان این امپراتوری در سراسر جهان پراکنده بود و گفته می‌شد که: «خورشید هیچ‌گاه در امپراتوری بریتانیا غروب نمی‌کند!» بریتانیا تقریباً تمامی مسیرهای بازرگانی جهان را کنترل می‌کرد و درعین حال، ارتشی شکست‌ناپذیر و بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان را در اختیار داشت.



چنین ابر قدرتی از به وجود آوردن بزرگ‌ترین و وحشتناک‌ترین قحطی و شیوع وبا در ایران، تا گذاشتن رضاشاه و پس از آن برداشتن او و قرارداد ناپلئون در ۱۳۰۱، تا کمک‌های بسیار به رژیم بعث عراق برای چپاول کردن سرمایه‌های این سرزمین و کشتن مردمان بی‌پناه آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد.

اگر بخواهیم فقط برخی از جنایات انگلیس در حق مردم ایران را در ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال اخیر بیان کنیم، خود کتابی قطور خواهد شد که ما فقط به چند تیترا اشاره می‌کنیم:

۱. جدا کردن افغانستان از ایران در سال ۱۸۵۷ میلادی بر اساس پیمان پاریس؛
۲. تحمیل قرارداد رویتر (۱۸۷۲م) که بر اساس آن، ایران به مدت ۷۰ سال کاملاً به انگلستان فروخته شد؛
۳. ایجاد فرقه‌های ضاله بابیت و بهائیت به قصد انحطاط مذهبی در ایران و در نتیجه به انحراف کشیده شدن هزاران ایرانی؛
۴. تجزیه و تقسیم بلوچستان ایران در سال ۱۸۸۷ میلادی به منظور امنیت بخشیدن به سرحدات هند و به عنوان کمربند دفاعی جنوب غربی هند که مستعمره انگلیس به شمار می‌رفت؛



۵. نقش تاریخی انگلیس در ترویج مواد مخدر در ایران که از سوی «برادران شرلی» در دوره صفویه دنبال گرفته شد و دیری نپایید که تریاک به عنوان یک داروی خانگی جای خود را در میان ایرانیان باز کرد و پس از مدتی دولت انگلیس اعلام کرد که سوخته تریاک را با قیمت مناسب از افرادی که از این ماده استفاده می‌کنند می‌خرد و در نهایت نیز قرارداد تالبوت (انحصار توتون و تنباکو) به ایران تحمیل گردید؛

۶. تحمیل قرارداد لاتاری (تأسیس قمارخانه) به ایران از سوی میرزا ملکم‌خان؛

۷. تحمیل قرارداد داری به ایران برای اکتشافات، استخراج و غارت منابع نفتی در سال ۱۹۰۱ میلادی؛

۸. به انحراف کشاندن انقلاب مشروطیت و زمینه‌چینی برای اعدام آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری؛

۹. تحمیل قرارداد ۱۹۰۷ میلادی که بر اساس آن ایران بین انگلستان و روسیه تقسیم شد؛

۱۰. قحطی بزرگ‌سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ میلادی که بی‌تردید بزرگ‌ترین فاجعه در تاریخ ایران است و ناشی از سیاست‌های بازرگانی و مالی بریتانیا بود. طی این قحطی بین ۲ تا ۱۰ میلیون نفر، یعنی نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ایران به کام مرگ رفتند و در این قحطی تلف شدند و انگلیسی‌ها که در آن زمان ایران را اشغال کرده بودند، نه تنها برای کاستن از شدت قحطی کاری انجام ندادند، بلکه با خرید گسترده غله و مواد غذایی در ایران، وارد نکردن غذا از هند و بین‌النهرین، ممانعت از ورود غذا از ایالات متحده و اتخاذ سیاست‌های مالی (از جمله نپرداختن درآمدهای نفتی به ایران)، قحطی را شدت بخشیدند و عامل اصلی تشدید و طولانی شدن قحطی‌ای شدند که منجر به مرگ میلیون‌ها ایرانی شد؛

۱۱. تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ که بر اساس آن شمال ایران نیز زیر سلطه انگلستان قرار گرفت؛

۱۲. زمینه‌چینی، حمایت و پشتیبانی از کودتای رضاخان از طریق سید ضیاءالدین

طباطبایی، روزنامه نگاری که عامل سفارت بریتانیا در تهران بود؛

۱۳. خلع رضاشاه و روی کار آوردن فرزندش؛

۱۴. نقش مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش (۱۹۵۳ م) برای همراهی با آمریکا؛

۱۵. نقش مستقیم در جدایی کل سرزمین های جنوبی خلیج فارس که در ۱۹۷۱ میلادی به جدایی کامل بحرین انجامید؛

۱۶. مانع تراشی در راه تشکیل حکومت جمهوری در ایران طی سال های حکومت محمدرضا شاه؛

۱۷. همراهی با آمریکا در سرکوب انقلاب اسلامی ملت ایران؛

۱۸. ارتباط، آموزش و پشتیبانی ساواک توسط ایتلیجنت سرویس انگلیس که منجر به سرکوب، شهادت و مجروحیت تعداد زیادی از فعالان مبارزه علیه رژیم ستم شاهی شد؛

۱۹. سرقت اشیای عتیقه ایران، پشتیبانی از غارتگران میراث ملی ایرانیان و نگهداری آن ها در موزه های بریتانیا و فروش برخی دیگر در حراجی معروف لندن، نظیر ستون های باارزش تخت جمشید، منشور کوروش و نیز هزاران لوح، کتیبه و منشور به جای مانده از تمدن ایران باستان؛

۲۰. تحریک گروهک ها و قومیت ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نظیر خلق عرب، کومله، پان ترکیسم، جندالشیطان و...؛

۲۱. کمک های سیاسی، تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم بعثی عراق برای حمله به ایران و ادامه این پشتیبانی ها در طول ۸ سال جنگ؛

۲۲. حمایت بی پرده و مستمر از اشخاص، گروهک ها و براندازان جمهوری اسلامی نظیر بنی صدر، منافقین، ملی مذهبی ها و...؛

۲۳. برنامه ریزی، حمایت و هدایت تحریم های بین المللی علیه ملت ایران؛

۲۴. فضا سازی های مستمر رسانه ای با به کار گرفتن بنگاه های سخن پراکنی نظیر بی بی سی؛





۲۵. آموزش، تجهیز و پشتیبانی از بمب‌گذاری و دیگر اقدامات تروریستی؛

اما انگلیس امروز هیچ تناسبی با «بریتانیای کبیر» آن سال‌ها ندارد و لندن که زمانی تنها با یک اشاره سفیر خود، وزیر و نخست‌وزیر در کشورهای مختلف را جابه‌جا می‌کرد، در شرایط کنونی به دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و ضعف شدید نظامی، قادر به نقش‌آفرینی گذشته خود نیست و یکی از دلایل اصلی نقش دست پایین این جزیره در تحولات اخیر منطقه خلیج فارس، همین افول همه‌جانبه قدرت آن است. عدم قدرت انگلیس به جایی رسیده است که حتی اندک کشورهای کوچک و چندین جزیره‌ای که مستعمره انگلیس بوده اعلام استقلال کرده‌اند، به طوری که چندی پیش کشور باربادوس هم به طور رسمی استقلال خود را اعلام کرده و از زیر سلطه ملکه انگلیس خارج شد.^۱ به راستی «آفتاب در امپراطوری ملکه غروب کرده است» و دیگر نمی‌توانند مثل سابق در پهنه دریاها جولان دهند و انتظار داشته باشند کسی کاری به کار آن‌ها نداشته باشد.

ب) شوروی

یکی دیگر از بزرگ‌ترین دشمنان انقلاب و ملت ایران شوروی بود. کشوری که در طول حدود ۱۵۰ سال بخش عظیمی از خاک ایران را از ایران جدا کرد. کشوری که بعد از انقلاب با وجود دشمنی با آمریکا، برای نابودی جمهوری اسلامی با آمریکا متحد شد و همه‌جانبه از صدام، برای نابودی مردم ایران حمایت کرد.

با آغاز هجوم عراق، آمریکا و شوروی که پس از جنگ دوم جهانی با یکدیگر درگیر جنگ سرد بودند، در صف حامیان صدام قرار گرفتند. در این بین شوروی هم مشابه آمریکا اعطای انواع کمک‌های تسلیحاتی، نظامی و مالی به صدام را جزو برنامه‌های خود قرارداد.

1. <https://www.yjc.news/fa/news/7982618>

پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، بالگرد، تانک و سلاح‌های دیگر از جمله تسلیحاتی بود که شوروی به عراق ارسال کرد. علاوه بر این فرماندهان ارتش شوروی با حضور در بغداد، آموزش‌های لازم را به ارتش عراق ارائه می‌دادند. بسیاری از تجهیزات استفاده شده از سوی عراق در حمله به ایران، ساخت کشور شوروی بود. بیش از ۴۰۰ تانک تی ۵۵، ۳۰۰ موشک زمین‌به‌زمین استاد بی، هزار تانک تی ۶۲، بیش از ۵۰۰ تانک پیشرفته تی ۷۲ و نزدیک به ۲۰۰ فروند انواع هواپیماهای میگ، تنها بخشی از کمک‌های شوروی سابق به عراق در جنگ با ایران بوده است.

در کنار کمک‌های مستقیم نظامی، دولت عراق برای توسعه برنامه موشکی بالستیک خود توانست کارشناسان موشکی شوروی را به خاک عراق دعوت کند. حضور این کارشناسان گرچه هیچ‌گاه به تکنولوژی ساخت موشک‌های بالستیک منجر نشد، اما نشانه‌ی روشنی از پشتیبانی همه‌جانبه شوروی از عراق است.

اما جماهیر شوروی یا به بیان دیگر بلوک شرق، نه تنها موفق به نابودی ایران نشد بلکه خود فروپاشید. حضرت امام رحمت‌الله علیه مدتی قبل از فروپاشی شوروی سابق و در زمانی که هیچ‌کس انتظار این واقعه مهم را نداشت، در نامه‌ای به گورباچف، با پیش‌بینی سقوط قریب‌الوقوع این ابرقدرت، سران شوروی سابق را به راه حق دعوت فرمودند:

جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد.^۱

هنوز زمان کوتاهی از نامه تاریخی امام راحل رحمت‌الله علیه نگذشته بود که در میان بهت و حیرت جهانیان، رژیم شوروی فروپاشید!

گورباچف در سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه، طی مصاحبه با خبرنگار واحد



1. http://www.imam-khomeini.ir/fa/c17_21562



مرکزی خبر در مسکو نسبت به بی‌توجهی خودش از هشدار امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در رابطه با خطر فروپاشی شوروی، اظهار تأسف کرده و اذعان می‌کند که اگر به هشدار حضرت امام رحمۃ اللہ علیہ اعتنا کرده بود، شوروی از بین نمی‌رفت.^۱

امروزه اما کشور روسیه به هم‌پیمانی برای ایران تبدیل شده است و در بسیاری از موارد در سازمان ملل رأی منفی به قطع‌نامه‌های ضدایرانی می‌دهد.

ج) آمریکا

اما بزرگ‌ترین دشمن ملت ایران آمریکا است که پس از جنگ جهانی دوم تبدیل به ابرقدرت مهم دنیا شده بود و با هم‌پیمانان خود ناتو را تشکیل داد. جنگ‌ها و جنایات بی‌شماری را بعد از جنگ جهانی دوم انجام داد. ظلم‌های پیاپی آمریکا از حافظه ملت ایران پاک نخواهد شد.

هرچند طومار بلند توطئه‌ها و شرارت‌های آمریکا علیه کشورمان، مثنوی هفتادمن خواهد شد اما در اینجا تیتراژی از مهم‌ترین اقدامات خصمانه آمریکا را بیان می‌کنیم:

۱. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛
۲. حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه؛
۳. تشکیل ساواک در ایران؛
۴. تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران؛
۵. حمله نظامی به طبرس؛
۶. کودتای نوژه؛
۷. تحریک عراق و تحمیل جنگ علیه ایران؛
۸. رویارویی و دخالت نظامی مستقیم در جنگ؛
۹. فشارهای اقتصادی و اقدامات تحریمی علیه نظام جمهوری اسلامی؛
۱۰. حمایت، سازماندهی و هدایت مخالفان نظام؛

1. <https://www.aparat.com/v/cyaer/>

۱۱. فضا سازی سیاسی و تبلیغاتی و جنگ روانی علیه نظام جمهوری اسلامی؛
۱۲. اختصاص بودجه‌های کلان برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی؛
۱۳. مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری هسته‌ای؛
۱۴. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم؛
۱۵. ناامن کردن ایران و منطقه با تشکیل گروه‌های تروریستی از جمله داعش؛
۱۶. شهادت بسیاری از خدمتگزاران نظام از جمله حاج قاسم سلیمانی؛

...و

اما ایالات متحده امروز در حال افول است. بسیاری از متفکران و اندیشمندان دنیا «افول آمریکا» را قطعی می‌دانند. پائول کندی، مورخ مشهور انگلیسی، در کتاب پرفروش ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، آینده نسبتاً تیره و تاری را برای آمریکا ترسیم کرده و به رهبران ایالات متحده هشدار داده که این کشور با سرنوشت دیگر امپراطوری‌ها، یعنی فرسایش جایگاه جهانی مواجه خواهد گردید و به‌طور تدریجی به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد.

استفان والت، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، ۴ دی ۱۳۹۹ در مجله خبری سیاسی فارین پالیسی نوشت:

آمریکا در تاریخ معاصر یکی از خوش‌شانس‌ترین کشورها بود و توانست به قدرت برتر جهان دست یابد، اما روندها نشان از پایان این برتری می‌دهد.

کریستوفر لین استاد دانشگاه تگزاس، در رابطه با افول موریانه‌ای می‌گوید:

افول موریانه‌ای، به این معنی است که زمانی یک شیء ظاهر خوبی دارد، یعنی به ظاهرش که نگاه می‌کنید، خیلی مشکل‌دار نیست؛ ولی موریانه، از درون دارد این میزی که مجلل است را می‌خورد و پوک می‌شود و آن را در یک بازه زمانی کوتاهی از بین می‌برد. زمانی که می‌گویند «افول موریانه‌ای» است یعنی از داخل، آمریکا دارد پوک می‌شود.





کتاب *جامعه انحطاط زده* نوشته راس توتات، به بحث‌های اجتماعی و فرهنگی داخل جامعه آمریکا می‌پردازد که چگونه فرهنگ تضعیف شده و جامعه روبه‌زوال است و سیاست متصلب و کند شده آن دیگر کارآمد نیست.

به‌راستی آمار و ارقام، وخامت اوضاع در آمریکا را نشان می‌دهد:

- آمریکا کشوری است که رتبه اول دنیا از نظر تعداد زندانی به نسبت جمعیت، متعلق به اوست.^۱
- آمریکا کشوری است که رتبه اول دنیا از نظر تعداد سلاح گرم (بیشتر از جمعیتش) متعلق به اوست، به طوری که ۴۲ درصد اسلحه‌های دنیا دست آمریکایی‌ها می‌باشد، در صورتی که فقط ۴ درصد جمعیت دنیا را دارد.^۲
- آمریکا کشوری است که جایگاه دوم دنیا از نظر میزان مرگ‌ومیر توسط اسلحه گرم متعلق به اوست.^۳
- آمریکا کشوری است که ۳۵ درصد کل موارد خودکشی با سلاح گرم در دنیا، متعلق به اوست^۴ و دومین دلیل مرگ‌ومیر بومیان آمریکایی جوان خودکشی است.^۵
- آمریکا کشوری است که رتبه یک دنیا از نظر تجاوز به زنان را داراست^۶ و جزو ده کشور خطرناک دنیا برای زنان متعلق به اوست.^۷ به‌گونه‌ای که ۵۶ درصد از زنان بومی آمریکایی، تجاوز و آزار جنسی را تجربه کرده‌اند^۸ و ۸۰ درصد زنان ارتش، آزار جنسی دیده‌اند.
- آمریکا کشوری است که تقریباً نیمی از فرزندان متولد شده‌اش بدون پدر بوده است.^۹

1. <https://plink.ir/7FLIA?source=qr>

2. <https://www.wired.com/story/guns-in-america-five-charts/?source=qr>

3. <https://plink.ir/8Her8?source=qr>

4. <https://plink.ir/CnoyO?source=qr>

5. National Violent Death Reporting System

6. سال 2018 Times of India سایت

7. <https://plink.ir/oeP2I?source=qr>

8. United States Department of Justice

9. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-10-17/almost-half-of-u-s-births-happen-outside-marriage-signaling-cultural-shift>

- آمریکا کشوری است که جایگاه پنجمین کشور دنیا از نظر بیشترین درصد طلاق در جهان و همچنین جزو هفت کشور اول دنیا از نظر ثبت سریعترین طلاقها در جهان متعلق به اوست.^۱
- آمریکا کشوری است که جایگاه دوازدهمین کشور دنیا از نظر بیشترین سرقت نسبت به جمعیت متعلق به اوست.^۲
- آمریکا کشوری است که جایگاه دوم دنیا از نظر میزان مرگومیر بر اثر مصرف مواد مخدر متعلق به اوست.^۳
- آمریکا کشوری است که جایگاه پنجمین کشور دنیا از نظر بیشترین سرطان به نسبت جمعیت متعلق به اوست.^۴
- آمریکا کشوری است که جایگاه دومین کشور دنیا از نظر تعداد سقط جنین در سال ۲۰۱۵ میلادی متعلق به اوست.^۵
- آمریکا کشوری است که جایگاه اولین کشور دنیا از نظر میزان تولید محتوای مستهجن متعلق به اوست.^۶
- آمریکا کشوری است که جایگاه چهارمین کشور فقیر در بین کشورهای OECD متعلق به اوست.^۷ فقط ۵۰ درصد از بی‌خانمانهای آمریکا، شهروندان بالای ۵۰ سال آن هستند و حدود یک چهارم از بی‌خانمانها، زیر ۱۸ سال هستند. در آمریکا دولت، با توجیه کمبود بودجه، سالانه ۱۰ هزار مسکن را از افراد کم‌درآمد می‌گیرد و آنها را آواره خیابان‌ها می‌کند.^۸



1. <https://plink.ir/b2d9b?source=qr>
2. <https://plink.ir/5jdxE?source=qr>
3. <https://plink.ir/rjc19?source=qr>
4. <https://plink.ir/QATaB?source=qr>
5. <https://plink.ir/fKF3j?source=qr>
6. <https://plink.ir/mVTxN?source=qr>
7. <https://plink.ir/WV4id?source=qr>



- آمریکا کشوری است که در آن ۴۰ میلیون آمریکایی، زیر خط فقر زندگی می‌کنند.^۱
 - آمریکا کشوری است که بدهکارترین کشور دنیاست، به طوری که بدهی آن تا ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی، ۲۳ هزار میلیارد دلار برآورد شده است.
 - آمریکا کشوری است که جایگاه اولین کشور دنیا از نظر عدم امنیت شغلی متعلق به اوست.^۲
 - آمریکا کشوری است که دارای بالاترین هزینه درمان در دنیا است، به طوری که ۴۰ درصد آمریکایی‌ها به خاطر هزینه بالای درمان، اصلاً دنبال درمان بیماری‌هایشان نمی‌روند و ۳۲ درصد از کسانی که به پزشک مراجعه می‌کنند، یا نسخه پزشک را تهیه نمی‌کنند، یا فقط بخشی از دارو را می‌گیرند.
- این چنین وضعیت آمریکا روبه افول و نابودی است.

پیش بینی افول آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و گرفتاری در باتلاق عراق

امپراطوری غرب که برای ادامه حیات خود چاره‌ای جز هجوم دوباره به خاورمیانه و جهان نداشت، با سناریوی ۱۱ سپتامبر بازی خطرناکی را آغاز کرد و در حالی که جهان در انفعال و شوک عمیقی فرو رفته بود، لشگرکشی عظیمی را با رهبری آمریکا به خاورمیانه به راه انداخت. اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان و تحلیل‌گران، آغاز دوره‌ای سیاه و تاریک را برای خاورمیانه پیش بینی کردند که طی آن آمریکا با چپاول منابع طبیعی ملت‌ها، مقتدرتر و قدرتمندتر می‌شد؛ اما امام خامنه‌ای علیه السلام دیدگاه دیگری داشت و سیر تحولات را به گونه‌ای دیگر پیش بینی می‌کرد. سید حسن نصرالله در این باره می‌گوید:

«آمریکا به گونه‌ای به خاورمیانه لشکر کشید که کشورهای دیگر اطمینان یافتند منطقه وارد عصر آمریکایی خود شده است و از این پس ملت‌های منطقه باید

1. United States Census Bureau

۲. سازمان oecd سال ۲۰۱۳.

شاهد سیطره و حاکمیت آمریکا بر خاورمیانه باشند. آنان حتی خود را برای صد یا دویست سال حاکمیت آمریکا در منطقه و جنگ‌های جدیدی شبیه جنگ‌های صلیبی، آماده می‌کردند.

در آن زمان من سفری به ایران داشتم و طی این سفر به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای رفتم و نظر ایشان را درباره حوادث منطقه‌ای و ورود آمریکا به آن جویا شدم. در آن زمان اوضاع به قدری بحرانی بود که برخی از مسئولان و مقامات ایرانی نزد ایشان می‌آمدند و با ایشان درباره برقراری رابطه با آمریکا مشورت می‌کردند و می‌گفتند: باید به دنبال سازش و آشتی با آمریکا باشیم. ایشان با توجه به دیدگاه استراتژیک‌شان این خواسته‌ها را رد و تأکید می‌کردند که اوضاع آن‌گونه که ملاحظه می‌کنید، بر وفق مراد آمریکایی‌ها نیست؛ نگران نباشید! آمریکا هم اکنون به اوج خود رسیده و از هم‌اکنون به بعد باید در انتظار فرود و افول این کشور و به‌ویژه ناکامی طرح‌هایش در منطقه باشیم و باید بر این پایه و دیدگاه با موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های آمریکا در منطقه برخورد کنید و تعامل داشته باشید»^۱.



د) رژیم غاصب صهیونیستی

دیگر دشمن جمهوری اسلامی، رژیم غاصب صهیونیستی است. رژیمی که سال ۱۹۴۸ میلادی پس از اشغال فلسطین توسط نیروهای انگلیس، اعلام موجودیت و تشکیل کشور کرد. پس از برقرار کردن ثبات نسبی، شروع به حملاتی به کشورهای هم‌چون سوریه، مصر، عراق، لبنان و... در طی دهه‌های مختلف کرد. به‌عنوان مثال در ۱۹۸۲ میلادی اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد که نتیجه این جنگ آغاز جنگ‌های داخلی لبنان بود.^۲ اسرائیل دلیل رسمی این حمله را دفاع در مقابل حملات تروریستی به شمال اسرائیل اعلام کرد. اما پس از پیشروی ۵۰

۱. همان.

۲. جنگ ۳۳ روزه نویسنده: حسینی فاضل، سید مرتضی جلد یک؛ صفحه: ۱۴.

کیلومتری، نیروهای مسلح اسرائیل پیشروی خود را تا بیروت، پایتخت لبنان، ادامه دادند؛ اما روند شکست‌های پیاپی این رژیم در جنگ‌هایی همچون جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه و... خبر از نابودی این رژیم می‌دهد تا جایی که برخی از تحلیل‌گران غربی نابودی این رژیم را بسیار سریع می‌دانند.

به‌عنوان نمونه، هاآرتز^۱، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین روزنامه چاپ اسرائیل، مطلب مهمی را با تمسخر از قول هنری کیسینجر^۲، سیاست‌مدار کهنه‌کار یهودی-آمریکایی، در سال ۲۰۱۲ میلادی می‌نویسد که بسیار حائز اهمیت است، زیرا کیسینجر می‌گوید:

۱۰ سال دیگر اسرائیلی وجود نخواهد داشت.^۳

و یا پایگاه خبری ماندویس^۴، لارنس ویلکرسون^۵، رئیس دفتر وزیر سابق امور خارجه آمریکا در مؤسسه صلح ماساچوست گفت:

اسرائیل ۲۰ سال آینده دیگر وجود نخواهد داشت، زیرا خود را به‌عنوان یک رژیم آپارتاید مشروعیت می‌بخشد. اسرائیل یک «نقطه ضعف راهبردی درجه اول»^۶ برای آمریکا است و محتمل‌ترین رژیم می‌است که آمریکا را به آرماگدون (جنگ آخرالزمانی) می‌برد.^۷

یووال دیسین^۸، رئیس اسبق سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، در گفتگویی با روزنامه دیدیوت آحارونوت^۹، به شکاف‌های موجود در این رژیم اشاره کرده



1. Haaretz

2. Henry Alfred Kissinger

3. <https://www.haaretz.com/opinion/.premium-has-our-expiration-date-arrived-1.5177965>

4. Mondoweiss

5. Lawrence Wilkerson

6. strategic liability of the first order

7. <https://mondoweiss.net/2021/09/israel-will-be-gone-in-20-years-wilkerson/>

8. Yuval Diskin

9. Yedioth Ahronoth

بود که افول رژیم صهیونیستی را سرعت می بخشد. او می گوید:

رژیم اسرائیل احتمالاً تا نسل آتی بیشتر دوام نخواهد آورد و نابود می شود.^۱

۵) راهبرد تبدیل دشمنان دیروز به هم پیمانان امروز

در طول تاریخ معاصر، خصوصاً در ۴۰ سال اخیر دشمنان ریز و درشتی بودند که در مقابل ملت ایران ایستادند و امروز به هم پیمانان ایران اسلامی مبدل شده اند.

به عنوان نمونه، چین که روزی از کشورهای مهم حامی صدام در جنگ به شمار می رفت و فقط در یک دوران ۱۳۰۰ دستگاه تانک تی . ۵۹، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به مبلغ یک میلیارد دلار به عراق تحویل داد^۲ و موافقت کرد که برای به کار انداختن کوره اتمی، اورانیوم غنی شده به این کشور تحویل دهد، امروزه به یکی از مهم ترین هم پیمانان ایران تبدیل شده است. این دو تمدن کهن آسیایی امروزه به دو شریک نزدیک در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی برای یکدیگر تبدیل شده اند. این دو کشور با دیدگاه ها و منافع مشترک بسیار در عرصه دو و چند جانبه، شریک راهبردی و استراتژیک هم تلقی می شوند.

یکی دیگر از مهم ترین دشمنان ایران، دولت عراق بود که دیوانه وار ۸ سال به جنگ تمام عیار با ایران اسلامی برخاست؛ اما امروزه یکی از نزدیک ترین و مهم ترین هم پیمانان ایران است. رابطه بین دو کشور ایران و عراق، پس از شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهانشان، بسیار مستحکم تر از قبل شده است.

اما در این بین، کشورهایی از گذشته هم پیمانان جمهوری اسلامی بوده و خدمات بسزایی برای آن انجام داده اند. به عنوان مثال کشور سوریه جزو



1. <https://www.ynet.co.il/news/article/ByVnqeTWO>

۲. U.N Year book. ۱۹۸۰-۱۹۸۸؛ منوچهر پارسا دوست، ص ۶۳۵

معدود کشورهای حامی ایران در جنگ ۸ ساله آن با عراق بود.

خدمات سوریه به ایران در دوران دفاع مقدس

ملت ایران حمایت‌های سوریه را فراموش نکرده است. حافظ اسد، رئیس‌جمهور وقت سوریه، اقدامات بسیار مهمی در جنگ تحمیلی برای حمایت از جمهوری اسلامی ایران و تحت فشار قراردادن عراق انجام داد؛ برای مثال آموزش فرماندهان ایرانی؛ در اختیار گذاشتن چند موشک اسکاد بی با وجود تحریم تسلیحاتی‌ای که جمهوری اسلامی بود؛ قطع خط لوله نفتی عراق به دریای مدیترانه که نفت عراق را (به میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز) در اختیار نفت‌کش‌ها قرار می‌داد و برای بغداد از اهمیت حیاتی برخوردار بود، سوریه برای دفاع از ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی این خط لوله را به طور کامل مسدود کرد و سبب شد درآمد نفتی عراق تا ۳۰ درصد کاهش پیدا کند. این ضربه چنان برای رژیم بعث عراق سهمگین بود که بلافاصله تلاش خود را برای سرنگونی حکومت سوریه افزایش داد و شروع به تسلیح نیروهای اخوان‌المسلمین در خاک سوریه کرد و... حافظ اسد، از معدود افرادی بود که جوانمردانه از همان ابتدا از آرمان‌های جمهوری اسلامی دفاع کرد و حتی مانع از تشکیل جبهه متحد کشورهای عربی علیه ایران شد.^۱

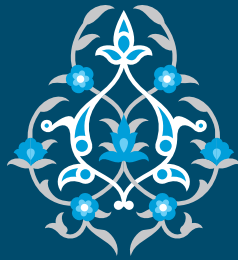
می‌توان ادعا کرد حدود ۴۰ سال پیش ایران تک‌وتنها انقلاب کرد و بعد از آن در جنگ نیز، تقریباً بدون هم پیمان به مقاومت خود ادامه داد. در دوران جنگ، به جز لیبی، کره شمالی و سوریه هیچ کشوری از ایران حمایت نکرد.



1. <https://www.isna.ir/amp/94092212503/>

فهرست منابع

۱. این بخش، طبق فرموده حضرت علی علیه السلام که می فرمایند: «أَنْظِرْ أَلِي مَا قَالَتْ وَلَا تَنْظُرْ أَلِي مَنْ قَالَ» (به کلام نگاه کنید و نه به گوینده آن) نام کتاب بر گوینده مقدم شده است.





منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ۴۰ سال علم، فناوری و نوآوری، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، انتشارات دانش بنیان فناور، تهران، ۱۳۹۷.
۴. إحقاق الحق، الشوشتري، نورالله بن شريف الدين، مكتبة آية العظمي المرعشي النجفي رحمته الله عليه، قم، ۱۳۷۶ ق.
۵. اخبار الطوال، دينوري، ابوحنيفه احمد بن داود، مهدي دامناني، محمود، بنياد فرهنگ ايران، تهران، ۱۳۴۶.
۶. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. أسد الغابة في معرفة الصحابة، عزالدين ابوالحسن علي بن محمد بن عبدالكريم، معروف به ابن اثير، دارالكتاب العربي، بيروت، ۱۴۲۷ ق.
۸. الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، تحقيق: عبد الموجود، عادل احمد، معوض، علي محمد، شركه طبع الكتب العربيه، مصر، ۱۳۲۳ ق.
۹. امامت و سياست (تاريخ خلفاء)، ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم، ترجمه سيدناصر طباطبائي، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. امواج اراده ها (گوشه ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، عزیزى، راضيه، گردآوری و تدوين: ميلاد حبيبي و پژمان عرب، انتشارات راه يار، ۱۳۹۹.
۱۱. انساب الاشراف للبلاذري، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۴ ق.
۱۲. آشنایی با قرآن، مطهری، مرتضی، چاپ نهم، انتشارات صدرا، تهران؛ ۱۳۷۸.



۱۳. آینده سازان، دشتی، محمد، نشر امیر المؤمنین علیہ السلام، ۱۳۸۱.
۱۴. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، چاپ دوم: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. البدايه و النهايه، ابن کثیر، عمادالدين ابوالفداء اسماعیل بن عمر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمته الله علیه، به کوشش رجایی، غلامعلی، چاپ ششم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. بشارة المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم لشيعة المرتضى علیه السلام، طبری آملی، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. بیانیہ «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷.
۱۹. تاریخ اسلام، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. تاریخ بیست ساله، مکی، حسین، چاپ ششم، ناشر: علمی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۱. تاریخ دمشق الكبير، ابن عساکر دمشقی شافعی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۲۲. تاریخ طبری، طبری، محمد بن جریر بن یزید، شهبابی، علی اکبر، قرطبی، عریب بن سعد، اساطیر، ۱۳۶۲.
۲۳. تاریخ تحلیلی اسلام، حسینی، علی اکبر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، نوبت اول، ۱۳۷۹.
۲۴. تفسیر نور، قرائتی، محسن، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۲۵. تنقیح المقال، مامقانی، عبدالله، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۲۳.
۲۶. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، دار صادر، بیروت، ۱۳۲۵.
۲۷. مقاومت شکننده، جان فوران، ترجمه تدین، چ ۱۹، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۹.
۲۸. جلوه آفتاب، احمدی خواه، علی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معارف، ۱۳۹۴.
۲۹. جنگ ۳۳ روزه، احسان مرتضی، مترجم: حسینی فاضل، سید مرتضی و سفیدرو، صفدر، قم، ناشر: زمزم هدایت، ۱۳۸۷.
۳۰. حیات یحیی، دولت آبادی، یحیی، چاپ اول، فردوس.
۳۱. خاطرات حاج احمد شهاب، امیری، حکیمه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۳۲. خاطرات حاج احمد قدیریان، تدوین سیدحسین نبوی، محمدرضا سرابندی، مرکز

اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.

۳۳. خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، پیک ایران
۳۴. خاطرات و خطرات، هدایت، مهدی قلی، (هدایت، مخبرالسلطنه)، چاپ هفتم، ماهی، ۱۳۸۷.
۳۵. خاکریز اقدام و عمل، مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷، ۱۳۹۵.
۳۶. خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، بنجامین شوادرن، شریفیان، عبدالحسین، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۴.
۳۷. دروغ، صدر، سیدرضا، چ ۳، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
۳۸. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، الذهبی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۹ م.
۳۹. راه‌های نفوذ دشمن، راجی، سید محمدحسین، چاپ سوم، کتابستان ماجد، مشهد، ۱۳۹۶.
۴۰. ریاکاری‌های امویان و عباسیان، محمدعلی چنارانی، مشهد، نشر فدک مشهد، ۱۳۶۹.
۴۱. ریحانه کربلا، نیشابوری، عبدالحسین، چاپ هشتم، طوبای محبت، قم، ۱۳۸۹.
۴۲. سفینه البحار و مدینه الحکام و الآثار، قمی، شیخ عباس، دارالمرتضی
۴۳. سقوط شاه، فریدون هویدا، ترجمه حسین ابوترابیان، چ ۱۲، نشر اطلاعات، ۱۳۹۵.
۴۴. سیاست خارجی دوران پهلوی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چ ۱۰، نشر پیکان، ۱۳۹۳.
۴۵. سیمای کارگزاران، یعقوب علی برجی، نشر شهریار، چ ۲، ۱۳۷۸.
۴۶. شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی، نشر زوار، ۱۳۷۷.
۴۷. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، ۱۴۰۴ ق.
۴۸. الشیعة و الحاکمون، محمدجواد مغنیه، ترجمه مصطفی زمانی، دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۳.
۴۹. صحیفه نور، امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹.
۵۰. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات حسین فردوست، حسین فردوست، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اطلاعات، ۱۳۹۵.
۵۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، مصحح: لاجوردی، مهدی، چاپ اول، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۵۲. الغدیر، علامه امینی، ج ۱، چاپ پنجم، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۳ ق.
۵۳. غیبت نعمانی، بو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.





۵۴. الفتوح، ابومحمد احمد بن علی اعثم کوفی، محمد بن علی؛ محقق: شبیری، علی
ناشر: دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۵۵. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، ترجمه:
مویدی، علی؛ چاپ پنجم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶.
۵۶. قمه زنی سنت یا بدعت، مسائلی، مهدی، اصفهان، گلین، ۱۳۸۷.
۵۷. قیام امام حسین علیه السلام، شهیدی، سیدجعفر، چاپ نهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
تهران، ۱۳۸۲.
۵۸. کاخ تنهایی، ثریا اسفندیاری، ترجمه نادعلی همدانی، پیکان، ۱۳۸۰.
۵۹. الكامل فی التاریخ الشیبانی، ابوالحسن علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن
عبد الکریم، ۱۳ جلدی، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵.
۶۰. کرامات امام خمینی رحمته الله علیه، اسماعیل محمد کرمانشاهی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی رحمته الله علیه، نبوغ، ۱۳۸۴.
۶۱. کریم خان زند، طهرانی، محبوبه، زرین آرا، ۱۳۹۷.
۶۲. کیمیای محبت، محمدی ری شهری، محمد، چاپ چهل و سوم، دارالحدیث، قم،
۱۳۹۲.
۶۳. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی،
محمد؛ چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۶۴. کتاب البر و الصلة و الآداب، شرح النووی علی صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی -
بیروت، ۱۳۹۲.
۶۵. گزیده سیمای فرزنانگان، مختاری، رضا، چاپ چهارم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.
۶۶. گفت وگوهای اورینا فالاجی، انتخاب و ترجمه غلامرضا امامی، چاپ هشتم؛ افق،
تهران، ۱۳۹۳.
۶۷. گناه شناسی، قرائتی، محسن، تنظیم و نگارش: محمد محمدی اشتهاردی، چاپ ۱۲،
مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۶.
۶۸. تاریخ حوادث بزرگ، محمدی اشتهاردی، محمد، چاپ دهم، مرکز فرهنگی درس هایی
از قرآن، تهران، ۱۳۸۹.
۶۹. گنجینه شهاب، اندر شرح حال حضرت آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، مرعشی نجفی،
سید محمود، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰.
۷۰. لهوف علی قتل الطفوف، ابن طاووس، علی بن موسی، ترجمه: عزیزی، عباس، چاپ
نهم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۶.
۷۱. معجم الرجال، خوئی، سید ابوالقاسم، ناشر: دفتر آیه الله العظمی الخوئی رحمته الله علیه، قم،

۱۴۰۹ق.

۷۲. منشور جاوید، سبحانی تبریزی، جعفر، رچاپ سوم، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۸.
۷۳. موسوعة التاريخ الإسلامی، الیوسفی الغروی، محمد هادی، مجمع الفکر الاسلامی
۷۴. نقدی علمی بر سند ۲۰۳۰، راجی، سید محمد حسین، انتشارات کتابستان ماجد، ۱۳۹۶.
۷۵. وقعه صفین، نصر بن مزاحم، به تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۷۶. یادگاران، شهید محمدتقی رضوی، رهبرفر، نیره، روایت فتح، ۱۳۸۱.
۷۷. فصل نامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، ش ۱۴، ۱۳۸۳.
۷۸. روزنامه کیهان.

منابع اینترنتی



79. <http://apps.webofknowledge.com>
80. <http://www.worldlifeexpectancy.com>
81. <http://www3.weforum.org>
82. <https://atubis.com>
83. <https://data.worldbank.org>
84. <https://farsi.khamenei.ir>
85. <https://irdc.ir>
86. <https://knoema.com>
87. <https://lib.ohchr.org>
88. <https://mehrnews.com>
89. <https://mondoweiss.net>
90. <https://ourworldindata.org>
91. <https://dataunodc.un.org/crime>
92. <https://www.prisonstudies.org>
93. <https://www.wired.com/>
94. <https://www.unifiedlawyers.com.au>
95. <https://www.sciencenews.org>
96. <https://lozierinstitute.org>
97. <https://www.statista.com>
98. <https://www.reuters.com>
99. <https://www.wcrf.org>
100. <https://www.worldlifeexpectancy.com>
101. <https://data.oecd.org>

102. <http://www.imam-khomeini.ir>
103. <https://theiranproject.com>
104. <https://www.bloomberg.com>
105. <https://www.businessinsider.com>
106. <https://www.globalfirepower.com/aircraft-total.php>
107. <https://www.haaretz.com>
108. <https://www.isna.ir>
109. <https://www.rainn.org>
110. <https://www.scimagojr.com>
111. <https://www.start.umd.edu>
112. <https://www.telegraph.co.uk>
113. <https://www.the-american-interest.com>
114. <https://www.undp.org>
115. <https://www.wired.com>
116. <https://www.worldatlas.com>
117. <https://www.yjc.news>
118. <https://www.ynet.co.il>
119. www.babycentre.co.uk
120. www.namanews.com
121. <http://fna.ir>
122. <http://mshrgh.ir>
123. <http://qudsonline.ir>

